



پوهنتون اسلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

اثر اخلاق در وقایه از وقوع مفسد در روشنی قرآن کریم

(رساله ماستری)

محصل: سید افضل (بالا)

استاد رهنما: دکتور فصیح الله (عبدالباقی)

سال: ۱۳۹۹ هـ ش - ۱۴۰۰ هـ ق



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

اثر اخلاق در وقایه از وقوع مفسد در روشنی قرآن کریم

(رساله ماستری)

محصل: سید افضل (بلال)

سال: ۱۳۹۹ هـ.ش - ۱۴۰۰ هـ.ق

استاد رهنما: دکتور فصیح الله (عبدالباقي)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دپارتمنت تفسیر و حدیث

بورده ماستری

تصدیق نامه

محترم سید افضل ولد سید مختار ID: نمبر SH-MST-98-585 محصل دور پنجم تفسیر و حدیث که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: اثر اخلاق در وقایه از وقوع مفاسد در روشنی قرآن کریم به روز سه شنبه تاریخ ۱۹ / ۶ / ۱۴۰۰ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق د ۹۰ (نمره په عدد) نود و پوسه (نمره په حروفو) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور نصر من الله مجاهد	عضو هیات	
۲	دکتور اصحاب الله او اب	عضو هیات	
۳	دکتور فصیح الله عبدالباقي	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

..... معاون علمی

..... امر بورده ماستری

اهداء

این رساله علمی را که از اولین اثر علمی بنده است اهدا می کنم به :

- خانواده گرامی ام خود که در تعلیم و تربیه بنده زحمات فراوان را متحمل شده اند.
 - به تمام استادان عالی قدر که در تعلیم و تربیه اولاد میهن تلاش نموده اند.
 - به علمای که رسانیدن علم را وجیبه خود دانسته و به آن مشغول اند.
 - به همه محصلان علم و دانش و بزرگانی که در راستای ترویج علم و معارف اسلامی قدم بر می دارند خصوصا دست اندرکاران پوهنتون سلام که با زحمات بی شائبه شان زمینه تحصیل را برای طلب علم فراهم نمودند.
- و علی الخصوص استاد بزرگوار و ارجمند جناب دکتور فصیح الله عبدالباقی که با رهنمایی های دلسوزانه ایشان این تحقیق به پایان رسید.

سیاسگذاری

در قدم نخست الله (جل جلاله) را سپاس گزارم که بنده را لایق علم و تعلیم دیده و توفیق عنایت فرمود تا مرحله ماستری را به اتمام رسانده و این رساله را به تحریر در آورم.

سپس جای دارد که از وزارت تحصیلات عالی جمهوری اسلامی افغانستان اظهار امتنان نمایم که زمینه مرحله ماستری را در کشوری رنج دیده مان افغانستان فراهم ساخته، تا جوانان در بخش علوم و فنون پشرفت چشم دیدی داشته باشند و در نهایت یک افغانستان آباد و سربلند که آرزوی همه افغانها است را داشته باشیم و تشکر خاص می نمایم از استادان پوهنتون سلام در مورد ماستری که توانستند با فراهم ساختن زمینه تحصیل در مقطع ماستری در عرصه علوم اسلامی مصدر خدمت واقع شوند.

جا دارد در این جا از همکاری بی شایبه و رهنمائی های مفید و ارزنده تمام دوستانم که برایم به هرنحوی در ترتیب رساله همکاری نمودند اظهار سپاس و امتنان نمایم و از دربار خداوند منان برای شان طول عمر و موفقیت های مزید در تمام عرصه های زندگی خواهانم .

قسمی که معلوم است تهیه و تدوین یک اثر علمی بدون همکاری و رهنمائی اساتید بزرگوار و دانشمندان ممکن و میسر نیست بناءً مناسب می دانم تا از زحمات و همکاری های بی شائبه و همه جانبه استاد راهنمای خویش محترم **دکتر فصیح الله (عبدالباقی)** که با راهنمایی های دلسوزانه ایشان این تحقیق تدوین گردیده است، اظهار سپاس و امتنان خاص نمایم.

و همچنان تشکر میکنم از استادان مناقش هریک دکتر اصحاب الله (اواب) و دکتر نصرمن الله (مجاهد) که در هنگام دفاع با نشانی کردن ملاحظات در تصحیح این رساله همکاری فرمودند.

از بارگاه الله متعال میخواهم که این عمل ناچیز بنده را به دربار خود قبول و منظور نماید.

خلاصه بحث

بحث روی اثر اخلاق در وقایه از مفسد، یکی از مسائل مهم و اساسی به شمار می رود به همین خاطر این رساله راجع به این موضوع در روشنی قرآن طی سه فصل و چندین مباحث تحریر گردیده است که فشرده آن قرار ذیل است:

اخلاق عبارت از صفات نفسی پایدار است که باعث صدور افعال از انسان میشود، اخلاق از جمله خصوصیات بسیار مهم در حیات فردی و اجتماعی انسان به شمار میرود، یک جامعه وقتی به ترقی و تعالی میرسد که افراد آن جامعه دارای اخلاق عالی باشند. اخلاق اسلامی مصدر الهی و ربانی داشته و قابل فهم و موافق با عقل است و نیز متوازن است و تمام بخش های آن دارای توازن و تعادل است که در آن نه افراط است و نه تفریط، اخلاق اسلامی رعایت کننده واقعیت ها است و در توافق با فطرت بشری است به همین خاطر است که اخلاق اسلامی نقش بسیار بزرگی در وقایه از مفسد دارد.

مراد از اخلاق انفرادی آن عده اخلاقیاتی است که تعلق به فرد انسان و رابطه او با خداوند دارد مانند: صبر، صداقت، عفو، اخلاص، تواضع، رفق و نرمی، شرم و حیاء، توبه و ترس و خوف که در این رساله مورد بحث قرار گرفته اند و آثار زیادی در وقایه از وقوع در مفسد در زندگی انسان دارند.

اخلاق اجتماعی از مسائل مهم و حیاتی در جامعه انسانی بشمار میاید و اخلاق اجتماعی پایه و اساس یک جامعه را تشکیل میدهد، در این رساله روی برخی از اخلاقیات اجتماعی مانند: احسان و نیکی به والدین، نیکی به همسر، تعاون و همکاری با دیگران، توجه به یتیمان، عدالت، شهادت، امر به معروف و نهی از منکر، اخوت و ایثار و فداکاری و آثار این اخلاقیات در وقایه از مفسد به بحث گرفته شده است که نشان می دهد تقویه اخلاق انفرادی و اجتماعی یکی از بهترین برنامه ها برای دفع مفسد زیادی چون دشمنی و عداوت و نجات از مهلکات است و اگر اخلاق ایثار و فداکاری تقویه شود بسیاری از مشکلات بزرگ در کشور ما افغانستان حل می گردد به طور مثال جنگی که در حال حاضر جریان دارد و هر روز از هردو طرف قربانی میگیرد و روز به روز فساد و بدبختی زیاد می شود و اگر هردو طرف جنگ در افغانستان از ایثار و خود گذری کار بگیرند در نتیجه مشکلات امنیتی حل می گردد و صلح حکفرما می شود.

واژه های کلیدی: اخلاق، اثر، قرآن، وقایه، مفسد.

فهرست مطالب

مقدمه

۲	اسباب اختیار موضوع:
۲	اهمیت موضوع:
۳	سوال های تحقیق:
۳	پیشینه تحقیق:
۵	روش تحقیق:
۶	مشکلات تحقیق:
۶	خطه بحث:

فصل اول

کلیات و مفاهیم اساسی تحقیق

۱۴	مبحث اول: تعریف واژه های کلیدی:
۱۲	مطلب اول: معنای لغوی و اصطلاحی اخلاق:
۱۴	مطلب دوم: معنای لغوی و اصطلاحی وقایه:
۱۶	مطلب سوم: معنای لغوی و اصطلاحی مفاصد:
۱۸	مبحث دوم: اخلاق و اهمیت آن:
۱۸	مطلب اول: اهمیت و ارزش اخلاق از منظر اسلام:
۲۲	مطلب دوم: اهمیت و ارزش اخلاق از دیدگاه دانشمندان:
۲۵	مبحث سوم: تقسیمات اخلاق
۲۵	مطلب اول: اقسام اخلاق به اعتبار فطری و کسبی:
۲۹	مطلب دوم: تقسیم اخلاق به اعتبار ارتباطات:
۳۱	مطلب سوم: ویژگی های اخلاق اسلامی:
۳۶	فرع دوم: ویژگی های روش عملی اصلاح اخلاق در قرآن کریم:

فصل دوم

اثر اخلاق انفرادی در وقایه از مفاصد

۴۰	مبحث اول: صبر و نقش آن در وقایه از مفاصد:
۴۰	مطلب اول: تعریف صبر
۴۱	مطلب دوم: آیات قرآن کریم در مورد صبر:

- مطلب سوم: آثار و پیامد های صبر در وقایه از مفسد: ۴۳
- مبحث دوم: صدق و راستی و نقش آن در وقایه از مفسد: ۴۷**
- مطلب اوّل: تعریف صدق: ۴۷
- مطلب دوم: آیات قرآن کریم در مورد صداقت: ۴۸
- مطلب سوم: آثار و پیامد های صداقت در وقایه از مفسد: ۴۹
- مبحث سوم: عفو و گذشت و نقش آن در وقایه از مفسد: ۵۱**
- مطلب اوّل: تعریف عفو: ۵۱
- مطلب دوم: آیات قرآن کریم در مورد عفو: ۵۱
- مطلب سوم: آثار و پیامد های عفو در وقایه از مفسد: ۵۳
- مبحث چهارم: اخلاص و نقش آن در وقایه از مفسد: ۵۵**
- مطلب اوّل: تعریف اخلاص: ۵۵
- مطلب دوم: آیات قرآن کریم در مورد اخلاص: ۵۶
- مطلب سوم: آثار و پیامد های اخلاص در وقایه از مفسد: ۵۷
- مبحث پنجم: تواضع و نقش آن در وقایه از مفسد: ۵۹**
- مطلب اوّل: تعریف تواضع: ۵۹
- مطلب دوم: آیات قرآن کریم در مورد تواضع: ۶۰
- مطلب سوم: آثار و پیامد های تواضع در وقایه از مفسد: ۶۱
- مبحث ششم: وفاء به عهد و نقش آن در وقایه از مفسد: ۶۴**
- مطلب اوّل: تعریف وفاء به عهد و انواع عهد و پیمان: ۶۴
- مطلب دوم: آیات قرآن کریم در مورد وفاء: ۶۴
- مطلب سوم: آثار و پیامد های وفاء در وقایه از مفسد: ۶۶
- مبحث هفتم: رفق و نرمی و نقش آن در وقایه از مفسد: ۶۷**
- مطلب اوّل: تعریف رفق و فواید آن: ۶۷
- مطلب دوم: آیات قرآن کریم در مورد رفق: ۶۷
- مطلب سوم: آثار و پیامد های رفق در وقایه از مفسد: ۶۸
- مبحث هشتم: حیاء و نقش آن در وقایه از مفسد: ۷۱**
- مطلب اوّل: تعریف حیاء: ۷۱

- مطلب دوم: آیات قرآن کریم در مورد حیاء: ۷۲
- مطلب سوم: آثار و پیامد های حیاء در وقایه از مفسد: ۷۴
- مبحث نهم: خوف الهی:** ۷۶
- مطلب اول: تعریف خوف و فرق میان خوف و خشیت: ۷۶
- مطلب دوم: آیات متعلق به خوف و خشیت: ۷۷
- مطلب سوم: نقش خوف در وقایه از مفسد: ۷۷
- مبحث دهم: توبه و نقش آن در وقایه از مفسد:** ۸۱
- مطلب اول: تعریف توبه: ۸۱
- مطلب دوم: آیات قرآن در مورد توبه و نقش آن در وقایه از مفسد: ۸۱
- مطلب سوم: آثار توبه در وقایه از مفسد: ۸۲

فصل سوم اثر اخلاق اجتماعی در وقایه از مفسد

- مبحث اول: نیکی به والدین:** ۸۵
- مطلب اول: تاکید بر نیکی به والدین در قرآن: ۸۵
- مطلب دوم: آثار نیکی به والدین در وقایه از وقوع مفسد: ۸۸
- مبحث دوم: نیکی به همسر:** ۹۰
- مطلب اول: تاکید بر نیکی به همسر در قرآن: ۹۰
- مطلب دوم: اثر نیکی به همسر در وقایه از وقوع مفسد: ۹۶
- مبحث سوم: تعاون و کمک به دیگران:** ۹۹
- مطلب اول: تاکید بر نیکی به تعاون در قرآن: ۹۹
- مطلب دوم: اثر تعاون در وقایه از وقوع مفسد: ۱۰۱
- مبحث چهارم: عدالت و نقش آن در وقایه از مفسد:** ۱۰۴
- مطلب اول: تاکید قرآن بر تامین عدالت: ۱۰۴
- مطلب دوم: آثار و پیامد های عدالت در وقایه از مفسد: ۱۰۶
- مبحث پنجم: شهادت عادلانه و نقش آن در وقایه از مفسد:** ۱۰۹
- مطلب اول: آیات قرآن کریم در مورد شهادت عادلانه: ۱۰۹
- مطلب دوم: آثار و پیامد های شهادت عادلانه در وقایه از مفسد: ۱۱۱
- مبحث ششم: امر به معروف و نهی از منکر و نقش آن در وقایه از مفسد:** ۱۱۳

مطلب اول: تاکید قرآن به امر به معروف و نهی از منکر:	۱۱۳
مطلب دوم: آثار و نتایج امر به معروف و نهی از منکر در وقایه از مفسد:	۱۱۶
مبحث هفتم: اخوت و محبت و نقش آن در وقایه از مفسد:	۱۲۰
مطلب اول: اهمیت اخلاق اخوت در قرآن:	۱۲۰
مطلب دوم: آثار و نتایج اخوت و همدردی در وقایه از مفسد:	۱۲۱
مبحث هشتم: ایثار و فداکاری و نقش آن در وقایه از مفسد:	۱۲۲
مطلب اول: اهمیت ایثار و فداکاری در قرآن:	۱۲۳
مطلب دوم: آثار و پیامدهای ایثار و فداکاری:	۱۲۳
خاتمه	۱۲۶
نتیجه گیری:	۱۲۶
پیشنهاد ها	۱۲۹
فهارس	۱۳۰
الف: فهرست آیات:	۱۳۰
ب: فهرست احادیث	۱۳۶
ج: فهرست اعلام	۱۳۷
د: فهرست منابع	۱۳۹
Abstract	۱۴۴

مقدمه

الحمد لله الذي أرسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله، والصلاة والسلام على حبيبه المصطفى محمد بن عبدالله الذي بلغ الرسالة وأدى الأمانة و نصح الأمة و جاهد في الله حق جهاده و على آله و صحابته و من دعا بدعوته و سار على نهجه و اتبع طريقه و انهج منهجه و استن سبيله الى يوم الدين. و بعد قال الله تعالى: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾^(۱).

ترجمه : هر آینه تو دارای اخلاق عالی هستی.

بدون شک اخلاق سالم در نهاد آدمی چراغ فروزان بر فراز راه است که از هر گونه خم و پیچ و نا همواری های جهان دست انسان را میگیرد و او را از تاریکی ها و بد خواهی و دشمنی به سوی راه روشن زنده گانی و دوستی و صمیمیت میبرد و روح روان را با ایمان و بانشاط پاک میگرداند و دانش و اندیشه و خرد را افزون میکند و زندگی نیک و رضایت بخش سرای پایدار و روشن را فراهم میگرداند تا بار هنمود های همان اخلاق نیکو شمع فروزان عقل و خرد به ان جایگاه ابدی و خدا پسند ر هسپار گردد، اخلاق گوهر و اساس زندگی یک مسلمان را تشکیل میدهد، به اساس اخلاق اسلامی است که مسلمان نسبت به افراد جوامع دیگر متمایز میباشد ، اخلاق یک حالت درونی است که خداوند متعال تنها در وجود انسان به ودیعه گذاشته است.

در قرآن کریم از مباحث و موضوعات مختلف بحث شده است که نشان از گستردگی و عمق والای معارف آن است یکی از مباحثی که در قرآن کریم به آن اهمیت خاصی داده شده این است که به تزکیه اخلاقی و اهمیت آن در قسمت وقایه و پیش گیری از وقوع در مفساد زیاد بحث شده است و به مسئله اخلاق و تاثیر آن تاکید زیاد نموده است .

من با در نظر داشت نکات ذکر شده تصمیم گرفتم تا در مورد « اثر اخلاق در وقایه از وقوع مفساد در روشنی قرآن» مطالبی را جمع آوری نمایم تا از این طریق بتوانم جوانان و عموم مسلمانان را به سوی چنگ زدن به قرآن و عمل به دستورات آن دعوت کنم.

^۱ سوره قلم آیه ۴ .

اسباب اختیار موضوع:

موضوعی را که اختیار نمودم، عوامل گوناگون دارد که از جمله به برخی موارد آن اشاره می‌کنم:

- ۱- بنا به قوانین و مقررات وزارت تحصیلات عالی کشور، بر هر فرد از محصلین لازم است تا در پایان دوره تحصیلی خود اثری به عنوان تدریسی که بحیث نتیجه دوره تخصص در رشته تحصیلی است بنویسند و من نیز مکلف بودم تا موضوعی را انتخاب نموده و روی آن بحث نمایم.
- ۲- من موضوع اثر اخلاق در جلوگیری از مفاسد را انتخاب نمودم و عمده ترین انگیزه من برای انتخاب چنین موضوع این بوده که به اثر ضعف و انحطاط افراد در مسایل و احکام اخلاقی در جامعه ما به مفاسد زیادی مبتلا شده است و من خواستم تا با تحقیق در این موضوع در پرتو قرآن آثار اخلاق را در جلوگیری از مفاسد بیان نمایم تا از این طریق جامعه ما به انکشاف و توسعه اخلاقی روی بیاورد.
- ۳- از عواملی دیگری که باعث شد تا موضوع متذکره را انتخاب نمایم، دلچسپی شخصی خودم به این موضوع بود و من علاقه داشتم تا در این موضوع آگاهی بیشتر حاصل کنم.
- ۴- فهم آثار اخلاق در وقایه از وقوع در مفاسد می‌تواند نقش اساسی داشته باشد در تغییر اخلاق که همه به آن نیاز دارند.

اهمیت موضوع:

موضوعی را که جهت بحث و تحقیق انتخاب نموده ام خالی از اهمیت نیست و دلایلی که نشان می‌دهد این موضوع دارای اهمیت است قرار ذیل می‌باشد:

- ۱- موضوع اخلاق از جمله موضوعات بسیار مهم در جامعه بشری به حساب میرود و تکمیل ایمان با تکمیل نمودن اخلاق خوب میسر میشود، اخلاق خوب سبب نزدیکی بنده با خدا میشود و سبب پیشرفت و ترقی جامعه میشود، بنا ضرورت احساس میشود تا یک تحقیق مکمل و جامع در رابطه به آثار اخلاق در وقایه از وقوع در مفاسد صورت بگیرد.
- ۲- در عصر حاضر به علت تهاجم فکری و فرهنگی غرب، اخلاق قرآنی و اسلامی زیر سایه فرهنگ و اخلاق غربی قرار گرفته است، بناءً مهم است بدانیم روش های قرآن برای جلوگیری از وقوع در مفاسد چیست تا از این طریق بتوانیم خود و جامعه خود را حفظ کنیم.
- ۳- موضوع آثار اخلاق در وقایه از وقوع در مفاسد به طور تفصیلی و تحلیلی، تحقیق نشده و کتاب خاصی در این مورد به زبان دری نوشته شده باشد و در دسترس همه قرار گرفته باشد، وجود نداشته

است و ایجاب می کرد در این زمینه یک تحقیق جداگانه صورت گیرد.

سوال های تحقیق:

هرگونه بحث و تحقیق روی مسائل علمی شامل سوال های است که در حقیقت این سوال ها عامل اصلی تحقیق می باشند، موضوع منتخب ما نیز متضمن سوال های زیادی هست که بعض آن ها را ذیلاً متذکر می شویم:

الف: سوال های اصلی تحقیق:

- ۱- مهم ترین آثار اخلاق در وقایه از وقوع در مفسد کدما ها اند؟
- ۲- کدما نوع اخلاق از نظر قرآن در وقایه از مفسد بیشترین اثر را دارد؟

ب: سوال های فرعی تحقیق:

- ۱- چگونگی وقایه مفسد توسط اخلاق در روشنی قرآن؟
- ۲- جایگاه اخلاق در قرآن چگونه است؟
- ۳- قرآن کریم کدما نوع اخلاق را بیشتر ستوده و بر آن تاکید کرده است؟

اهداف تحقیق: مهم ترین اهداف این تحقیق قرار ذیل است:

- ۱- بیان ویژه گی ها منهج اخلاقی قرآن.
- ۲- بیان آثار اخلاق در انکشاف و توسعه از نظر قرآن.
- ۳- بیان مهم ترین آثار اخلاق در وقایه از وقوع در مفسد.
- ۴- تشویق جوانان به مطالعه موضوعی قرآن.
- ۵- سهم گیری در انکشاف و پیشرفت جامعه از طریق شرح و بیان روش قرآنی در وقایه از وقوع در مفسد.

پیشینه تحقیق:

نگارش و تحقیق در موضوعات قرآنی پیشینه طولانی دارد و در مورد موضوع انتخاب شده من آثار زیاد با عناوین و نام های مختلف نوشته شده است که به برخی آن ها در ذیل اشاره می شود:

- ۱- مکارم الاخلاق فی القرآن الکریم: مؤلف این کتاب یحیی بن عبدالله معلمی است که در مکتبه شامله

موجود است، در این کتاب تمام اخلاق حسنه که در قرآن کریم ذکر شده است بیان گردیده است اما راجع به آثار اخلاق در وقایه از وقوع در مفاصد کم تر اشاره شده است، این کتاب از قدیم ترین کتابها در این موضوع است.

۲- **دستور الاخلاق فی القرآن الکریم:**، این کتاب توسط دکتور عبدالله دراز در سال (۱۴۰۸ق) نوشته شده است و توسط عبدالصبور شاهین ترجمه گردیده است و دارالبحوث العلمیة بیروت آن را به چاپ رسانیده است.

۳- **الاخلاق فی القرآن:** این کتاب توسط ناصر مکارم شیرازی در سه جلد نوشته شده است و در سال (۱۴۲۵هـ ق ۱۳۸۴هـ ش) در ایران به چاپ رسیده است، در این کتاب موضوع اخلاق در قرآن به خوبی تفصیل شده و آثار اخلاق نیز به گونه پراکنده بیان شده است.

۴- **الاخلاق فی القرآن:** این کتاب توسط عبدالاعلی موسوی سبزواری نوشته شده است و دار الکاتب العربی، بیروت در سال ۱۴۳۲ ق آن را به چاپ رسانیده است، در این کتاب اهمیت اخلاق و تاثیرات آن در جامعه به بحث گرفته شده است.

۵- **المنهج الاخلاقی و حقوق الانسان فی القرآن الکریم:** این رساله علمی توسط دکتور یحیی بن محمد حسن زمزمی نوشته شده است و در آن منهج قرآن را در مورد اخلاق بیان نموده است که آثار اخلاق در وقایه از مفاصد کم کم در آن مورد بحث قرار گرفته است، این رساله به چاپ نرسیده و در انترنیت منتشر شده است.

۶- **المنظومة الأخلاقية في الإسلام وأثرها في تحقيق الأمن الفكري:** مؤلف این کتاب د. علی أبو بکر ابراهیم مدرس مضمون دعوت و ثقافت اسلامی رشته اصول دین و دعوت در جامعه زقازیق مصر است، در این کتاب آن عده اخلاقیاتی که در تحقق امنیت فکری نقش اساسی دارند به تفصیل بیان شده است، این کتاب به چاپ نرسیده و جامعه ازهر مصر آن را در انترنیت منتشر کرده است.

۷- **منهج القرآن الکریم في الوقاية من الذنوب ومعالجتها:**

این رساله توسط عدنان عبد الکریم خلیفات، در سال 1408ه در جامعه ام القری تالیف کرده است و تنها منهج قرآن کریم را در چگونگی وقایه از گناهان مورد بحث قرار داده است.

۸- **التربية الوقائية وأساليبها في سورة الحجرات وتطبيقاتها التربوية:**

این رساله توسط خالد بن عوض تحت اشراف دکتور عثمان امین نوری. در جامعه ام القری نوشته شده

است و در آن مفهوم تربیه و قایوی و مکانیت آن را در سوره حجرات و احکام مستنبطه و قایوی این سوره راه به تفصیل بیان کرده است.

۹- التریبیه الوقایه فی سوره النور و تطبیقاتها التربویه:

این رساله توسط سلیمان بن صفوق بن محمد العنزی تحت اشراف دکتور محمد بن محمد کسناوی در سال ۱۴۲۵ نوشته شده است و در آن جوانب تربیتی و قایوی سوره نوره به بحث گرفته شده است.

تالیفات فوق هر کدام دارای اهمیت، فایده و نکات ارزشمند می باشند اما چیزی که هنوز به بحث نیاز دارد و مرا واداشت تا در این مورد تحقیق کنم قرار ذیل است:

- ۱- در آثار ذکر شده موضوع آثار اخلاق در وقایه از وقوع در مفسد به طور پراکنده بحث شده است.
- ۲- تالیفات گذشته اکثراً به زبان عربی می باشند که استفاده از آن ها در کشور ما مشکل است.
- ۳- در کتاب های تالیف شده در این موضوع نکته دیگر قابل ملاحظه این است برخی آن ها بسیار کوتاه نوشته شده و برخی دیگر بسیار طولانی که موضوعات غیر مرتبط نیز در آن ها دیده می شود.

بناءً نظر به اهمیت موضوع، باید در مورد بیان اهمیت نقش اخلاق در وقایه از وقوع در مفسد یک تحقیق ساده و آسان به زبان دری صورت گیرد تا مردم کشور ما که اغلباً مسلمان و تابع قرآن می باشند از آن استفاده نمایند.

روش تحقیق:

روش کاری ای را که برای ترتیب این رساله تحقیقی به کار بردم، روش کتابخانه یی، توصیفی و تحلیلی بوده است و چون این بحث شکل موضوعی را دارد بناءً شبیه تفسیر موضوعی قرآن کریم است و برخی نکات مهمی که در انجام این تحقیق به کار برده ام قرار ذیل است:

- ۱- روش تحقیق من در جمع آوری این رساله به صورت کتاب خانه یی بوده و اکثراً از منابع معتبر عربی استفاده کردم ام.
- ۲- کلمات مشکل و همچنان تعریفات هر اصطلاح با استفاده از کتب معتبر لغت تشریح شده است.
- ۳- موضوع در قدم اول به یک مقدمه، سه فصل و یک خاتمه تقسیم کرده ام که هر فصل به مبحث و هر مبحث به مطلب تقسیم گردیده اند.

۴- بعد از ذکر فصل و مبحث در باره موضوع مورد بحث مقدمه کوتاه نوشته کرده ام.

۵- در ترجمه آیات قرآن کریم از تفسیر نور تألیف دکتر مصطفی خرمدم و همچنان از ترجمه فارسی تیسیر الکریم الرحمن تألیف شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدي - رحمه الله - متوفای ۱۳۷۶ هجری قمری که توسط محمد گل گمشاد زهی ترجمه شده است، استفاده کردم ام.

۶- احادیث ترجمه شده و حواله آن با حکم صحت و عدم صحت آن در پاورقی نقل شده است.

۷- اقوال علماء و دانشمندان و همچنان راجع به معرفی آنان در پاورقی تشریح شده است.

۸- نتیجه گیری بحث در آخر و خلاصه بحث در آغاز ذکر گردیده است.

۹- فهرست آیات، فهرست احادیث و فهرست اعلام و مراجع و مصادر مطابق به ترتیب حروف الفباء در آخر ترتیب گردیده است.

مشکلات تحقیق:

چنانچه در سوال های تحقیق بیان گردید، برخی سوالات مهم وجود دارند که به پاسخ نیاز دارند و این تحقیق سوالات مهم را به عنوان مشکلات تحقیقی پاسخ خواهد داد؛ از جمله: مهم ترین آثار اخلاق در وقایه از وقوع در مفسد کدام ها اند؟، کدام نوع اخلاق از نظر قرآن در وقایه از مفسد بیشترین اثر را دارد؟، چگونگی وقایه مفسد توسط اخلاق در روشنی قرآن؟ و جایگاه اخلاق در قرآن چگونه است؟.

از آنجایی که هیچ عمل انسانی عاری از خطا و نواقص نیست، این رساله نیز از این قاعده مستثنی نمی باشد، و رجا مندم که الله متعال بر من منت گذارد همین عمل ناقص و ناچیز را به درگاهش مقبول قرار دهد و برای آنانی که این رساله را مطالعه نموده و محقق آنرا در رفع نواقص و کمبودی های آن همکاری و رهنمایی می نمایند، اجر نصیب کند و امیدوارم این تحقیق، عمل مفید علمی برای دوست داران قرآن کریم و کسانی که در جامعه مشغول فعالیت های دعوتی و اصلاحی هستند، قرار گیرد.

خطه بحث:

موضوع من مشتمل بر مقدمه و سه فصل و خاتمه میباشد.

در مقدمه: اهمیت موضوع، اهداف موضوع، سبب اختیار موضوع، روش تحقیق موضوع، مشکلات تحقیق.

فصل اول: کلیات و مفاهیم اساسی تحقیق: این فصل دارای سه مبحث می باشد.

مبحث اول: تعریف واژه های کلیدی، این مبحث دارای سه مطلب می باشد.

مطلب اول: معنای لغوی و اصطلاحی اخلاق.

مطلب دوم: معنای لغوی و اصطلاحی وقایه،

مطلب سوم: معنای لغوی و اصطلاحی مفاصد.

مبحث دوم: اخلاق و اهمیت آن، این مبحث دارای دو مطلب می باشد.

مطلب اول: اهمیت و ارزش اخلاق از منظر اسلام.

مطلب دوم: اهمیت و ارزش اخلاق از دیدگاه دانشمندان.

مبحث سوم: تقسیمات اخلاق، این مبحث دارای سه مطلب می باشد.

مطلب اول: اقسام اخلاق به اعتبار فطری و کسبی.

مطلب دوم: تقسیم اخلاق به اعتبار ارتباطات.

مطلب سوم: ویژگی های اخلاق اسلامی.

فصل دوم: اثر اخلاق انفرادی در وقایه از مفاصد، این فصل دارای ده مبحث می باشد.

مبحث اول: صبر و نقش آن در وقایه از مفاصد، این مبحث دارای سه مطلب می باشد.

مطلب اول: تعریف صبر.

مطلب دوم: آیات قرآن کریم در مورد صبر.

مطلب سوم: آثار و پیامد های صبر در وقایه از مفاصد.

مبحث دوم: صدق و راستی و نقش آن در وقایه از مفاصد، این مبحث دارای سه مطلب می باشد.

مطلب اول: تعریف صدق.

مطلب دوم: آیات قرآن کریم در مورد صداقت.

مطلب سوم: آثار و پیامد های صداقت در وقایه از مفاسد.

مبحث سوم: عفو و گذشت و نقش آن در وقایه از مفاسد، این مبحث دارای سه مطلب میباشد.

مطلب اوّل: تعریف عفو.

مطلب دوم: آیات قرآن کریم در مورد عفو.

مطلب سوم: آثار و پیامد های عفو در وقایه از مفاسد.

مبحث چهارم: اخلاص و نقش آن در وقایه از مفاسد، این مبحث دارای سه مطلب میباشد.

مطلب اوّل: تعریف اخلاص.

مطلب دوم: آیات قرآن کریم در مورد اخلاص.

مطلب سوم: آثار و پیامد های اخلاص در وقایه از مفاسد.

مبحث پنجم: تواضع و نقش آن در وقایه از مفاسد، این مبحث دارای سه مطلب میباشد.

مطلب اوّل: تعریف تواضع.

مطلب دوم: آیات قرآن کریم در مورد تواضع.

مطلب سوم: آثار و پیامد های تواضع در وقایه از مفاسد.

مبحث ششم: وفاء به عهد و نقش آن در وقایه از مفاسد، این مبحث دارای سه مطلب میباشد.

مطلب اوّل: تعریف وفاء به عهد و انواع عهد و پیمان.

مطلب دوم: آیات قرآن کریم در مورد وفاء.

مطلب سوم: آثار و پیامد های وفاء در وقایه از مفاسد.

مبحث هفتم: رفق و نرمی و نقش آن در وقایه از مفاسد، این مبحث دارای سه مطلب میباشد.

مطلب اول: تعریف رفق و فواید نقش آن در وقایه از مفسد.

مطلب دوم: آیات قرآن کریم در مورد رفق.

مطلب سوم: آثار و پیامد های رفق در وقایه از مفسد.

مبحث هشتم: حیاء و نقش آن در وقایه از مفسد، این مبحث دارای سه مطلب میباشد.

مطلب اول: تعریف حیاء.

مطلب دوم: آیات قرآن کریم در مورد حیاء.

مطلب سوم: آثار و پیامد های حیاء در وقایه از مفسد.

مبحث نهم: خوف الهی، این مبحث دارای سه مطلب میباشد.

مطلب اول: تعریف و فرق میان خوف و خشیت.

مطلب دوم: آیات متعلق به خوف و خشیت.

مطلب سوم: نقش خوف در وقایه از مفسد.

مبحث دهم: توبه و نقش آن در وقایه از مفسد، این مبحث دارای سه مطلب میباشد.

مطلب اول: تعریف توبه.

مطلب دوم: آیات قرآن در مورد توبه و نقش آن در وقایه از مفسد.

مطلب سوم: آثار توبه در وقایه از مفسد.

فصل سوم: اثر اخلاق اجتماعی در وقایه از مفسد، این فصل دارای هشت مبحث می باشد.

مبحث اول: نیکی به والدین ، این مبحث دارای دو مطلب است.

مطلب اول: تاکید بر نیکی به والدین در قرآن.

مطلب دوم: آثار نیکی به والدین در وقایه از وقوع مفسد،

مبحث دوم: نیکی به همسر، این مبحث دارای دو مطلب است.

مطلب اول: تاکید بر نیکی به همسر در قرآن .

مطلب دوم: اثر نیکی به همسر در وقایه از وقوع در مفسد.

مبحث سوم: تعاون و کمک به دیگران ، این مبحث دارای دو مطلب است.

مطلب اول: تاکید بر نیکی به تعاون در قرآن.

مطلب دوم: اثر تعاون در وقایه از وقوع در مفسد.

مبحث چهارم: عدالت و نقش آن در وقایه از مفسد، این مبحث دارای دو مطلب است.

مطلب اول: تاکید قرآن بر تامین عدالت.

مطلب دوم: آثار و پیامد های عدالت در وقایه از مفسد.

مبحث پنجم: شهادت عادلانه و نقش آن در وقایه از مفسد، این مبحث دارای دو مطلب است.

مطلب اول: آیات قرآن کریم در مورد شهادت عادلانه.

مطلب دوم: آثار و پیامد های شهادت عادلانه در وقایه از مفسد.

مبحث ششم: امر به معروف و نهی از منکر و نقش آن در وقایه از مفسد، این مبحث دارای دو مطلب است.

مطلب اول: تاکید قرآن به امر به معروف و نهی از منکر.

مطلب دوم: آثار و نتایج امر به معروف و نهی از منکر در وقایه از مفسد.

مبحث هفتم: اخوت و محبت و نقش آن در وقایه از مفسد، این مبحث دارای دو مطلب است.

مطلب اول: اهمیت اخلاق اخوت در قرآن.

مطلب دوم: آثار و نتایج اخوت و همدلی در وقایه از مفسد.

مبحث هشتم: ایثار و فداکاری و نقش آن در وقایه از مفسد، این مبحث دارای دو مطلب است.

مطلب اول: اهمیت ایثار و فداکاری در قرآن.

مطلب دوم: آثار و پیامدهای ایثار و فداکاری.

خاتمه: مشتمل بر نتیجه گیری، پیشنهادات، و فهرس.

فصل اول

کلیات و مفاهیم اساسی تحقیق

قبل از این که به شرح و بیان اصل موضوع پردازیم مطابق به اصول و قواعد نوشتاری و ترتیب یک بحث علمی لازم است یک سلسله مفاهیم و کلیات را که فهم قبلی آن برای درک و شناخت درست مطالب و موضوعات اصلی ضروری پنداشته می شود، شرح نمایم و این مطالب به مثابه زیربنا و بحث های تمهیدی به خواننده کمک می کند تا مطالب و موارد اساسی این بحث را به گونه درست تجزیه و تحلیل نماید، این فصل حاوی سه مبحث اساسی است که در بر گیرنده توضیحات مفهوم اخلاق، مفهوم مفاسد، بیان اهمیت و اقسام اخلاق از نظر قرآن می شود و هر مبحث دارای چند مطلب می باشد.

مطلب اول: معنای لغوی و اصطلاحی اخلاق:

الف: معنای لغوی: اخلاق کلمه عربی است که مفرد آن خلق است و در لغت بمعنای سجیه، طبع و سرشت به کار رفته است، چنانچه فیروزآبادی (رحمه الله) ^۱ می نویسد: «**الخلق بالضم وبضمین السجیة والطبع والمروعة والدين**»^۲.

ترجمه: خلق به ضمه حرف خاء و حرف لام عبارت از سجیه، طبیعت، مروت و دین است.

و ابن منظور (رحمه الله) ^۳ در لسان العرب می نویسد: «**الْخُلُقُ هُوَ الطَّبِيعَةُ، وَجَمْعُهَا أَخْلَاقٌ، وَ الْخُلُقُ هُوَ الدِّينُ وَ الطَّبَعُ وَ السَّجِيَّةُ، وَ حَقِيقَةُ الْخُلُقِ أَنَّهُ وَصْفٌ لِنُصُورَةِ الْإِنْسَانِ الْبَاطِنَةِ، كَمَا أَنَّ مِنْ مَعَانِيهِ الشِّيمَةُ وَ الْعَادَةُ**»^۴.

ترجمه: خُلُقٌ به معنای طبیعت و جمع آن اخلاق است و همچنان خلق به معنای طبیعت، سرشت و دین است و حقیقت اخلاق این است که آن عبارت از وصف صورت باطنی انسان است چنانچه از معانی اخلاق

^۱ فیروز آبادی: شیخ مجد الدین ابی طاهر، محمد بن یعقوب الفیروزآبادی الشیرازی از جمله ائمه لغت و ادب بوده است، در شهر کارزین شیراز ایران امروزه در سال ۷۲۹ هـ متولد گردیده است، به کشورهای عراق، مصر، شام، هند و روم نیز سفر نموده است، در مسند قضاء نیز وظیفه انجام داده است، که بنابر همین اساس به حد شهرت رسیده است، او سر انجام در سال ۸۱۷ هـ وفات نموده است. اعلام زرکلی (ج ۷، ص ۱۴۶).

^۲ فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، باب القاف فضل الخاء (ص ۱۱۳۷) مؤسسة الرسالة، بیروت، ط. الثانية. ۱۹۸۷ م.
^۳ ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی ابو الفضل جمال الدین بن منظور انصاری رویفی افریقی، صاحب لسان عرب و امام لغت از نسل رویف بن ثابت انصاری در سال ۶۳۰ هجری مصر متولد شده است (و برخی گفته اند در طرابلس غرب تولد یافته است) و در آخر عمر به مصر برگشت نمود و در آنجا فوت نمود این دانشمند با قلم خود ۵۰۰ مجلد کتاب نوشته است و اخیراً در سال ۷۱۱ هجری وفات نمود. اعلام زرکلی (ج ۷ ص ۱۰۸).

^۴ ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب ط. دار المعارف، القاهرة (ج ۲ ص ۱۲۴۵) مادة خلق،

خوی و عادت نیز هست.

در معجم مقاییس اللغة گفته است: «خلق به فتحه خ و خلق به ضمه حرف خاء از یک ریشه اند خلق به فتحه خاء بصورت ظاهری انسان و خلق به ضمه خاء به صورت باطنی او اطلاق میشود»^۱.

از آنچه در مورد معنای لغوی اخلاق نوشته معلوم می شود که این کلمه دارای پنج مفهوم ذیل می باشد:

۱- اخلاق دلالت بر صفات فطری انسان می کند که با انسان همیشه می باشد.

۲- اخلاق بر صفات دلالت دارد که بواسطه تمرین و آموزش به دست آیند.

۳- اخلاق دارای جنبه های ظاهری و باطنی می باشد.

۴- اطلاق اخلاق به خوی و عادت حسن و قبیح می شود.

۵- اخلاق عبارت از صورت باطنی انسان است^۲.

ب: معنای اصطلاحی: اخلاق در اصطلاح به عبارات مختلف توسط علمای اسلام تعریف شده است^۳ که

ذیلاً برخی آن ها بیان می شود:

ابن مسکویه (رحمه الله)^۴ اخلاق را چنین تعریف نموده است: «الخلق حال للنفس داعية لها إلى

أفعالها من غير فكر ولا روية»^۵.

ترجمه: اخلاق یک حالت نفسی است که افعال توسط آن از انسان بدون فکر کردن و دیدن صادر

میشود.

۱- محمد النجار و یاران (محمد عبدالقادر، انیس و ابراهیم) معجم الوسیط، طبع: ۴، سال طبع: ۲۰۰۴م (ص ۱۰۲).

۲ علی ابو بکر ابراهیم، المنظومة الأخلاقية في الإسلام وأثرها في تحقيق الأمن الفكري، ص ۱۲ ناشر: جامعه ازهر، مصر،

۳ جرجانی (رحمه الله) در تعریفات می گوید: إن الخلق: هو عبارة عن هيئة للنفس راسخة تصدر عنها الأفعال بسهولة ويسر من غير حاجة إلى فكر وروية، فإن كانت الهيئة بحيث تصدر عنها الأفعال الجميلة عقلاً وشرعاً بسهولة، سميت الهيئة خلقاً حسناً، وإن كانت الهيئة التي تصدر عنها الأفعال القبيحة، سميت الهيئة خلقاً سيئاً»

ترجمه: اخلاق عبارت از حالت راسخ و ثابت برای نفس است که با وجود آن افعال از نفس به آسانی و بدون احتیاج به فکر و اندیشیدن صادر می شود، پس اگر حالت نفس قسمی باشد که کارهای نیک از نگاه عقل و شرع به آسانی از آن صادر شود، آن اخلاق حسنه است و اگر حالت نفس قسمی باشد که افعال قبیحه از آن صادر شود آن را اخلاق سیئه می گویند.

۴ ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب مسکویه رازی (۳۲۰ یا ۳۲۶-۴۲۱ هجری) دانشمند مسلمان، از اهالی ری و زاده در شهر پرندهک شهرستان زرنديه بود. (بخش آخر این نام، مانند آخر نامهای سیبویه و ابن بابویه تلفظ می شود، و در اصفهان درگذشت. نگارش کتابهای «الفوز الاکبر»، «تجارب الامم»، «انس الفرید»، «ترتیب السعادات»، «جاودان خرد»، و «الجامع» را به او نسبت داده اند. وی علاوه بر فلسفه، طب و کیمیا به شاعری نیز گرایش داشت، کرده است. زرکلی، الاعلام (ج ۱ ص ۲۱۲).

۵ ابن مسکویه، أحمد ابن محمد بن یعقوب، تهذیب الأخلاق وتطهير الأعراق، (ص ۴۱) تحقیق: ابن الخطیب، المطبعة المصرية ط. ۱،

امام غزالی رحمه الله^۱. اخلاق را چنین تعریف کرده است: هیئة في النفس راسخة عنها تصدر الأفعال بسهولة ويسر من غير حاجة إلى فكر وروية، فإن كانت الهيئة بحيث تصدر عنها الأفعال الجميلة المحمودة عقلاً وشرعاً سميت تلك الهيئة خلقاً حسناً، وإن كان الصادر عنها الأفعال القبيحة سميت الهيئة التي هي المصدر خلقاً سيئاً^۲.

ترجمه: اخلاق عبارت از یک هیئت راسخه در نفس انسان است که افعال به آسانی از آن صادر میشود بدون اینکه فکر نماید اگر این افعال از لحاظ عقل و شرع محمود باشد آنرا اخلاق حسنه میگویند اگر این افعال قبیح باشد آنرا اخلاق سیئه میگویند.

وجه مشترک تعاریفات اخلاق این است که تمام شان میگویند که اخلاق عبارت از صفات نفسی پایدار است که باعث صدور افعال از انسان میشود، بدون اینکه فکر کند، با در نظر داشت این مطلب تمام چیزهاییکه مربوط عمل و فعالیت مسلمان مانند ارتباط او با پروردگارش، ارتباط او همراهی نفس اش، ارتباط او همراهی دیگران موضوع اخلاق را تشکیل میدهد^۳.

به نظر محقق تعریف امام غزالی (رحمه الله) بهتر و راجح تر است. زیرا در این تعریف اخلاق به دوسته تقسیم شده است، حسنه و سیئه. همچنان تعبیرات ایشان در تعریف دقیق و منضبط است.

مبحث اول: تعریف واژه های کلیدی:

در عنوان این بحث سه کلمه برجسته به چشم می خورد که آن ها عبارت اند از: اخلاق، وقایه و مفساد، بناءً در این مبحث به تعریف لغوی و اصطلاحی و همچنان بیان اقسام برخی آن ها طی چند مطلب پرداخته می شود:

مطلب دوم: معنای لغوی و اصطلاحی وقایه:

الف: معنای لغوی: وقایه از مادی (وقی) گرفته شده است که در لغت به معنای دوری کردن و خود

۱ - امام غزالی: نامش محمد بن محمد بن محمد غزالی، طوسی، در سال 450 تولد شده است و در حدود 200 اثر علمی دارد. زاد و فات او در طابران (قریه ای در شهر طوس ایران) بوده، و از تألیفات مشهورش کتابهای احیاء علوم الدین، جواهر القرآن، و کتاب التبر المسبوك في نصيحة الملوك - نوشته به زبان فارسی و ترجمه شده به زبان عربی می باشد. او در سال 505 فوت کرده است. زرکلی، خیر الدین بن محمود بن محمد بن علی بن فارس، الاعلام، ناشر: دارالعلم للملایین، طبع: ۵، سال طبع: ۲۰۰۲م، جز: ۱، الغزالی، ص: (۲۱۴).

۲ غزالی، ابو حامد، احیاء علوم الدین، (ج: ۳ ص ۴۶) ناشر: دارالکتاب العربی، تاریخ طبع: ۲۰۱۳.

۳ - الخرازی، خالد بن جمعه بن عثمان، موسوعة الاخلاق، مؤسسة الرسالة، 1428 بیروت، لبنان. (ص ۲۲).

را نجات دادن است^۱ و از تحقیق لغوی معنای وقایه دانسته می شود که این کلمه دارای چندین معنای مشابه به شرح ذیل است:

1- به معنای صیانت و حمایت کردن: چنانچه در عربی می گویند: **وقاه الله من السوء و وقاه السوء ای کلاه منه**^۲ یعنی خداوند او را از بدی حمایت کرد و نگه داشت. به همین معنا آیه ای هم در قرآن کریم آمده است که الله متعال می فرماید: **﴿فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا﴾**^۳.

ترجمه: خدا هم از شر و فتنه آن روز آنان را محفوظ داشت و به آنها روی خندان و دل شادمان عطا نمود.

2- به معنای اجتناب و دوری کردن^۴: و به همین معنا در حدیث آمده است که پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- فرموده است: **«وتوق كرائم اموالهم»**^۵ یعنی از گرفتن اموال با ارزش شان اجتناب و دوری کن.

۳- به معنای پرهیز کردن و نجات خود را از آفات، چنانچه ابن منظور (رحمه الله) می نویسد: **«توق: ای استبق نفسك ولا تعرضها للتلف، وتحرز من الآفات»**^۶.

ترجمه: توق یعنی نفس خود را نگاه دار و آن را در معرض تلف قرار نده و از آفات آن را دور نگه دار.

ب: معنای اصطلاحی: مناوی (رحمه الله)^۷ در کتاب «التعاريف» وقایه را چنین تعریف نموده است: **«الوقاية حفظ الشيء عما يؤذيه ويضره»**^۸.

ترجمه: وقایه عبارت است از حفظ و نگهداری یک چیز از آنچه که آن را اذیت می کند و به آن ضرر

۱. ابن منظور، لسان العرب، (ج ۱۵ ص: ۴۰۱).

۲. محمد النجار و یاران (محمد عبدالقادر، انیس و ابراهیم)، المعجم الوسيط، ط ۲، مجمع اللغة العربية، (ج ۲ ص ۱۰۵۲)

۳. سوره انسان آیه ۱۱.

۴. ابن منظور، لسان العرب، (ج ۱۵ ص: ۴۰۱)

۵. نیسابوری، مسلم ابن الحجاج (ت: ۲۶۱ هـ)، صحیح مسلم، دار احیاء التراث العربی بیروت، حدیث شماره ۱۹. کتاب الایمان، باب الدعاء إلى الشهادتين وشرائع الإسلام.

۶. ابن منظور، لسان العرب، (ج ۱۵ ص: ۴۰۲).

۷. مناوی: محمد بن ابراهیم بن إسحاق السلمی، (المناوی)، القاهري، الشافعي، صدر الدين، أبو المعالي مشهور به المناوی می باشد، وی از جمله علماء حدیث شریف در قاهره بوده است، همچنان وی در مسند قضاء نیز وظیفه انجام داده است، گفته شده که وی در حکم و قضا از جمله علماء نامی و مطرح مصر بوده است که در دار العدل مصر وظیفه انجام داده است، از جمله کتابهای وی (کشف المناهج والتناقيح في تخريج أحاديث) در سال (۵۸۰۳ هـ) وفات شده است؛ نگاه: الاعلام، خير الدين زركلي، (ج ۵، ص ۲۹۹).

۸. مناوی، محمد عبد الرؤوف المناوی، التوقيف على مهمات التعاريف، دار الفكر المعاصر، الطبعة الأولى، (۱۴۱۰) بیروت (ص ۷۳۰).

می رساند.

و سید شریف جرجانی^۱ (رحمه الله) کلمه وقایه را مرادف تقوی دانسته و آن را چنین تعریف نموده است: «التقوی هو الوقایة و عند أهل الحقیقة هی الاحتراز بطاعة الله عن عقوبته وهی صيانة النفس عما تستحق به العقوبة من فعل أو ترک»^۲.

ترجمه: تقوی همان وقایه است و در نزد اهل حقیقت عبارت است از اجتناب و دوری کردن به سبب طاعت الله متعال از عقوبت او و همچنان وقایه عبارت از صیانت و حفاظت نفس از آنچه است که توسط آن مستحق عقوبت می شود چه به سبب فعل باشد و چه به سبب ترک.

مطلب سوم: معنای لغوی و اصطلاحی مفسد:

الف: معنای لغوی: مفسد جمع مفسده است که از ریشه (ف س د) گرفته شده است و به معنای خلاف مصلحت است^۳. و ابن منظور (رحمه الله) گفته است «الفسادُ نقيضُ الصلاح»^۴ یعنی فساد نقيض صلاح است. همچنان در مختار الصحاح آمده است: «المفسدةُ ضد المصلحة»^۵ یعنی مفسده ضد مصلحت است.

ب: معنای اصطلاحی: جرجانی (رحمه الله) فساد را چنین تعریف نموده است: «الفساد زوال الصورة عن المادة بعد أن كانت حاصلة والفساد عند الفقهاء ما كان مشروعاً بأصله غير مشروع بوصفه»^۶.

ترجمه: فساد به معنای زوال صورت از ماده است بعد از اینکه در آن حاصل باشد و فساد در نزد فقهاء هر آن چیزی است که در اصلش مشروع باشد اما در وصفش مشروع نباشد.

مناوی (رحمه الله) فساد را در نزد حکماء چنین تعریف می کند: «و الفساد عند الحكماء زوال الصورة عن المادة بعد أن كانت حاصلة»^۷.

^۱ جرجانی (۷۴۰-۸۱۶ هجری = ۱۳۴۰-۱۴۱۳ م) علی بن محمد بن علی، معروف به شریف جرجانی فیلسوف، عالم و از جمله کبار علما در زبان عربی، او در سال ۷۴۰ هجری تولد شده و در شیراز درس خواند است، مصنفاتی وی در حدود پنجاه عدد می باشد که از آن جمله کتاب «التعريفات» است او در سال ۸۱۶ هجری فوت کرده است. اعلام-زرکلی- ۷/۵.

^۲ جرجانی (رحمه الله) علی بن محمد بن علی. (۱۴۰۵ هـ) تعريفات. تحقيق. إبراهيم الأبياري بيروت: دار الكتاب العربي. (ص ۹۰).

^۳ فیومی، أحمد بن محمد بن علی الفيومي المصباح المنير في غريب الشرح الكبير، ط س: ۱۹۷۵، المكتبة العلمية بيروت (ج ۲ ص ۴۷۲).

^۴ ابن منظور، لسان العرب، (ج ۳ ص ۳۳۵).

^۵ رازی، محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر، مختار الصحاح، چاپ سوم بیروت- لبنان سال ۱۴۱۸ هـ- ۱۹۹۷ م. (ج ۱ ص ۵۱۷).

^۶ جرجانی، التعريفات، (ص ۲۱۴).

^۷ مناوی، التوقيف علی مهمات التعاريف (ج ۱ ص ۵۵۶).

ترجمه: فساد در نزد حکماء زوال صورت از ماده است بعد از اینکه در آن حاصل باشد.

و امام راغب اصفهانی^۱ در مورد تعریف فساد می گوید: «هو خروج الشيء عن الاعتدال قليلا كان الخروج أو كثيرا ويزاده الصلاح ويستعمل في النفس والبدن والأشياء الخارجة عن الاستقامة^۲».

ترجمه: فساد عبارت است از خروج شیئی از حد اعتدال برابر است که این خروج کم باشد یا زیاد، و ضد آن صلاح است و در نفس، بدن و در هر چیزی که از استقامت و اعتدال بیرون باشد استعمال می شود.

^۱ حسین بن محمد بن المفضل، أبو القاسم اصفهانی معروف به راغب از ادیبان حکماء و علماء اهل اصفهان بود که سال تولدش معلوم نیست و در بغداد سکونت گزیده است و در آنجا شهرت حاصل نمود آثار متعدد نگاشت که از جمله من (محاضرات الأدباء الذريعة إلى مكارم الشريعة (الأخلاق) ویسمى (أخلاق الراغب) وجامع التفاسیر) (المفردات فی غریب القرآن) و (حل متشابهات القرآن) و (تفصیل النشأتین) فی الحکمة و علم النفس و تحقیق البیان، فی اللغة والحکمة، وکتاب فی الاعتقاد) و (أفانین البلاغة) او در سال ۵۰۲ هجری وفات کرده است. اعلام زرکلی (ج ۲ ص ۲۵۵).

^۲ راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل، مفردات ألفاظ القرآن، دارالقلم - دمشق ۱۹۹۲م. (ج ۲ ص ۱۹۲).

مبحث دوم: اخلاق و اهمیت آن:

اخلاق از جمله خصوصیات بسیار مهم در حیات فردی و اجتماعی انسان به شمار می‌رود و هدف از بعثت پیامبر صلی الله علیه وسلم این است که مکارم اخلاقی را به پایه کمال برساند، یک جامعه وقتی به ترقی و تعالی می‌رسد که افراد آن جامعه دارای اخلاق عالی باشند به خاطر اینکه بتوانیم مفاهیم اخلاق را بطور درست درک کنیم؛ این مبحث در رابطه به اخلاق و اهمیت آن اختصاص یافته است که شامل بیان اهمیت اخلاق از نظر قرآن و اسلام و همچنان از دیدگاه فلاسفه می‌باشد به این اساس این مبحث شامل دو مطلب می‌باشد.

مطلب اول: اهمیت و ارزش اخلاق از منظر اسلام:

دین اسلام منحیث یک دین کامل و فراگیر تمام بخشهای زندگی به اخلاق ارزش والایی قایل شده است و بالای آن تأکیدات زیادی کرده است و علم اخلاق و مسائل مربوط به آن، از مهم ترین و با ارزش ترین مباحث علوم دینی است و در اسلام بر آن تأکید فراوان شده است، الله متعال پیامبر خود را در قرآن کریم به داشتن اخلاق نکو ستایش کرده و گفته است: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾^۱.

ترجمه: و همانا تو از خوی سترگی برخوردار هستی.

در ذیل برخی نمونه های از ارشادات قرآن و احادیث نبوی در این مورد نقل می‌گردد:

الف: آیات قرآن کریم: اخلاق و تربیت انسان ها از مهم ترین مباحث قرآنی است و اهمیت و جایگاه آن بر کسی پوشیده نیست، آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که همه بیانگر اهمیت اخلاق در اسلام می‌باشد و به این هدف مهم تصریح فرموده است که بعض این آیات قرار ذیل است:

1- ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾^۲.

ترجمه: او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنان می‌خواند و آنان را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد، هر چند پیش از آن

^۱ سوره قلم آیه ۴.
^۲ سوره جمعه آیه ۲.

در گمراهی آشکاری بودند.

در آیه فوق به تزکیه اشاره شده است و تزکیه در حقیقت با اصلاح اخلاق امکان پذیر است.

۲- ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى﴾^۱.

ترجمه: رستگار شد آن کس که خود را پاک گردانید.

3- ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾^۲.

ترجمه: هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرد، رستگار شد و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخت، نومید و محروم گشت.

در دو آیه متذکره الله متعال فرموده است: کسانی کامیاب و رستگار می شوند که نفس های خود را تزکیه نمایند و تزکیه با اصلاح اخلاق و رفتار ممکن می باشد.

از برخی آیات قرآن کریم فهمیده می شود که هدف از ارسال پیامبران چنانچه خداوند متعال به حضرت موسی علیه السلام می گوید: ﴿اذهبِ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ * فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ﴾^۳.

ترجمه: به سوی فرعون بروید چرا که او طغیان و سرکشی کرده است * با سخن نرم با او سخن بگوئید، شاید متذکر شود یا از خدا بترسد.

آیات فوق چند نمونه از مواردی بود که اهمیت تزکیه اخلاقی و آراسته شدن به اخلاق حسنه را نشان می داد، آیات دیگری هم در قرآن کریم وجود دارد که نشان می دهد الله متعال صاحبان بعضی از اخلاقیات عالی مانند: احسان، عدل صبر و غیر را دوست می دارد و این نشان دهنده اهمیت و ارزش اخلاق در قرآن است قسمی که الله متعال می فرماید: ﴿وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^۴.

ترجمه: و نیکویی کنید هر آینه خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

۱ سوره اعلی آیه ۱۴.

۲ سوره شمس آیات ۹ و ۱۰.

۳ سوره طه آیه: ۴۳ - ۴۴.

۴ سوره بقره آیه ۱۹۵.

و در جای دیگر الله متعال فرموده است: ﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾^۱.

ترجمه: خداوند جل جلاله صابران را دوست دارد.

همچنان الله متعال فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾^۲.

ترجمه: خداوند انصاف کننده گان را دوست دارد.

ب: احادیث نبوی: در اهمیت و جایگاه اخلاق در احادیث نبوی -صلی الله علیه وسلم- به کثرت روایت شده است که در ذیل به برخی آن ها اشاره می شود:

۱- تزکیه و تربیت انسان از اهداف مهم بعثت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم عنوان شده است چنانچه در حدیث آمده است که آنحضرت صلی الله علیه وسلم می فرماید: (إنما بعثت لأتمم مكارم الاخلاق)^۳.

۲- بهترین بندگان کسانی اند که دارای اخلاق حسنه باشند چنانچه در این حدیث آمده است: عن أسامة بن شریک (رضی الله عنه) ^۴ قال: كنا جلوسا عند النبي صلی الله علیه و سلم كأن علی رؤوسنا الطیر ، ما یتکلم منا متکلم إذ جاءه أناس ، فقالوا ، من أحب عباد الله إلی الله؟ قال أحسنهم خلقا^۵.

ترجمه: از اسامه بن شریک روایت است که گفت ما نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم نشسته بودیم مثل اینکه پرنده بالای سر ما نشسته باشد هیچ کسی از ما گپ نمیزد که یک گروه از اشخاص آمدند از پیامبر صلی الله علیه و سلم سوال کردند کدام بنده های خود را خداوند دوست دارد؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: کسیکه بهترین اخلاق را دارد.

۳- اخلاق خوب باعث محبت رسول الله صلی الله علیه وسلم و نزدیکی با او در روز قیامت می شود،

^۱ سوره آل عمران آیه ۱۴۶.

^۲ سوره مائده آیه ۴۲.

^۳ حاکم، المستدرک علی الصحیحین، (۲/۶۷۰، رقم ۴۲۲۱) وقال: صحیح علی شرط مسلم. سیوطی، جامع الاحادیث، (ج ۱۱ ص ۱۳۰).
^۴ اسامه بن شریک، صحابی پیامبر-صلی الله علیه وسلم است که از قبیله بنی ثعلبه بود، او احادیث زیاد روایت نکرده است. عسقلانی، ابن حجر، الاصابة (ج ۱ ص ۴۹).

^۵ - الطبرانی، سلیمان بن أحمد بن ایوب القاسم، المعجم الکبیر، تحقیق: حمیدی بن عبدالمجید السلفی، ناشر: مکتبة العلوم و الحكم، طبع: دوم سال طبع: ۱۹۸۳م، باب اسامة بن شریک الثعلبی من بنی ثعلبة جز: ۱، ص: ۱۶۱. البانی، محمد ناصرالدین، امام البانی این حدیث را صحیح گفته است. السلسلة الصحیحة (ج 1/ ص 431) شماره حدیث (471)

قسمی که در روایت صحیح آمده است: «عن جابر (رضی الله عنه) ^۱ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: إن من أحبكم إلي وأقربكم مني مجلسا يوم القيامة أحاسنكم أخلاقا ^۲.

ترجمه: از جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند هر آینه دوست داشتنی ترین شخص برای من و نزدیک ترین شخص برای من در روز قیامت کسی است که داری اخلاق نیکو باشد.

4- آنچه که زیاد میکند پله حسنات را در روز حساب اخلاق نیکو است چنانچه در حدیث آمده است: عن ابی الدرداء (رضی الله عنه) ^۳ أن رسول الله -صلى الله عليه وسلم قال: ما من شيء يوضع في الميزان أثقل من حسن الخلق، وإن صاحب حسن الخلق ليبغ به درجة صاحب الصوم والصلاة ^۴.

ترجمه: از ابو درداء رضی الله عنه روایت است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم گفته است: هیچ چیزی در ترازوی اعمال گذاشته نمی شود که از حسن اخلاق سنگین تر باشد و بدون شک صاحب اخلاق نیک با حسن اخلاق خود به درجه صاحب روزه و صاحب نماز می رسد.

در مجموع می توانیم بگوییم اهمیت اخلاق در اسلام از چند طریق نمایان می شود که ذیلا اشاره می شود:

- 1- دین اسلام می خواهد نفس مومن را از امراض اخلاقی خالی بسازد و مسلمان با داشتن اخلاق نیک قوت پیدا کند و جامعه خود را با آن محافظت کند ^۵.
- 2- اخلاق با احکام عقیدتی و تشریحی ارتباط مستحکم دارد و اسلام می خواهد شخصیت و سلوک

^۱ جابر بن عبد الله بن عمرو بن حرام بن ثعلبه بن حرام بن كعب بن غنم بن كعب بن سلمة، كنية اش ابو عبدالله و ابو عبدالرحمن انصاري، خزرجي، سلمى، مدني كه فقيه، امام بزرگ، مجتهد و حافظ و صاحب و هدم پیامبر -صلى الله عليه وسلم بود. در بیعة الرضوان همراه با پدر خویش حضور داشت. از پیامبر اسلام، عمر، علی، ابوبکر، ابو عبیده، معاذ بن جبل، زبیر و گروه دیگری از صحابه علم زیادی را نقل کرده است. در زمان خود مفتی مدینه بود، پس از وفات عمر فاروق سال های زیادی را در عزلت بسر برد. و اقدی و یحیی بن بکیر و طائفه دیگری گفته اند که امام جابر رضی الله عنه در سن ۷۸ سالگی از دنیا چشم پوشیده است. سیر اعلام النبلاء - (۳ / ۱۸۹).

^۲ - الترمذی، محمد بن عیسی ابو عیسی، سنن الترمذی، باب معالی الاخلاق. شماره حدیث: ۲۰۱۸، (ج ۴ ص ۳۸۰) البانی، این حدیث را صحیح گفته است السلسلة الصحيحة، جز: ۲، باب: ۷۹۱، (ص ۲۹۰).

^۳ ابودرداء، عویمر بن مالک بن قیس بن أمیة انصاري، خزرجي، صحابی مشهور پیامبر صلی الله علیه و سلم است که از حافظان قرآن در آن زمان بود و معاویه -رضی الله عنه- او را والی شام تعیین کرد، او در سال ۳۲ فوت نمود. زرکلی، الاعلام، ج ۵ ص ۹۸.

^۴ سجستانی، سلیمان بن اشعث: سنن أبي داود، تعلیق ناصر الدین البانی، دار الکتب العربي، بیروت-لبنان. شماره حدیث (۴۷۹۹). و ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره، سنن الترمذی، البانی این حدیث را در تعلیق ابی داود صحیح گفته است. دار المعرفه - بیروت ۲۰۰۲ م. شماره حدیث: ۲۰۰۲.

^۵ الأنصاري، عبدالرحمن محمد، معالم أصول التربية الإسلامية من خلال وصايا لقمان لابنه، (ص ۴۸۴).

- انسان را از طریق اصلاح اخلاق که تاثیر خاص در تعامل با دیگران دارد بسازد.^۱
- 3- از نظر اسلام انسان از طریق اصلاح اخلاق ارتقا می کند و انسانیتش مفهوم حقیقی اش را پیدا می کند و انسان نه از لحاظ صورت تنها بلکه از لحاظ اخلاق ظاهری و باطنی انسان گفته می شود.^۲
- 4- اسلام می خواهد از نفوذ فساد به افراد جامعه جلوگیری کند و به همین خاطر وجیه امر به معروف و نهی از منکر را مشروع گردانیده و آن را مکلفیت تمام مسلمانان دانسته است.^۳
- 5- اسلام می خواهد از طریق اصلاح اخلاق روابط و علاقات اجتماعی را مستحکم بسازد چون آراسته شدن با اخلاق امنیت و رفاه را در قبال دارد و قوت و نیروی جامعه را از لحاظ اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تمام بخش های زندگی افزایش می دهد.^۴
- 6- توجه به اخلاق اسلامی توانسته است ثقافت و فرهنگ اسلامی را در طول چهارده قرن با وجود خم و پیچ های زیاد نگاه دارد و در حقیقت یگانه راه توسعه و رشد اسلام در تمام جهان توجه به اخلاق عالی از طرف مسلمانان بوده است.^۵

مطلب دوم: اهمیت و ارزش اخلاق از دیدگاه دانشمندان:

دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان در مورد اهمیت اخلاق انفرادی و اجتماعی مطالب زیادی نوشته اند و تزکیه اخلاقی را یکی از ضرورت های زندگی دانسته اند، در این مطلب دیدگاه دانشمندان در مورد اهمیت اخلاق مورد بحث قرار می گیرد:

الف: دیدگاه دانشمندان پیش از اسلام در مورد اخلاق:

دانشمندان مشهور قبل از اسلام در مورد اخلاق و اهمیت آن سخن گفته اند که بطور نمونه چند مثال از آنها نقل می گردد:

- 1- سقراط (socrates): سقراط به این عقیده بود که فضیلت اخلاقی در پرتو علم و دانش حاصل میشود و انسان در سایه علم و دانش خوبی ها و بدی ها را درک میکند و به فضایل اخلاقی گرایش و از

۱ مجموعه من الباحثین بإشراف عبد القادر السقاف، موسوعة الأخلاق الإسلامية، دار الوسيلة للنشر و التوزيع، سال طبع: ۱۹۹۸م، طبع اول (ج ۱، ص ۴).

۲ الرحيلي، عبدالله بن ضيف الله، الأخلاق الفاضلة، مؤسسة الرسالة، ۱۴۳۰، بيروت، لبنان (ص ۹۹).

۳ مقدار يالجن، (ج ۱، ص ۱۱) علم الأخلاق الإسلامية والمناظرة العلمية، ۱۴۲۵ هـ / ۲۰۰۴ م الرياض: مصدر سابق (ج ۱، ص ۱۲).

۴ شاكر، محمود محمد، رسالة في الطريق إلى ثقافتنا، مكتبة الأسرة، د.ط، ۱۹۹۷ م مصر، (ص ۳۳).

رذائل اخلاقی دوری می جوید و در نتیجه به اساس علم و دانش شخص با فضیلت و متخلق به اخلاق حسنه میگردد و اخلاق را در سایه علم و دانش میتوان پیدا کرد. به هر اندازه که علم و دانش بیشتر و بالاتر رود انسان از رذائل اجتناب مینماید و کارهای خوب را انجام میدهد، به عقیده سقراط بدبختی انسان حاصل نادانی او است و بزرگترین فضیلت دانایی است و اشتباهات آدمی از نادانی او سرچشمه میگیرد، سقراط میگوید بخاطر اینکه سعادت به دست بیاید باید از دستورات عقل پیروی صورت بگیرد.^۱

۱- ارسطو (Aristotele):

فلسفه اخلاقی ارسطو (Aristoteles)^۲ متأثر از فلسفه نظری است خیر و سعادت هر موجود در هدفی است که برایش تعیین شده است، ارسطو در باب اخلاق نظریه سعادت را مطرح کرده است، او مدعی است که انسان از لحاظ اخلاقی طالب سعادت است و راه تحصیل سعادت کسب فضیلت و رشد اخلاق است، ارسطو میگوید: هیچ موجودی به هدف خود نمیرسد مگر اینکه همواره وظیفه ای را که برای او مقرر است به نحو احسن اجرا کند به نظر ارسطو فضیلت اخلاقی امری است که حد وسط و تعادل در آن رعایت شده باشد.^۳

ب: دیدگاه دانشمندان اسلامی در مورد اخلاق:

دانشمندان مشهور اسلام در مورد اخلاق و اهمیت آن سخنان زیادی گفته اند و کتابهای زیادی نوشته اند که بطور نمونه چند مثال از آنها نقل می گردد:

1- ابن حزم (رحمه الله)^۴ ظاهری می گوید: «مداواة النفوس وإصلاح الأخلاق لذة العاقل بتميزه ولذة العالم بعلمه ولذة الحكيم بحكمته ولذة المجتهد لله باجتهاده»^۵.

۱- ژان برن، مکتب اخلاقی سقراط، ترجمه سیدابوالقاسم پورحسینی تهران، علمی و فرهنگی، 1383، (ص 39).

۲- یکی از نخستین فیلسوفان تحلیلی است و اولین کسی است که علم منطق را ایجاد کرد، در سال ۳۸۴ ق م در استاگیرای یونان به دنیا آمده است و نام مکمل او ارسطو طالیس و لقب او معلم اول است. زندگی نامه ارسطو، سایت بیتوته، <https://www.beytoote.com>

۳- رابرت ال. هولمز، مبانی فلسفه اخلاق، ترجمه مسعود علیا تهران، کتابخانه ملی، 1354، (ص 78).

۴ ابن حزم (رحمه الله): علي بن أحمد بن سعيد بن حزم الظاهري، أبو محمد در سال: ۳۸۴ هـ موافق به ۹۹۴ م در شهر قرطبه اندلس بدنیا آمده است، مدار استنباط و استخراج مسایل بر مبنی کتاب و سنت بوده و در برابر تقلید خیلی حساس بوده که مخالفین زعمای وقت را بر علیه وی برانگیختند که در نتیجه از قرطبه بیرون رفت و در نواحی اندلس در سال: ۴۵۶ هـ مطابق به سال: ۱۰۶۴ م از دنیا رحلت نمود. از جمله کتابهای مشهورش المحلي، الفصل فی الملل و النحل است. ذهبی، شمس الدین، سیر اعلام النبلاء، مؤسسة الرسالة، الطبعة التاسعة ۱۴۱۳ هـ ۱۹۹۳ م مؤسسة الرسالة بیروت (ج ۱۸، ص ۱۸۴).

۵ ابن حزم الأندلسي، أبو محمد علي بن أحمد بن سعيد، الأخلاق والسير في مداواة النفوس، دار الأفاق الجديدة، ۱۳۹۹، ۱۹۷۹ م (ج ۱، ص ۱۳).

ترجمه: معالجه و تداوی نفس و اصلاح اخلاق لذتی است که عاقل آن را با تمییز، عالم آن را با علم، حکیم و دانشمند آن را با حکمت و مجتهد آن را با اجتهاد خود احساس و درک می کند.

2- ابن مسکویه (رحمه الله) از میان فیلسوفان مسلمان که به موضوع اخلاق زیاد توجه کرده است در رابطه به اخلاق میگوید: که انسان سه قوه دارد: قوه ناطقه یا نفس ملکی، قوه غضبی یا نفسی سبعی، قوه شهوی یا نفس بهیمی. ابن مسکویه به این نظر است زمانیکه این هر سه قوه با هم سازگار و هماهنگ باشد انسان را به نیک بختی میرساند و یگانه چیزیکه انسان را از حیوان جدا میکند عقل انسان است.^۱

ابوالنصر فارابی^۲ می گوید اخلاق آن هیئت نفسانی است که موجب می شود افعال انسان و عوارض نفسانی او ستوده یا نکوهش شود و در فلسفه اخلاق اسلامی سعادت و کمال هدف اخلاق است. فارابی به این نظر است که آن عده افعالی که به اختیار انسان صادر شود انسان را به کمال میرساند، نزد فارابی اراده سه نوع است: حسی، خیالی و عقلی که اراده حسی و خیالی در انسان و حیوان مشترک است و اراده عقلی تنها مختص به انسان است که به آن اختیار میگویند و به واسطه اختیار انسان اعمال پسندیده و ناپسند را انجام میدهد. به نظر فارابی اخلاق انسان قابل تغییر است؛ بخاطریکه اخلاق خوب یا بد انسان کسبی است و با تغییر محیط و شرایط اخلاق نیز تغییر میکند و اخلاق خوب به اساس تمرین حاصل میشود.^۳

۱- ابن مسکویه، تهذیب الأخلاق وتطهیر الأعراق، تحقیق: ابن الخطیب، المطبعة المصرية ط 1، (ص ۴۵).
۲- ابو نصر محمد بن محمد فارابی در سال ۸۷۰ م در فاریاب فغانستان کنونی تولد شده و در سال ۹۵۰ م در دمشق سوریه وفات نموده است؛ یکی از بزرگترین فلاسفه و دانشمندان عصر طلایی اسلام است. خلکان، ابو العباس شمس الدین احمد بن محمد بن ابی بکر، وفيات الاعیان، محقق: احسان عباس، ناشر: دارصادر، مکان طبع: بیروت، جز: ۵، ص: (۱۵۳).
۳- الماوردي، أبو الحسن علي بن محمد بن محمد، تسهيل النظر وتعجيل الظفر في أخلاق الملك وسياسة الملك، تحقيق: محي السرحان، وحسن الساعاتي بيروت: دار النهضة العربية، (ج ۱ ص ۱۶۷).

مبحث سوم: تقسیمات اخلاق:

اخلاق به اعتبارات مختلف تقسیم شده است، به اعتبار فطری و کسبی، به اعتبار ارتباطات و به اعتبار انفرادی و اجتماعی، قسمی که ابن مسکویه (رحمه الله) می نویسد: «الخلق حال للنفس داعية لها إلى أفعالها من غير فكر ولا روية، وهذه الحال تنقسم قسمين؛ منها ما يكون طبعاً من أصل المزاج، ومنها ما يكون مستفاداً بالعادة والتدرب، وربما كان مبدؤه بالروية والفكر، ثم يستمر عليه أولاً فأولاً حتى يصير ملكة وخلقاً»^۱.

ترجمه: اخلاق حالتی از نفس است که انسان را به سوی انجام دادن کارها بدون فکر و رویت دعوت می کند و این حال به دو قسم تقسیم می شود؛ گاهی این حالت برخواسته از طبیعت و اصل مزاج انسان است و گاهی از روی عادت و تمرین به دست می آید و گاهی مبداء آن فکر و رویت است سپس به همین منوال سپری می شود تا اینکه برای انسان ملکه و عادت می گردد.

بناءً در این مبحث این تقسیمات طی سه مطلب مورد بحث قرار می گیرد.

مطلب اول: اقسام اخلاق به اعتبار فطری و کسبی:

اخلاق از لحاظ فطری بودن و کسبی بودن به دو بخش تقسیم شده است:

الف: اخلاق فطری: چنانچه قبلاً اشاره گردید اخلاق بعضی اوقات فطری میباشد که از زمان پیدایش در انسان تبارز می کند، اخلاق فطری قابل رشد و تعدیل میباشد که رشد آن به تمرین و تعلیم ارتباط دارد؛ مثلاً: نزد بعضی افراد، ترس و خوف یک پدیده فطری و نسبت به افراد دیگر شدید تر میباشد، این تفاوت ها حتی در اطفال نیز دیده میشود که تا هنوز از محیط متاثر نشده اند، در میان اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم اگر مشاهده کنیم، مثلاً (ابوبکر صدیق رضی الله عنه)^۲ قبل از اسلام شراب ننوشیده بود و این امر برخواسته از اخلاق فطری او بود، یا شخص حضرت محمد صلی الله علیه و سلم قبل از بعثت به امین مشهور بود این اخلاق فطری بود که خداوند متعال در وجود شان به ودیعه گذاشته بود^۳.

^۱ ابن مسکویه، تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق، تحقیق: ابن الخطیب، المطبعة المصرية ط ۱، (ص ۴۱).
^۲ ابوبکر صدیق، نام او عبدالله بن عثمان است و اولین شخص از بزرگ سالان است که مسلمان شده است و بعد از پیامبر -صلی الله علیه و آله- تقریباً دو سال خلافت کرد. ابن عبد البر الإستیعیاب فی معرفة الأصحاب، موقع الوراق، (ج ۱ ص ۲۹۴)
^۳ - الحداد، حمد عبدالعزيز قاسم، أخلاق النبی (صلی الله علیه و سلم) فی الكتاب و السنة، رساله دكتورا، مصر، سال: ۱۴۱۳ هجری قمری.

فطری بودن اخلاق از حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم- نیز دانسته می شود چنانچه در روایت آمده است: **عن أبي هريرة (رضی الله عنه) ^۱ قال : قال رسول الله (صلى الله عليه وسلم) : « الناس معادن كمعادن الذهب و الفضة خيارهم فى الجاهلية خيارهم فى الإسلام إذا فقهوا ، والأرواح جنود مجندة فما تعارف منها ائتلف وما تناكر منها اختلف ^۲ .**

ترجمه: ابو هریره (رضی الله عنه) می گوید : پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : مردم مانند معادن طلا و نقره هستند ؛ آنان که در جاهلیت بهترین مردم بودند در اسلام نیز بهترین مردم هستند البته به شرطی که شناخت و دانش دینی داشته باشند . و ارواح مانند سپاهیان و دسته های گوناگون یک سپاه هستند ؛ آن ها که یکدیگر را بشناسند ویژگی های یکسانی داشته باشند باهم الفت میگیرند ، آن ها که یکدیگر را نشناسند از هم دور می شوند و باهم انس نمی گیرند.

از این حدیث معلوم می شود که اخلاق فطری انسانها باهم متفاوت می باشند، مردم فطرتا دارای اخلاق خوب میباشد مانند اینکه پیامبر صلی الله علیه وسلم مردم را به معادن طلا و نقره تشبیه کرده است ؛ یعنی کسانی که علم دین دارند و در جاهلیت دارای اخلاق خوب بودند در اسلام نیز دارای مدارج عالی اخلاق میباشند و اسلام اخلاق آنان را بهتر می سازد.

ب: اخلاق کسبی: بعضی اوقات اخلاق کسبی بوده و از محیط زندگی انسان به آن معتاد می شود و به اثر تجارب زیاد انسان به آن عادت می کند و خصوصیت های اخلاقی اش را با تمرین و تکرار از محیط زندگی خویش کسب میکند و کسب اخلاق البته روش های دارد که انسان با عملی کردن آن می تواند در اخلاق خود تغییر ایجاد کند، و این روش ها به شکل مختصر بیان می شود:

۱- **تصحیح و قوی ساختن عقیده :** عقیده سالم یکی از اسباب کسب اخلاق حسنه است، و قنیه عقیده انسان صحیح باشد انسان دارای مکارم اخلاقی مثل صداقت، حلم و بردباری و شجاعت را کسب می کند زیرا عمده ترین نیرویی که بالای انسان حاکمیت دارد فکر و اندیشه و عقیده او می باشد و تمام

^۱ ابوهریره: عبدالرحمن بن صخر دوسی، ملقب به ابو هریره، صحابی، و بیشترین احادیث را حفظ و روایت نموده، در زمان جاهلیت یتیم نشأت نمود، و به مدینه منوره آمد زمانیکه رسول الله-صلی الله علیه وسلم- در خیبر بود، در سال ۷ هجری ایمان آورد، ۵۳۷۴ حدیث را روایت نموده، و بیشتر از ۸۰۰ نفر از بین صحابه و تابعین از وی روایت نموده اند. (در اسم او و اسم پدرش اختلاف زیادی است)، در سال ۵۸ هجری وفات نموده، و گفته شده ۵۹، و گفته شده ۵۷. زرکلی (ج ۳ ص ۳۰۸).

^۲ - النیسابوری ، أبو الحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیري ، الجامع الصحیح المسمی صحیح مسلم ، الناشر : دار الجیل بیروت ، کتاب : البر والصله ، باب: الارواح جنود مجنده ، شماره حدیث : ۲۶۴۰ .

اعمال و کارکردهای انسان نتیجه افکار و باور های او است که در سر می پروراند، قرآن کریم با درک این موضوع در قدم نخست اصلاح عقیده و اندیشه را هدف قرار داده و می خواهد شیوه تفکر انسان را تغییر دهد، قرآن به انسان می فهماند که او تنها نبوده و کسی در آفرینش و هدایت او نقش دارد که هیچ لحظه ای از گوشه های زنده گی و طرز رفتار و کردارش از او پنهان نیست، او همواره نظاره گر و مراقبت کننده است و با ندای ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ﴾^۱.

ترجمه: ای انسان چه چیز تو را در برابر پروردگارت مغرور ساخته است؟

و سایر هشدار های تکان دهنده، همواره او را بیدار می سازد و انگیزه های خفته اش را زنده نگه می دارد.

معلوم است که اگر تفکر و اندیشه ترس از سختی های روز قیامت، ذهن یک انسان را مشغول سازد، هیچگاه او فرصتی نمی یابد تا ظلمی را مرتکب شود و ارزش های دیگران را زیر پا کند، این تصور نفس اماره انسان را مغلوب و عقل سلیم را فرمان ده می سازد که در نتیجه آن فرد می تواند از خواهشات نفسانی اش جلوگیری کند و به این ترتیب اخلاق انسان اصلاح می شود.

2- **دعا و نیایش:** یکی از اسباب کسب اخلاق حسنه دعا کردن است که مسلمان باید همیشه از الله تعالی بخواهد که برای اش اخلاق خوب بدهد و از اخلاق بد او را دور داشته باشد چنانچه پیامبر (صلی الله علیه وسلم) همیشه دعا میکرد تا خداوند متعال به سوی بهترین اخلاق هدایتش کند و می گفت: «اللهم اهدني لأحسن الأخلاق؛ لا يهدي لأحسنها إلا أنت و صرف عني سيئها؛ لا يصرف عني سيئها إلا أنت»^۲.

ترجمه: ای الله! من را هدایت کن به اخلاق نیک، بجز از تو کسی اخلاق خوب را داده نمیتواند و از من بدیها را دفع کن و از من کسی بدیها را دفع نمیکند مگر تو.

همچنان در روایت دیگر آمده است که پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- چنین دعا می کرد: «اللهم

^۱ سوره انفطار آیه ۷
^۲ نیشاپوری، صحیح مسلم، شماره حدیث: ۷۷۱.

جنبني منكرات الأخلاق، والأهواء، والأعمال، والأدواء»^۱.

۳- تلاش و مجاهدت دوامدار: یکی از راه های کسب اخلاق حسنه مجاهدت و تلاش است و در نتیجه مجاهده و تلاش انسان مورد هدایت الله متعال قرار می گیرد چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ

جَاهِدُوا فِيْنَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾^۲.

ترجمه: کسانی که برای (رضای) ما به تلاش ایستند و در راه (پیروزی دین) ما جهاد کنند، آنان را در راه های منتهی و خود رهنمود (و مشمول حمایت و هدایت خویش) می گردانیم.

البته مجاهده و تلاش باید دوامدار باشد چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ

الْيَقِيْنُ﴾^۳.

ترجمه: و پروردگارت را تا زمانی که عبادت کن که یقین (مرگ) به تو برسد.

4- محاسبه نفس: وقتی که انسان خود را مورد محاسبه قرار بدهد و اخلاق سیئه را که انجام داده از آن پرهیز نماید و تصمیم بگیرد که دیگر کارهای بد را انجام ندهد سبب میشود که انسان اخلاق حسنه کسب نماید، چنانچه ابن مقفع^۴ گفته است: **لِيَحْسَنَ تَعَاهُدَكَ نَفْسَكَ بِمَا تَكُونُ بِهَا لِلْخَيْرِ أَهْلًا، فَإِنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ أَتَاكَ الْخَيْرَ يَطْلُبُكَ كَمَا يَطْلُبُ الْمَاءَ السَّيْلَ إِلَى الْحَدُورَةِ**^۵.

ترجمه: توجه و اهمیت دادن تو برای نفس به حدی باشد آن را اهل خیر بسازی و هرگاه چنین کنی خوبی به دنبال تو می آید قسمی که آب به زمین پست می آید.

۵- همچنان تفکر و تدبیر در آثار و نتایج اخلاق حسنه، درک کردن عواقب و خطرات اخلاق سیئه، پرهیز از یاس و ناامیدی از اصلاح نفس، داشتن همت عالی، صبر و حوصله مندی در تمرین و ریاضت و عفت و پاکدامنی از جمله اسباب کسب اخلاق حسنه شمرده شده است که در راس آن حیا قرار دارد و

^۱ الحاکم، ابی عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، دار المعرفه، بیروت، لبنان، ج ۱ ص ۵۳۲ (حاکم این حدیث را صحیح گفته است).

^۲ :سوره عنکبوت، آیه: ۶۹.

^۳ الحجر: ۹۹.

^۴

^۵ حمید، محمد بن ابراهیم بن احمد، الأسباب المفیده فی اکتساب الأخلاق الحمیده، ناشر: دار ابن خزیمه، طبع: اول، سال طبع: ۱۴۱۸ هجری قمری (ص ۸).

حیا راس تمام خوبیها است؛ انسان را از فحشاء، بخل، دروغ گفتن و غیبت و سخن چینی منع میکند^۱.

مطلب دوم: تقسیم اخلاق به اعتبار ارتباطات:

رابطه انسان بر حسب طرف رابطه، به چندگونه شکل می‌گیرد: رابطه با خالق و رابطه با مخلوق. رابطه با مخلوق نیز یا با خود است و یا با دیگری، و آن دیگری نیز یا انسان است و یا موجودی غیر بشری. بر این اساس، اخلاق مشتمل بر بخش‌های مختلف است؛ مانند اخلاق بندگی، اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و اخلاق با چیزهایی که در محیط با انسان به نحوی ارتباط دارند، و در مجموع می‌توانیم اخلاق را به انفرادی و اجتماعی تقسیم کنیم:

مراد از اخلاق انفرادی آن عده اخلاقیاتی است که تعلق به فرد انسان و رابطه او با خداوند دارد مانند ایمان، خوف، توکل و غیره و مراد از اخلاق اجتماعی؛ ارزش‌های حاکم بر رابطه فرد با سایر انسان‌ها می‌باشد؛ مانند معاشرت نیکو، عدل، احسان و غیره^۲.

در تفاوت میان اخلاق فردی و اجتماعی باید گفت که اخلاق فردی نیز تأثیر غیر مستقیم بر مسائل اجتماعی دارد ولی در اخلاق اجتماعی؛ قوانین، مقررات و آداب خاصی، ضرورت می‌یابد که بسیاری از آنها در زندگی فردی مطرح نمی‌شود؛ لذا اسلام به عنوان آخرین دین، کامل‌ترین و عالی‌ترین برنامه زندگی را در هر دو بعد فردی و اجتماعی به ارمغان آورده و عمل بر اخلاق فردی را استحکام‌کننده اخلاق اجتماعی می‌داند^۳.

البته با توجه به انفرادی بودن و اجتماعی بودن اخلاق، اخلاق دارای انواع ذیل می‌باشد^۴.

1- اخلاقی که رابطه انسان را با خداوند جل جلاله برقرار میکند: در این حدود بالای انسان سلوک اخلاقی زیاد فرض میشود؛ از آن جمله ایمان به خداوند و اعتراف به تمام صفات کمال او و تصدیق آنچه از ما را به آن خیر داده است، تسلیم عام و تام به تمام احکام خداوند جل جلاله این تمام اموری است که رابطه اخلاقی میان انسان و خداوند آن را تقاضا می‌کند، خلاصه اینکه این نوع رابطه اخلاقی اطاعت

^۱ همان: مرجع سابق (ص ۹ - ۱۵).

^۲ علی، ابوبکر ابراهیم، المنظومة الأخلاقية في الإسلام وأثرها في تحقيق الأمن الفكري، رساله ماستری، جامعة الزقازق، مصر (ص ۲۹).

^۳ مکارم شیرازی، ناصر، الاخلاق في القرآن، قم، مدرسه علی ابن طالب، چاپ اول، ۱۳۷۷ش. (ج ۱، ص ۷۷).

^۴ - مجموعه من الباحثين بإشراف عبد القادر السقاف، موسوعة الأخلاق الإسلامية، (ج 1، ص ۶).

و تسلیمی از خداوند و پیامبرش می خواهد، همانگونه که الله متعال در این رابطه فرموده اند: ﴿ يَا أَيُّهَا

الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ ۗ﴾^۱.

ترجمه: ای مؤمنان فرمان برید الله را و فرمان برید رسول را و ضایع نکنید کردارهای خود را.

2- اخلاقی که رابطه انسان را با خودش برقرار میکند این قسم اخلاق اشکال متفاوت دارد؛ مثلاً: صبر در وقت مشکلات و یا اینکه انسان در کسب علم و دانش مشکلات را تحمل میکند.

3- اخلاقی که رابطه انسان را با افراد دیگر برقرار میکند و آن عبارت از اخلاق اجتماعی است که مثال ها و تاثیرات آن در فصل جداگانه بیان می شود.

4- اخلاقی که رابطه انسان را با موجودات غیرعاقل برقرار میکند، قسمی که در این مورد از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده است: **عن أبي هريرة (رضي الله عنه): أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: بينا رجل بطريق اشتد عليه العطش فوجد بئرا فنزل فيها فشرب ثم خرج فإذا كلب يلهث يأكل الثرى من العطش فقال: الرجل لقد بلغ هذا الكلب من العطش مثل الذي كان بلغ مني فنزل البئر فمأخفه ماء فسقى الكلب فشكر الله له فغفر له . قالوا يا رسول الله وإن لنا في البهائم لأجرا؟ فقال: في كل ذات كبد رطبة أجرا ۲**.

ترجمه: از ابو هریره (رضی الله عنه) روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: یک نفر در راه بسیار تشنه شده بود که یک چاه را پیدا کرد در آن پایین شد آب نوشید پس بیرون شد دید یک سگ از تشنه گی زیاد زبان خود را بیرون کشیده است. آن نفر گفت: این سگ به مثل من تشنه شده است داخل چاه شد در بوت خود آب کشید به سگ نوشاند. شکر خدا را بجا آورد خداوند به این کارش او را بخشید. اصحاب گفتند ای رسول الله! آیا در چهارپایان هم برای ما اجراست؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: به هر زنده جان که خیر برسانی برایت اجر است.

مطلب سوم: ویژگی های اخلاق اسلامی:

اخلاق اسلامی دارای خصائص و ویژگی های زیادی می باشد که در این مطلب در قدم اول این

۱ - سوره محمد آیه ۳۳.
۲ - بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، الناشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت، الطبعة الثالثة، 1407 - 1987، کتاب: الشرب والمساقاة، باب: فضل سقی الماء. (ج ۱ ص ۲۴۱) شماره حدیث: ۲۳۶۳

خصائص و بعد از آن ویژگی روش قرآن در اصلاح و تغییر اخلاق بیان می شود:

فرع اول: خصائص عمومی اخلاق اسلامی:

برای اخلاق اسلامی ویژگی های متعدد بیان شده است که در ذیل به برخی آن ها اشاره می شود:

۱- اخلاق اسلامی مصدر الهی و ربانی دارد و اولین ویژگی اخلاق اسلامی ربانی بودن و الهی بودن آن است که اساسات آن از جانب آفریدگار جهان تعیین شده است نه از جانب انسان و شکی نیست که الهی بدون اخلاق اسلامی به بخش های مختلف بر الگوپذیری انسان در زمینه رفتار و کردار تأثیرگذار است، اما زمانی که اخلاق مصدر الهی نداشته باشد هدف انسان ها در دنیا، تأمین لذات زودگذر دنیوی است و برای رسیدن به آن ممکن است دست به هر اقدامی بزند که امکان دارد هم در شریعت و هم از نگاه عقل نا روا و ممنوع باشد،^۱ قسمی که الله متعال در مورد کفار می گوید: ﴿زَيْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾^۲.

ترجمه: حیات دنیوی برای کافران جلوه نمود و آنها اهل ایمان را فسوس و مسخره می کنند ولی مقام تقوا پیشگان روز قیامت برتر از کافران است، و خدا به هر که خواهد روزی بی حساب بخشد.

ولی افرادی اخلاق ربانی دارند، منافع را فقط در منفعت های دنیوی نمی بینند بلکه در بسیاری از اعمال، منافع درازمدت و اخروی را در نظر می گیرند و با اعتقاد به جهان دیگر، از کمک به هم نوعان خود دریغ نم یورزند، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ﴾^۳.

ترجمه: آنها که کتاب خدا را تلاوت کرده و نماز به پا می دارند و از آنچه ما روزیشان کرده ایم پنهان و آشکار (به فقیران) انفاق می کنند (از لطف خدا) امید تجارتي دارند که هرگز زیان و زوال نخواهد یافت.

۱ مجموعه من الباحثين بإشراف عبد القادر السقاف، موسوعة الأخلاق الإسلامية، (ج ۱، ص ۳۵).

۲ سوره بقره آیه ۲۱۲.

۳ سوره فاطر آیه ۲۹.

از نظر قرآن افرادی که دارای اخلاق ربانی هستند بر مشکلات زندگی شکیبایی می ورزند، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾^۱.

ترجمه: آنهایی که چون یاد خدا شود دلهایشان هراسان شود و (در راه او) هر چه مصیبت ببینند صبور باشند و نماز به پا دارند و از آنچه روزیشان کردیم انفاق کنند.

۲- اخلاق اسلامی قابل فهم و موافق با عقل است، چنانچه دکتور یوسف قرضاوی (رحمه الله)^۲ می نویسد: «الاخلاق في الإسلام إنما يعتمد دائما على الحكم المعقولة، والعلل المقبولة، مخاطبا العقل القويم، والوجدان السليم، مبينا المصالح من وراء ما يأمر به، والمفاسد من جراء ما ينهاه عنه، مفصلا تارة، ومجملا تارة»^۳.

ترجمه: اخلاق در اسلام همیشه بر حکم معقول، علل مقبول اعتماد و تکیه می کند و عقول مستقیم و وجدان سلیم را مخاطب قرار می دهد و همچنان مصلحت های بشر و مفاسد را از خلال آن چه به آن امر می کند و نهی میکند بیان میدارد که گاهی به تفصیل و گاهی به صورت اجمال است.

۳- اخلاق اسلامی متوازن است و تمام بخش های آن دارای توازن و تعادل است که در آن نه افراط است و نه تفریط، هم جنبه معنویت در آن در نظر گرفته شده و هم جنبه مادیت، اسراف و بخل هر دو حرام است و به اعتدال و میانه روی در مصرف حکم می کند^۴، مصداق هایی از تعادل و توازن در اخلاق اسلامی قرار ذیل است:

الف: توازن در میان کار و عبادت، چنانچه قرآن کریم در وصف مؤمنان چنین ارشاد می فرماید: ﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ

^۱ سوره حج آیه ۳۵.

^۲ قرضاوی (رحمه الله): یوسف عبدالله القرضاوی در سال ۱۹۲۶ در یکی از روستاهای حرمة محله الکبرای استان غربی مصر، در خانواده ای متدین و بی آرایش به دنیا آمد. ۲ سال بیشتر نداشت که پدرش از دنیا رفت و عموی سرپرستی او را به عهده گرفت. در سن ۵ سالگی به منظور حفظ قرآن کریم به مکتبخانه اش فرستادند، و در ۷ سالگی برای تحصیلات جدید وارد دبستان شد. پیش از آنکه به سن ۱۰ سالگی برسد، حافظ کل قرآن کریم شد. در سال ۱۹۶۳ دوکتورای خود را با رتبه عالی از پوهنتون الازهر گرفت. مقدمه کتاب نقش ایمان در زندگی، مؤلف، دکتور یوسف قرضاوی، ترجمه: فرزانه غفاری - محسن ناصری، نشر احسان، تهران. (ص ۵).

^۳ قرضاوی، دکتور یوسف، مدخل لمعرفة الإسلام، مؤسسة الرسالة، ط (۱ ص ۴۱).

^۴ مرسی، حسن سعید، الاخلاق الإسلامية، (ص ۵۳ - ۶۰).

وَالْأَبْصَارُ^۱

ترجمه: ترجمه: مردانی که هیچ تجارت و خرید و فروشی آنان را از یاد خدا، و خواندن نماز، و دادن زکات غافل نمی سازد، از روزی می ترسند که دلها و دیدگان در آن دگرگون و پریشان می گردد.

ب: از مصداق های توازن در اخلاق اسلامی این است که هم دنیا در آن در نظر گرفته شده است و هم آخرت باید فراموش نشود چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾^۲

ترجمه: و به هر چیزی که خدا به تو عطا کرده بکوش تا (ثواب و سعادت) دار آخرت تحصیل کنی و لیکن بهرهات را هم از (لذات و نعم حلال) دنیا فراموش مکن و (تا توانی به خلق) نیکی کن چنانکه خدا به تو نیکویی و احسان کرده و هرگز در روی زمین فتنه و فساد برمینگیز، که خدا مفسدان را ابدًا دوست نمی دارد.

آیه ای دیگر نیز ضمن تأکید بر میانه روی، از اینکه انسان در هزینه کردن و انفاق بیش از حد، دست خود را باز بگذارد و یا خست پیشه کند، نهی کرده و علت آن را، چنین بیان میکند که این کار پشیمانی را به دنبال خواهد داشت، چنانچه می فرماید: ﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا﴾^۳

ترجمه: و نه هرگز دست خود (در احسان به خلق) محکم به گردنت بسته دار، و نه بسیار باز و گشاده دار، که (هر کدام کنی) به نکوهش و درماندگی خواهی نشست.

۱ سوره نور آیه ۳۶.
۲ سوره قصص آیه ۷۷.
۳ سوره اسراء آیه ۲۹.

همچنان الله متعال می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾^۱

ترجمه: و کسانی که به هنگام خرج کردن زیاده روی نمی کنند، و بخل نمی ورزند، و بین این، (دو راه) اعتدال پیش گیرند.

همچنان در جای دیگر الله متعال در مورد تعادل در مصرف و انفاق می فرماید: ﴿وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا * إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا﴾^۲.

ترجمه: و تو خود حقوق خویشاوندان و ارحام خود را ادا کن و نیز فقیران و رهگذران بیچاره را به حق خودشان برسان و هرگز (در کارها) اسراف روا مدار. که مبدّران و مسرفان برادران شیطانها اند، و شیطان بسیار ناسپاس است.

۴- اخلاق اسلامی رعایت کننده واقعیت ها است چنانچه دکتور یوسف قرضاوی (رحمه الله) می نویسد: «ومن خصائص الأخلاق الإسلامية: أنها أخلاق واقعية، لا تصدر أوامرها ونواهيها لأناس يعيشون في أبراج عاجية، أو يخلقون في أجواء المثالية المجنحة، إنما تخاطب بشرا يمشون على الأرض، لهم دوافع وشهوات، ولهم مطامع وأمال، ولهم مصالح وحاجات»^۳.

ترجمه: از ویژگی های اخلاق اسلامی این است که آن اخلاق واقعی و اوامر و نواهی اش برای مردمانی صادر نمی کند در برجهای بلند زندگی می کنند یا در فضاهاى خیالی پرواز می کنند بلکه بشری را مورد خطاب قرار می دهد که بر روی زمین حرکت می کنند که هم شهوت دارند و هم امید و آرزو و هم دارای مصالح و حاجات می باشند.

۵- اخلاق اسلامی در توافق با فطرت بشری است، اگر به دین مسیحیت ببینیم آن دین نفس را به چیزی مکلف میسازد که خلاف فطرت بشری است؛ مثلا: در دین مسیحیت رهبانیت است که انسان در یک

۱ سوره فرقان آیه ۶۷

۲ سوره اسراء آیه ۲۶ و ۲۷.

۳ قرضاوی، دکتور یوسف، مدخل لمعرفة الإسلام، (ص ۴۶).

گوشه بنشینند و عبادت کند نه ازدواج کند و نه همراهی مردم معامله نماید که این خلاف فطرت بشری است، در حالیکه اسلام تشویق به ازدواج نموده است و ضوابط که اسلام وضع نموده در آن افراط و تفریط نیست و با فطرت بشری در تضاد نیست^۱.

۶- یکی دیگر از ویژگی اخلاق اسلامی ایجابیت و مثبت گرایی است چنانچه در این مورد دکتور یوسف قرضاوی می نویسد: «**ومن خصائص الأخلاق في الإسلام: أنها أخلاق إيجابية، فهي لا ترضى من المتحلي بها العجز والاستسلام للأحداث توجه قياده كالريشة في مهب الريح. إنما تحت على القوة والكفاح، ومواصلة السعي في ثقة وأمل، وتقاوم العجز واليأس، والكسل، وكل أسباب الضعف**»^۲.

ترجمه: از خصائص اخلاق در اسلام این است که اخلاق اسلامی ایجابی است و کسی که دارای چنین اخلاق باشد باید روحیه عجز و تسلیم شدن در مقابل رویدادها را نداشته باشد و مانند گیاه خشک نباشد که با وزیدن باد از بین برود، اخلاق اسلامی انسان را به قوت و توانایی و به تداوم سعی و تلاش و همچنان به مقاومت در برابر عجز، سستی، نا امید و تمام اسباب ضعف انگیزه می دهد.

بطور مثال در حدیث آمده است که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- می فرماید: «**أحرص على ما ينفعك واستعن بالله ولا تعجز، ولا تقل: لو أني فعلت كذا لكان كذا، ولكن قل: قدر الله وما شاء فعل، فإن لو تفتح عمل الشيطان**»^۳.

ترجمه: حریص باش و از خدا یاری بجوی و ناتوان مباش و اگر اتفاقی برای تو افتاد، مگو اگر من به فلان طریق عمل می کردم، چنین و چنان می شد، بلکه بگو: تقدیر خداوند بود و هر چه او خواست، انجام گرفت، زیرا اگر گفتن، (راه) عمل شیطان را می گشاید.

۷- اخلاق اسلامی به هر زمان و مکان قابل تطبیق است و هیچ تغییری در آن نمیاید، چنانچه در موسوعه الاخلاق الاسلامية می نویسد: «**لما كانت الأخلاق الإسلامية ربانية المصدر، كانت صالحة لجميع الناس في كلِّ زمان، وفي أيِّ مكان، نظراً لما تتميز به من خصائص، فلا يطرأ عليها أي تغيير أو تبديل بسبب**

۱ میدانی، عبد الرحمن حبنكة الميداني، الأخلاق الإسلامية وأسسها، (ج ۱ ص ۵۲).

۲ قرضاوی، دکتور یوسف، مدخل لمعرفة الإسلام، (ص ۴۹).

۳ صحیح مسلم، شماره حدیث: ۲۶۶۴.

تغییر الظروف والأزمان»^۱.

ترجمه: هنگامی که اخلاق اسلامی دارای مصدر ربانی است بناءً برای تمام مردم جهان در هر زمان و مکان نظر به ویژگی هایی که دارد هیچ تغییر و تبدیل در آن به اثر تغییر ظروف و زمان ها نمی آید.

اخلاق اسلامی جهانی میباشد ، به کدام شخص خاص ارتباط ندارد بلکه به تمام افراد ارتباط دارد مثلاً: سرقت حرام است برابر است که سرقت مال مسلمان باشد و یا از کافر، عدل واجب است برای مسلمان و غیر مسلمان^۲.

8- از ویژگی های دیگر اخلاق اسلامی یکی از خصوصیات اخلاق اسلامی شمولیت و فراگیر بودن، قناعت عقلی و وجدانی، دارا بودن پاداش دنیوی و اخروی و همچنان از مهمترین ویژگی اخلاق اسلامی این است که انسان را در تمام بخشهای زندگی فردی و اجتماعی مسئولیت می دهد^۳.

فرع دوم: ویژگی های روش عملی اصلاح اخلاق در قرآن کریم:

چون قرآن کریم از هر لحاظ با سایر کتابها فرق دارد، بناءً روش اصلاح اخلاق در آن نیز دارای یک سلسله ویژگی ها می باشد که ذیلاً بیان می گردد:

اول: تنوع: قرآن کریم با روش های متنوع می خواهد اخلاق انسان را اصلاح کند. گاهی در قالب بشارت بیان می کند، گاهی در قالب هشدار، گاهی حکایت می کند، گاهی تذکر می دهد، گاهی تشویق می کند، گاهی آن در قالب یک مثال تصویر می کشد و این تنوع و بیان نمی تواند بدون فلسفه و حکمت باشد. نزدیک ترین توجیه در فهم آن، این است که این تنوع نه تنها در رفتار و کردار بشر، که حتی در نحوه فکر و معرفت وی نیز جایگاه ویژه دارد و پیامی که با درون و ذهن انسان سر و کار دارد، نمی تواند بدون در نظر داشت این واقعیت تأثیرگذار باشد^۴.

قرآن کریم در برنامه اصلاح و تغییر شیوه متفاوتی دارد؛ در قرآن بیشتری سوره ها و آیات که متضمن موضوعی می باشند، اهداف متعددی دارند؛ اگر حکم شرعی مطرح می شود، در کنارش درس و اندرز

^۱ مجموعه من الباحثین بإشراف عبد القادر السقاف، موسوعة الأخلاق الإسلامية، (ج ۱، ص ۳۰).
^۲ قرضاوی، دکتور یوسف، مدخل لمعرفة الإسلام، (ص ۴۸).
^۳ مجموعه من الباحثین بإشراف عبد القادر السقاف، موسوعة الأخلاق الإسلامية، (ج ۱، ص ۳۱).
^۴ الکیلانی، عمر عبدالله نجم الدین، مفهوم الاصلاح فی القرآن الکریم، مجله «دیالی» کلیة التربية الاصلعی، شماره ۲۸، سال ۲۰۰۸م (ص ۳).

اخلاقی و عقیدتی نیز وجود دارد، اگر در آیه یا سوره ای مسئله عقیدتی بیان می شود، به مسائل اخلاقی و عاطفی نیز اشاره می شود. اگر به موضوعی مانند دنیا یا آخرت می پردازد در پهلوی آن به موضوعات مشابه دیگر مهم برای انسان تذکر می دهد. اگر از صفات اخلاقی مانند تقوا، صبر، صداقت و غیره سخن می گوید در پهلوی آن از شجاعت و غیرت نیز سخن می گوید^۱.

دوم: رسا بودن: از ویژگی های دیگر قرآن در روش عملی اصلاح اخلاق، گویایی و رسایی است. قرآن کریم با وجودی که مشتمل بر متشابهات است، چنانچه می فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ﴾^۲.

ترجمه: او خدایی است که کتاب را بر تو نازل کرده است، بخشی از آن آیات محکمت (روشن و واضح) هستند، که اینها اساس کتاب می باشند، و بخشی دیگر متشابهات هستند.

اما از لحاظ تفهیم و رساندن مطلب به مخاطب، هیچ گونه ابهام و نارسایی ندارد و چنان که خود می گوید: زبانش مبین است؛ ﴿وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ﴾^۳.

ترجمه: و این قرآن به زبان عربی آشکار است.

از همین جهت، مشرکان مکه به خوبی منظور آیات را می فهمیدند و تحت تأثیر آن قرار می گرفتند. **سوم: تکرار:** از ویژگی های دیگر روش قرآن در اصلاح و تغییر اخلاق این است که در بیان حقایق و ارزش ها به یک بار بسنده نمی کند، بلکه در مواضع و جایگاه های متعدد یک موضوع را تکرار می کند، چنانچه الله متعال می فرماید: اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَابًا تَفْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكِ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضَلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ^۴.

ترجمه: خداوند بهترین سخن را نازل کرده است، کتابی که همگون و مکرر است. پوست های آنانکه از

۱- یونس محمود صادق یاسین، الإصلاح الأسري من منظور قرآني، جامعة النجاح الوطنية/نابلس فلسطين، ۲۰۰۶ (ص ۱۷).

۲ آل عمران آیه ۷.

۳ النحل آیه ۱۰۳.

۴ سوره زمر آیه ۲۳.

پروردگارشان می ترسند از (شنیدن) آن به لرزه می افتد، آنگاه پوست ها و دل هایشان با یاد خدا نرم می شود. این هدایت الهی است و خداوند هر که را بخواهد در پرتو آن راهیاب می سازد و هر کس را که خدا گمراه سازد راهنما و هدایتگری نخواهد داشت.

اما تکرار قرآن کریم یکنواخت و ملال آور نیست بلکه تکرار همراه با تنوع و تازگی چنانچه ابن عاشور (رحمه الله)^۱ می گوید: « کئی عن معنی التکریر بمادة التثنية لأن التثنية أول مراتب التکریر فالقرآن مثانی لأنه مکرر الأغراض. و هذا يتضمن امتنانا على الأمة بأن أغراض کتابها مکررة فيه لتكون مقاصده أرسخ فی نفوسها، و لیس معها من فاته سماع أمثالها من قبل»^۲.

ترجمه: ماده تثنيه کنایه از تکرار است، زیرا تثنيه نخستین مرتبه تکرار شمرده می شود، پس قرآن مثانی است؛ چون اغراضش مکرر است و این یک نوع امتنان بر امت به شمار می آید که اهداف و مقاصد کتابش تکرار شده است تا در جان ها بهتر نفوذ کند و کسانی که قبلاً از شنیدن امثال آن محروم شده اند بشنوند.

بعد از بررسی خصائص اخلاق اسلامی به این نتیجه می رسیم که اخلاق اسلامی اخلاق جهانی و همه شمول است و مطابق فطرت بشری است ، اخلاق اسلامی ثابت و پایدار است در هر زمان و مکان قابل تطبیق میباشد ، توسط اخلاق اسلامی انسان به الله متعال نزدیک میشود و باعث میشود که فرد در جامعه با افراد روابط خوب داشته باشد، و اخلاق اسلامی به مصلحت فرد و جامعه است. اخلاق اسلامی انسان را به مدارج بلند انسانیت میرساند . اخلاق سبب پیشرفت جامعه میشود ، اخلاق اسلامی باعث میشود که انسان کارهای خوب را انجام دهد و در نهایت باعث رضای پروردگار و سعادت دنیا و آخرت شود . اگر والدین ، مربیان اخلاق اسلامی داشته باشند باعث تربیه سالم افراد در جامعه میشود و باعث میشود که یک جامعه مرفعه و عاری از فسق و فساد داشته باشیم . اخلاق اسلامی را میتوانیم از طریق الگو برداری از شخصیت های خوب در جامعه کسب کنیم و اخلاق اسلامی را از طریق مطالعه سیرت پیامبر صلی الله علیه وسلم ، صحابه کرام و تابعین کسب نمایم .

^۱ ابن عاشور محمد طاهر بن عاشور: رئیس مفتیان مالکی تونس و رئیس دانشگاه الزيتونة تونس. بود در سال (۱۲۹۶) تولد شده و در سال (۱۳۹۳) وفات کرده است، مهم ترین اثر او تفسیر التحریر و التتویر است. ابن عاشور محمد طاهر بن عاشور: رئیس مفتیان مالکی تونس و رئیس دانشگاه الزيتونة تونس. بود در سال (۱۲۹۶) تولد شده و در سال (۱۳۹۳) وفات کرده است، مهم ترین اثر او تفسیر التحریر و التتویر است. زرکلی، الاعلام ج ۶ ص ۱۷۳

^۲ ابن عاشور، محمد الطاهر بن عاشور، التحریر و التتویر، دار سحنون للنشر والتوزیع - تونس - ۱۹۹۷ م ج ۲۳، ص ۳۸۶.

خلاصه فصل اول: اخلاق عبارت از صفات نفسی پایدار است که باعث صدور افعال از انسان میشود، اخلاق از جمله خصوصیات بسیار مهم در حیات فردی و اجتماعی انسان به شمار میرود، یک جامعه وقتی به ترقی و تعالی میرسد که افراد آن جامعه دارای اخلاق عالی باشند. اخلاق اسلامی مصدر الهی و ربانی داشته و قابل فهم و موافق با عقل است و نیز متوازن است و تمام بخش های آن دارای توازن و تعادل است که در آن نه افراط است و نه تفریط، اخلاق اسلامی رعایت کننده واقعیت ها است و در توافق با فطرت بشری است به همین خاطر است که اخلاق اسلامی نقش بسیار بزرگی در وقایه از مفساد دارد.

فصل دوم

اثر اخلاق انفرادی در وقایه از مفسد

چنانچه قبلا بیان گردید برخی از انواع اخلاق انفرادی می باشد و مراد از اخلاق انفرادی آن عده اخلاقیاتی است که تعلق به فرد انسان و رابطه او با خداوند دارد مانند ایمان، خوف، توکل و غیره همچنان گفته شد که اخلاق فردی تأثیر غیر مستقیم بر مسائل اجتماعی دارد و اسلام به عنوان آخرین دین، کاملترین و عالیترین برنامه زندگی را در هر دو بعد فردی و اجتماعی به ارمغان آورده و عمل بر اخلاق فردی را استحکام کننده اخلاق اجتماعی دانسته است.

در این فصل آن عده اخلاقیاتی که مربوط رابطه فرد با خودش یا با خداوند متعال می شود همراه با تأثیرات آن بیان می گردد.

مبحث اول: صبر و نقش آن در وقایه از مفسد:

یکی از مهمترین نوع اخلاق در اسلام صبر است که سرچشمه زیادی از مواصفات نیک است و در وقایه از مفسد نقش بسیار بزرگ دارد.

مطلب اول: تعریف صبر:

صبر در لغت عبارت از حبس، بازداشتن و منع نفس است^۱.

فیروز آبادی (رحمه الله) گفته است: صبر نظر به حالات مختلف معنی های متفاوت دارد: اگر حبس نفس از مصیبت باشد بنام صبر یاد میشود، و اگر در جنگ باشد شجاعت نامیده میشود، و اگر مانع شدن خود از گفتن کدام گپ باشد بنام کتمان یاد میشود و اگر حبس نفس از کارهای بیهوده باشد زهد نامیده میشود و اگر از شهوت فرج باشد عفت نامیده میشود، و اگر حبس نفس از شهوت طعام باشد شرف نفس نامیده میشود و اگر حبس نفس از جواب دادن کسیکه در حالت غضب باشد حلم نامیده میشود^۲.

صبر در اصطلاح چنین تعریف شده است:

^۱ جوهری، الصحاح، ص ۷۰۶، ابن منظور، لسان العرب، (ج ۴ ص ۴۳۷).
^۲ - الفیروز آبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، (ص: ۴۲۲).

۱ - الصبر هو حبس النفس عن محارم الله، وحبسها على فرائضه، وحبسها عن التسخط والشكاية لأقداره و هو ثبات القلب على الأحكام القدرية والشرعية^۱.

ترجمه: صبر عبارت از منع کردن نفس از محارم خداوند و بازداشتن آن در مقابل فرایض خداوند و همچنان بازداشتن آن از از نارضایتی و شکایت در برابر تقدیر است و صبر عبارت از ثبات قلب بر احکام تقدیر و شریعت است.

۲ - ترك الشكوى من ألم البلوى لغير الله لا إلى الله^۲.

ترجمه: صبر عبارت از ترک شکایت از الم و درد مصیبت به سوی غیر الله است نه بسوی الله.

۳ - حبس النفس على ما يقتضيه العقل والشرع، أو عما يقتضيان حبسها عنه^۳.

ترجمه: صبر عبارت از منع نمودن نفس در برابر چیزیکه عقل و شریعت انجام دادن یا ترک آن را می خواهد.

ضد صبر عجله کردن در امور است و عجله کردن در کارها یک مفسده است زیرا بسیاری از مفاسد زمانی در جامعه صورت می گیرد که انسان بدون تدبیر، تفکر و بدون صبر و شکیبایی اقدام به کار کند و عاقبت آن را درست نسنجد.

پس زمانی که عجله و شتاب کردن در کارها یک مفسده شد، این مفسده ضرورت به یک راه حل دارد که آن عبارت از صبر است و در آیات قرآن کریم و احادیث نبوی به صبر کردن زیاد تشویق شده است که در مطلب ذیل به آن پرداخته می شود.

همچنان غضب و دشمنی از جمله مفاسد بزرگ است و صبر می تواند از آن جلوگیری کند.

مطلب دوم: آیات قرآن کریم در مورد صبر:

در قرآن کریم به صبر و حوصله مندی در برابر مشکلات و مناسبات مختلف زیاد تاکید شده است که

۱ - ابن قیم، محمد بن ابی بکر ایوب، الروح في الكلام على أرواح الأموات والأحياء بالدلائل من الكتاب والسنة، دار الكتب العلمية - بيروت، ۱۳۹۵ - ۱۹۷۵ (ص ۲۴۱)

۲ - جرجانی، التعريفات، (ص ۱۳۱)

۳ - راغب اصفهانی، حسین بن محمد (م ۳۹۶-۴۰۱) تحقیق صفوان عدنان، المفردات فی غریب القرآن، ط: ۱، ۱۴۱۲، دارالقلم، دمشق. (ص ۲۷۳)

در ذیل به برخی آن ها اشاره می شود:

۱- الله تعالی به پیامبر خود دستور صبر را داده است و می فرماید: ﴿وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ﴾^۱.

ترجمه: برای خشنودی و خاص بخاطری رضای پروردگار شکیبایی کن.

۲- همچنان به مومنان دستور داده شده است تا در وقت مصیبت ها به صبر و نماز استعانت کنند: ﴿يَا

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾^۲.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! از صبر و نماز در برابر مشکلات سخت زندگی کمک بگیرید، خداوند با صابران است.

۳- صبر کردن و توصیه به صبر انسان را یکی از راه های نجات از خسران عنوان شده است:

﴿وَالْعَصْرِ ۱ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۲ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾^۳.

ترجمه: قسم به زمانه، هر آینه انسان در زیان است مگر کسانی که ایمان آورده اند و اعمال صالحه را انجام داده اند و یکدیگر را به حق و صبر توصیه میکنند.

4- صبر موجب دخول جنت می شود چنانچه الله -جل جلاله- فرموده است: ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا

الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ﴾^۴.

ترجمه: آیا گمان دارید که داخل شوید در بهشت و هنوز متمیز نساخته است خدا مجاهدان را از شما و متمیز نکرده است صابران را.

5- صبر به عملی کردن احکام الهی و متاثر نه شدن از گپهای دشمنان و منافقین هم از اوامر الله متعال

است: ﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا﴾^۵.

۱- سوره المدثر آیه ۷.
۲- سوره البقره آیه ۱۵۳.
۳- سوره العصر آیه ۱-۳.
۴- سوره آل عمران آیه ۱۴۲.
۵- سوره الانسان آیه ۲۴.

ترجمه: پس انتظار بکش حکم پروردگار خود را و اطاعت مکن از ایشان گنهگار یا ناسپاس را.
6- بزرگان دین هم اتباع خود را به صبر حکم کرده اند مثلیکه قرآن کریم از لقمان حکیم نقل میفرماید:
﴿يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾^۱.

ترجمه: ای پسرک من! برپا دار نماز را و امر کن به نیکوئی و منع کن از بدی و صبر کن بر آنچه برسد به تو هر آینه این از کارهای مهم است.
7- در باره فضیلت صبر و صابران قرآن کریم چنین می گوید: ﴿إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾^۲.

ترجمه: جز این نیست که تمام داده میشود صابران را اجر ایشان بیشمار.

مطلب سوم: آثار و پیامد های صبر در وقایه از مفاسد:

صبر آثار و پیامد های زیادی دارد و می تواند مفاسد زیادی فردی و اجتماعی را در جامعه جلوگیری کند:

1- به سبب صبر کمک خداوند -جل جلاله- نازل می شود و حرمان از کمک خداوند باعث نشر مفاسد بزرگ در جامعه می شود به همین خاطر الله جل جلاله به خاطر جلب کمک خداوند به صبر تشویق نموده و در این رابطه فرموده است: ﴿وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّىٰ أَنَاهُم نَصْرُنَا وَلَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِن نَّبِإِ الْمُرْسَلِينَ﴾^۳.

ترجمه: پیغمبران فراوانی پیش از تو تکذیب شده اند و در برابر تکذیبها شکیبائی کرده اند و اذیت و آزار شده اند تا یاری ما ایشان را دریافته است هیچ چیز نمی تواند سخنان خدا را دگرگون سازد، به تو اخبار و سرگذشت پیغمبران رسیده است.

2- دوری و نفرت یکی از عامل فساد است اما صبر وسیله دفع آن و سبب جلب محبت است و از آثار

۱- سوره لقمان آیه ۱۷ .
۲- سوره الزمر/آیه ۱۰ .
۳- سوره انعام آیه ۳۴ .

دیگر صبر در برابر بد رفتاری های دیگران و دفع آن به بهترین شیوه میتوان به جلب دوستی دیگران و زمینه بر طرف شدن دشمنی ها اشاره کرد که خداوند فرموده است: ﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ * وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ﴾^۱.

ترجمه: نیکی و بدی یکسان نیست با زیباترین طریقه و بهترین شیوه پاسخ بده؛ نتیجه ی این کار آن خواهد شد که کسی که میان تو و میان او دشمنی بوده است، به ناگاه همچون دوست صمیمی گردد، به این خوی نمی رسند مگر کسانی که دارای صبر و استقامت باشند و بدان نمی رسند مگر کسانی که بهره ی بزرگی داشته باشند.

3- عدم رضایت خداوند از مردم موجب نشر فساد می شود و از آثار صبر این است که صبر کردن در مقابل مشکلات باعث رضا و خشنودی الله -جل جلاله- میشود، قسمی که الله -جل جلاله- در این رابطه فرموده است: ﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ﴾^۲.

ترجمه: پس تو ای پیامبر در برابر چیزهایی که می گویند شکیبائی کن و قبل از طلوع آفتاب و پیش از غروب آن، و در اثناء شب و در بخشهای از روز به پرستش و ستایش پروردگارت مشغول شو تا راضی و خشنود شوی.

4- از بزرگ ترین مفاسد برای انسان سوء عاقبت است و صبر باعث فرجام نیک انسان میشود، الله-جل جلاله- فرموده است: ﴿تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۳.

ترجمه: این جز اخبار غیب است که آن را به تو ای پیغمبر اسلام وحی میکنم نه تو و نه قوم تو پیش

۱ - سوره فصلت آیه ۳۴-۳۵ .

۲ - سوره طه آیه ۱۳۰ .

۳ - سوره هود آیه ۴۹ .

از این ، آن را نمی دانستید . پس شکیبائی کن که سرانجام از آن پرهیز گاران است .

۵- نیکی در برابر بدی : معمولاً انسان ها در مقابل نیکی دیگران نیکی و در مقابل بدی آنها بدی را انجام میدهد ، ولی اگر کسی صبر را پیشه کند در مقابل بدی دیگران نیکی میکند برایش اجر است .

۶- صبر کردن در برابر مشکلات باعث میشود که انسان در مقام محسنان قرار بگیرد، الله تعالی در این باره فرموده است : ﴿وَأَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾^۱ .

ترجمه : شکیبایی پیشه کن که خداوند پاداش نیکوکاران را فرو نمی گذارد.

۷- صبر در حدیث روشنی گفته شده است و این نشان می دهد که به سبب صبر می توانیم تاریکی های فساد را از بین ببریم، چنانچه در روایت آمده است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) فرموده است: الطهور شطرا لایمان، والحمد لله تملأ المیزان و سبحان الله و الحمد لله تملآن أو تملأ ما بین السموات و الأرض و الصلاة نور و الصدقة برهان و الصبر ضیاء و القرآن حجة لك و عليك، كل الناس یغدو فبائع نفسه فمعتقها أو موبقها^۲ .

ترجمه: پاکیزگی نصف ایمان است . و الحمد لله ترازوی نیکی ها را پر میکند و سبحان الله و الحمد لله فاصله ی میان آسمان ها و زمین را پر میکنند . نماز نور است و صدقه برهان و صبر روشنایی است . و قرآن حجتی به نفع تو یا حجتی بر ضد توست . و همه ی مردم شب را در حالی به صبح میرسانند که در باره ی خویشان داد و ستد میکنند ؛ پس برخی خود برخی را با انجام نیکی از عذاب رها نمی نمایند و عده ای ، خود را با انجام بدی به هلاکت میرسانند .

در این حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است : که صبر روشنی است یعنی در وقت سختی ها باید از صبر کار گرفت ؛ بخاطریکه صبر روشنایی بخش قلب مسلمان است و صبر انسان را به حق هدایت میکند . وقتیکه بالای یک مسلمان مصیبتها می آید و او صبر میکند ، قلبش نور پیدا میکند زود میتواند میان حق و باطل فرق کند.

۱- سوره هود آیه ۱۱۵ .

۲- النیسابوری ، مسلم بن حجاج ، صحیح مسلم ، کتاب : الطهارة ، باب: فضل الوضوء ، شماره حدیث : ۲۲۳ .

8- صبر وسیع ترین نعمت است که الله متعال به انسان می دهد چنانچه در حدیث آمده است: **عن أبي سعيد الخدري (رضي الله عنه) ١ أن ناسا من الأنصار سألوا رسول الله صلى الله عليه وسلم فأعطاهم ، ثم سألوه فأعطاهم ، حتى نفذ ما عنده ، فقال لهم حين أنفق كل شيء بیده : ما يكون من خير فلان أذخره عنكم ، ومن يستعفف يعفه الله و من يستغن يغنه الله ، ومن يتصبر يصبره الله . وما أعطى أعطى أحد عطاء خيرا و أوسع من الصبر ٢ .**

ترجمه : ابو سعيد ، خدري رضي الله عنه می گوید : برخی از انصار ، از رسول الله صلى الله عليه وسلم چیزی درخواست کردند . رسول الله صلى الله عليه وسلم آنچه را خواسته بودند به آنان بخشید . دوباره از او طلب کردند و پیامبر صلى الله عليه وسلم نیز آنچه را خواسته بودند ، به آن ها عطا فرمود تا این که هرچه داشت تمام شد . آن گاه که همه چیز را به دست خود انفاق کرد ، به آن ها فرمود : آنچه نزد من باشد ، ذخیره اش نمی کنم و آن را از شما دریغ نمیدارم ؛ ولی هر کس پاک دامنی پیشه کند الله او را پاک دامن می گرداند ، و هرکس از دیگران بی نیازی بجوید الله او را بی نیاز میسازد ، و هرکس صبر و شکیبایی ورزد الله به او صبر می دهد . و نعمتی بهتر و فراخ تر از صبر به هیچ کس عنایت نشده است .

پس صبر یکی از صفات مؤمنین است و صبر کردن در تمام مشکلات انسان را به موفقیت های زیادی میرساند و از مفساد بسیاری منع می کند.

همچنان صبر باعث از بین رفتن غضب و دشمنی می شود که این دو صفت از جمله مفساد هستند، چنانچه در حدیث آمده است: **عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ (رضي الله عنه) : أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : أَوْصِنِي . قَالَ : «لَا تَغْضَبُ» . فَرَدَّدَ مَرَارًا . قَالَ : «لَا تَغْضَبُ» ٣ .**

ترجمه: ابوهریره - رضي الله عنه - مي گوید: مردی به نبي اکرم - صلى الله عليه وسلم - گفت: مرا نصیحت کن. آنحضرت - صلى الله عليه وسلم - فرمود: «خشم نکن». آن مرد چند بار، تقاضایش را تکرار کرد و رسول اکرم - صلى الله عليه وسلم - همچنان مي فرمود: «خشم نکن».

١ أبو سعيد الخدري: نام او سعد بن مالك بن سنان، خدري انصاري، خزرجي است که در سال ١٠ قبل از هجرت تولد شده و یکی از اصحاب ملازمت کننده در سفر و حضر با پیامبر اسلام - صلى الله عليه وسلم - بود، احادیث زیادی روایت کرده است و در سال ٧٤ هجری در مدینه فوت کرده است. زرکلی، الاعلام (ج ٣ ص ٨٧)

٢ - نیسابوری ، مسلم بن حجاج ، صحیح مسلم ، کتاب : الزکاة ، باب : فضل التّعفف والصبر ، شماره حدیث : ١٠٥٣ .
٣ صحیح البخاری ، شماره حدیث: ٦١١٦ .

مبحث دوم: صدق و راستی و نقش آن در وقایه از مفاسد:

یکی از صفات اخلاق بزرگ در اسلام صدق و راستی است که در این مبحث راجع به اهمیت و نقش آن در جلوگیری از مفاسد فردی و اجتماعی بحث می شود:

مطلب اول: تعریف صدق:

صدق در لغت از ماده (صدق) گرفته شده و ضد کذب یعنی دروغ است در عربی می گویند: صدقت القوم یعنی برایشان راست گفتم، صدق به راستی سخن و همچنان به راستی در محبت اطلاق می شود^۱.

صدق در اصطلاح چنین تعریف شده است:

۱- الصدق الوصف للمخبر عنه علی ما هو به^۲.

ترجمه: عبارت از بیان صفت واقعی چیزی است که از آن خبر داده می شود

2- الصدق مطابقة القول الضمير و المخبر عنه معا^۳.

ترجمه: صدق عبارت است از مطابقت سخن با ضمیر و مخبر عنه هر دو است.

ضد صدق کذب یعنی دروغ گفتن و دروغ گفتن در جامعه عامل مفاسد زیادی است، چنانچه پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- دروغ را نشانه نفاق گفته و می فرماید: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: «آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبًا، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ»^۴.

ترجمه: از ابوهریره -رضی الله عنه- روایت است که نبی اکرم -صلی الله علیه وسلم- فرمود: «نشانه منافق، سه چیز است: اول اینکه در صحبت های خود، دروغ می گوید. دوم اینکه خلاف وعده، عمل می کند. سوم اینکه در امانت، خیانت می کند.

زمانی که کذب و دروغگویی نشانه نفاق باشد این مفسده ضرورت به این دارد تا از بین برود و دفع شود و وسیله دفع آن گسترش صدق و راستی است به همین خاطر در مطلب بعدی به آن پرداخته می شود.

۱ ابن منظور، لسان العرب، (ج ۱۰ ص ۱۹۳) رازی، مختار الصحاح، (ص ۱۷۴).

۲ فیروز آبادی، القاموس المحيط، (ص: ۹۰۱).

۳-الأصفهانی، أبی القاسم حسین بن محمد بن راغب، المفردات فی غریب القرآن، مکتبه نزار مصطفی الباز، (ج: اول، ص: ۳۶۳).

۴ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۳۳.

مطلب دوم: آیات قرآن کریم در مورد صداقت:

در قرآن کریم به صداقت و راستکاری منحیث یکی از عوامل بزرگ برقراری امنیت و آسایش و عامل دفع مفاسد زیاد تاکید شده است که در ذیل برخی آیات مرتبط نقل می گردد:

۱- صدق یکی از صفات الله تعالی شمرده شده است چنانچه الله جل جلاله فرموده است: ﴿قُلْ صَدَقَ

اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾^۱.

بگو: خدا راست گفته است پس پیروی کنید دین ابراهیم را که موحد بود و نبود از مشرکان.

۲- صداقت یکی از صفات انبیاء شمرده شده است، الله تعالی فرموده است: ﴿وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ

إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا﴾^۲.

ترجمه: و یاد کن در کتاب ابراهیم را هر آینه او بود نهایت راست در گفتار و کردار پیغمبر.

۳- خداوند متعال کسانی را که راستگو و راستکار هستند توصیف نموده و فرموده است: ﴿مِنَ

الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا

تَبْدِيلًا﴾^۳.

ترجمه: در میان مؤمنان مردانی هستند که با خدا راست بوده اند در پیمانی که با او بسته اند. برخی پیمان خود بسر برده اند و برخی نیز در انتظار اند. آنان هیچ گونه تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود نداده اند.

۴- الله متعال به بندگان خویش تاکید می کند با صادقین و راستگویان یکجا باشند چنانچه فرموده است:

۱- سوره آل عمران آیه ۹۵.

۲- سوره مریم آیه ۴۱.

۳- سوره الأحزاب آیه ۲۳.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾^۱.

ترجمه: ای اهل ایمان، از خداوند پروا کنید و با مردان راستگوی با ایمان بپیوندید.

امام ابن کثیر (رحمه الله)^۲ در تفسیر این آیه می نویسد: «أَي: اصدقوا والزموا الصدق تكونوا مع أهله، وتنجوا من المهالك، ويجعل لكم فرجاً من أموركم ومخرجاً»^۳.

ترجمه: یعنی راست بگویید و صداقت را برخورد لازم بگردانید شما با اهل آن می باشید و از هلاکت ها نجات می یابید و خداوند به وسیله صدق برایتان گشایش و راه برون رفت قرار می دهد.

از آیات فوق اینطور نتیجه گرفته میشود که خداوند انبیای کرام را به صفت صداقت توصیف کرده است ، انبیاء در زندگی ما مسلمانان الگو هستند باید ما نیز از آنها پیروی کنیم و در تمام عرصه های زندگی خود از صداقت کار بگیریم ، و بخاطریکه الله تعالی برای صادقین بهشت را وعده داده است .

مطلب سوم: آثار و پیامد های صداقت در وقایه از مفاسد:

صداقت آثار زیادی در زندگی اجتماعی دارد و آثار آن فراتر از فرد و خانواده بوده شامل صداقت در سیاست ، تجارت، کار و فعالیت های اداری و غیره امور اجتماعی است، این اخلاق بزرگ نقش بزرگی در وقایه از مفاسد دارد که ذیلاً به برخی آن ها اشاره می شود:

الف: یکی از عوامل فساد عدم اطمینان و آرامش است و صداقت باعث اطمینان قلبی میشود بناءً در وقایه از مفاسدی که از طریق شک و ریب به میان آید نقش بزرگ دارد، چنانچه در حدیث آمده است که پیامبر اسلام-صلی الله علیه وسلم- فرموده است: **دع ما یریبک إلی ما لا یریبک فإن الصدق طمأنینة، والكذب ریبة**^۴.

^۱ سوره توبه آیه ۱۱۹.

^۲ ابن کثیر (رحمه الله): امام حافظ عمادالدین ،ابوالفداء،اسماعیل بن عمر بن کثیر بن ضوء بن کثیر بن زرع ،البصری ، الدمشقی الشافعی ،وقول راجح این است که تولد آن در سال ۷۰۰هـ بوده ووفات آن در در دمشق در ماه شعبان سال ۷۷۷هـ میباشد . پدر وی ابوحفص عمر یکی از جمله بی علمای برجسته بی منطقه خود در (بصری)بود و امام خطیب در منطقه خود بود وقتیکه پدرش وفات نمود عمر وی سه سال داشت ابن کثیر به دمشق رفت وتحصیل علوم پرداخت و سن اش خورد بود که قرآن کریم را حفظ کرد .وکتب فقه ،حدیث ،تفسیر ،تاریخ ولغت را فراگرفت . الاعلام للزرکلی (ج ۱ ص ۳۰۸).

^۳ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، (ج ۴ ص ۲۳۰).

^۴ - ترمذی ، ابو عیسی محمد بن عیسی ، سنن الترمذی ،(حکم حدیث:ترمذی گفت این و هذا حدیث حسن صحیح است ،شماره حدیث (۲۵۱۸).تحقیق : احمد شاکر، کتاب: صفة القيامة والرقائق والورع عن رسول الله (ص) ، باب: منه.

ترجمه: بگذار آنچیزی را که ترا به شک می اندازد و عمل کن به آن چیز که ترا به شک نمی اندازد، یقیناً صدق و راستی باعث ایجاد اطمینان می گردد و دروغ گفتن شک و تردید را به بار می آورد.

ب: هرگاه فرهنگ راستی در جامعه حاکم نشود فساد به اوج خود می رسد چنانچه در کتاب «الاخلاق الإسلامية» می نویسد: «كيف يوثق بالدعوى والشهادات ودلائل الإثبات القولية ما لم يكن الصدق أحد أسس التعامل بين الناس»^۱.

ترجمه: چگونه به دعوای و شهادت ها و همچنان به دلایل اثبات قولی اعتماد می شود تا زمانی که صدق و راستی یکی از اساسات تعامل در میان مردم قرار نگیرد.

ج: صدق و راستی نتایج مثبت زیاد دارد که باعث می شود عوامل فساد از بین برود قسمی که در «موسوعة الاخلاق» نوشته است: « فمن ابرز آثار الصدق على صاحبه و افراد المجتمع سلامة المعتقد، و البذل و التضحية لنصرة الدين، و الهمة العالية، و تلافى التقصير و استدراك التفريط، و حب الصالحين و صحبة الصادقين، و الثبات على الاستقامة، و حصول البركة فى المعاملات و الوفاء بالعهود»^۲.

ترجمه: از بارزترین آثار صداقت و راستی بر صاحب آن و همچنان بر افراد جامعه، سلامت اعتقاد، قربانی و فداکاری در راه نصرت دین، کسب همت عالی، تلافی کردن کوتاهی و تفريط، محبت صالحین و همراهی صادقین، ثبات و ایستادگی در راه راست، حصول برکت در معاملات و وفاء به معاهدات و پیمان ها است.

دروغ گفتن در جامعه عامل مفسد زیادی همچون از بین رفتن اعتماد، جنگ و نزاع میان مردم و دها مفسده دیگر از جمله نفاق است، چنانچه پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- دروغ را نشانه نفاق گفته و می فرماید: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: «آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبًا، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ»^۳.

ترجمه: از ابوهریره -رضی الله عنه- روایت است که نبی اکرم -صلی الله علیه وسلم- فرمود: «نشانه منافق، سه چیز است: اول اینکه در صحبت های خود، دروغ می گوید. دوم اینکه خلاف وعده،

^۱ میدانى، عبدالرحمن حبنكة، الاخلاق الإسلامية، (ج ۱ ص ۴۸۵).
^۲ مجموعة من الباحثين بإشراف عبد القادر السقاف، موسوعة الأخلاق الإسلامية، (ج ۱ ص ۸۰۰-۸۰۲).
^۳ صحيح البخارى، شماره حديث: ۳۳.

عمل می کند. سوم اینکه در امانت، خیانت می کند.

مبحث سوم: عفو و گذشت و نقش آن در وقایه از مفسد:

یکی از صفات اخلاق بزرگ در اسلام عفو و گذشت است که در این مبحث راجع به اهمیت و نقش آن در جلوگیری از مفسد فردی و اجتماعی بحث می شود:

مطلب اول: تعریف عفو:

کلمه عفو در لغت گذشت، بخشش و معذرت خواستن آمده است.^۱ و همچنان عفو به معنای اغماض، گذشت و چشم پوشی از خطا به شرطی که فرد هیچ گونه کینه ای نسبت به شخص خطا کار نداشته باشد و نیز در فکر انتقام گرفتن از او در آینده نباشد آن هم در موقعی که توانایی مجازات و انتقام از طرف مقابل را داشته باشد.^۲

پس گذشت به صورت موقتی و این که هدف فرد این باشد که در آینده انتقام آنرا میگیرد عفو محسوب نمی شود، همچنان گذشت و چشم پوشی که شخص در ظاهر آن اعلام دارد، اما در باطن نسبت به فرد خطاکار در دل بغض و کینه داشته باشد عفو نامیده نمی شود. اگر عفو که ناشی از ناتوانی و ضعف باشد عفو به معنی حقیقی آن نیست.^۳

فرق بین عفو و غفران: غفران تقاضای ساقط نمودن عذاب و دادن ثواب است، الله تعالی مومنان را مورد مغفرت قرار میدهد. غفران فقط در حق الله تعالی استفاده میشود ولی عفو باعث بخشش گناه و ملامتی میشود ولی ثواب را در پی ندارد، و در حق بنده نیز استفاده میشود، همچنان در عفو ساقط نمودن گناه است ولی در مغفرت پنهان نمودن گناه است و نجات دادن از عذاب بزرگ است.^۴

مطلب دوم: آیات قرآن کریم در مورد عفو:

در مورد عفو و گذشت و آثار و فواید آن آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که در ذیل برخی آن ها نقل می شود:

۱- رازی، مختار الصحاح، (ص ۷۶۱).

۲- ابن منظور، لسان العرب، (ج ۷ ص ۷۲).

۳- الحوفی، احمد محمد، مترجم: کریمی، جمیل زند، جلوه های از اخلاق پیامبر (صلی علیه وسلم)، ناشر: آراس، طبع: اول، سال طبع: ۱۳۸۸ هجری شمسی، ص: (۳۵۱).

۴- مجموعة من العلماء، موسوعة نضرة نعیم فی أخلاق الرسول الکریم (صلی الله علیه و سلم)، ناشر: دار الوسيلة للنشر و التوزیع، سال طبع: ۱۹۹۸ م، طبع: اول، (ص ۲۸۹۲).

1- عفو صفت الله تعالى است قسمی که آیه قرآن در این مورد تصریح فرموده است: ﴿فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ

أَنْ يَغْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا﴾^۱.

ترجمه: پس امید است که خداوند از آنان درگذرد و خداوند بس عفو کننده و آمرزنده است.

همچنان در جای دیگر می فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا

تَفْعَلُونَ﴾^۲.

ترجمه: تنها خدا است که توبه را از بندگان می پذیرد و گناهان را می بخشد، و آنچه را انجام دهید میداند.

2- عفو و گذشت باعث کسب اجر بزرگ الهی می شود چنانچه الله متعال فرموده است: ﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ

سَيِّئَةٍ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾^۳.

ترجمه: سزای بدی بدی است مانند آن پس کسیکه عفو کند و صلح کند پس اجر او بر الله است هر آینه الله دوست نمی دارد ظالمان را.

در آیه فوق خداوند متعال می فرماید که هرکس ببخشد و صلح و صفا ایجاد کند، پاداش او بر خداوند است و به او پاداش بزرگی می دهد. و خداوند برای عفو و گذشت، اصلاح را شرط نموده است تا بر این دلالت نماید که اگر گناهکار شایسته آن نباشد که از وی گذشت شود و عفو گردد، و مصلحت شرعی نیز مقتضی آن بود که کیفر داده شود، در این صورت گذشت و بخشش چیزی نیست که شرع به انجام دادن آن امر کرده باشد. وقتی خداوند بیان نمود که پاداش عفو کننده بر خداست این امر مردم را به عفو و گذشت تشویق می نماید و اینکه بنده با مردم همان رفتاری را بکند که دوست دارد خداوند با او این رفتار را انجام دهد. پس همان طور که دوست دارد خداوند او را عفو کند او نیز مردم را عفو کند و ببخشد. و همان طور که دوست دارد خداوند از او درگذرد و چشم پوشی کند او نیز از مردم چشم پوشی کند، چرا که پاداش و

۱ - سوره النساء آیه ۹۹ .
۲ - سوره: الشوری / ۲۵ .
۳ - سوره الشوری آیه ۴۰ .

کیفر از نوع عملی است که انسان انجام می دهد.^۱

مطلب سوم: آثار و پیامد های عفو در وقایه از مفساد:

عفو و گذشت آثار زیادی در وقایه از وقوع در مفساد در زندگی انسان دارد که به چند موارد آن در اینجا اشاره می شود:

1- خشم و غضب از اسباب و عوامل بزرگ فساد در جامعه است و عفو و بخشش سبب می شود که انسان از وقوع در این مفسده خلاص شود به همین خاطر الله متعال در قرآن کریم صفت بندگانش را ترک گناه و بخشش هنگام خشم و غضب عنوان کرده است چنانچه می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشِ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ﴾^۲.

ترجمه: و کسانی که پرهیز میکنند از گناهان کبیره و بی حیائی ها و چون به خشم می آیند ایشان می بخشند و گذشت می کنند.

2- گاهی وقوع در مفساد از پست همتی انسان می شود و عفو و گذشت از صفات عالی است که می تواند به انسان همت عالی ببخشد تا با داشتن چنین صفت در مفساد و مهلکات خود را نیندازد چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾^۳.

ترجمه: البته هر که صبر کند و درگذرد هر آینه این صبر و عفو از امور مطلوب و بالا است.

3- یکی از عوامل فساد در جامعه عدم تقوا و پرهیزگاری است و از نگاه قرآن کریم عفو و گذشت سبب نزدیک شدن به تقوی می شود، قسمی که الله تعالی به عفو و گذشت تشویق نموده و فرموده است: ﴿وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ﴾^۴.

ترجمه: و اینکه ببخشید، این کار نزدیکتر است به پرهیزگاری و در میان خود نیکی را فراموش نکنید.

۱ - سعدی، تفسیر الکریم الرحمن (ج ۲ ص ۲۵۷).

۲ - سوره الشوری آیه ۳۷.

۳ - سوره الشوری آیه ۴۳.

۴ - سوره البقره آیه ۲۳۷.

از آیه فوق معلوم می شود که عفو و گذشت سبب از رفتن مفسده کدورت می شود چنانچه سید قطب در ذیل تفسیر این آیه می گوید: « در این درس ما با گوشه ای از قانون خانواده آشنا می شویم گوشه ای از تنظیم اصل استواری که گروه مسلمانان بر آن ماندگار و جامعه اسلامی بر آن پایدار می گردد. همان اصلی که اسلام سخت بدان اهتمام ورزیده و از هر نظر در رعایت آن کوشیده و تلاش بی امان و کوشش فراوانی را صرف تنظیم و نگهداری و از بین بردن هرج و مرج جاهلیت کرده است، نظام اجتماعی اسلامی، یک نظام خانوادگی است، در ضمن اینکه یک نظام ربّانی برای انسان است. در این نظام همه ویژگیهای سرشت انسانی و نیازها و آرزوها و شرایط و ارکان آن در نظر گرفته شده است و مهم ترین ویژگی این نظام تقویه روحیه عفو و گذشت است که باعث از بین رفتن ده ها بی نظمی و هرج و مرج می شود^۱.

4- از عامل دیگر فساد اضطراب و پریشانی است و آثار فردی عفو و گذشت این است که باعث کاهش اضطراب، افسردگی، عصبانیت در فرد میشود و باعث میشود که فرد اعتماد کامل بالای خود داشته باشد، بنا بر این گفته میتوانیم که خشم و خشونت یگانه عامل افزایش امراض روانی و جسمانی است، عفو و گذشت یگانه راهی برای سلامت جسمی و روانی تجویز شده است و کسیکه زیاد عفو و گذشت میکند سبب راحتی نفسش میشود^۲.

5- عداوت و دشمنی در میان انسان ها یکی از مفاصد بزرگ است و عفو سبب تبدیلی دشمنی به دوستی میشود، معمولا هرگاه کسی بدی کند در مقابل انتظار بالمثل را از جانب مقابل دارد، ولی اگر جانب مقابل برخورد نیک همایش نماید طبعاً طوفانی در وجودش برپا میشود و وجدانش بیدار میشود و برای طرف مقابل شخصیت بزرگی قائل میشود، این جا است که سردی تنفر و کینه به گرمی محبت و صمیمیت تبدیل میشود و این از آثار مهم عفو و گذشت است به همین خاطر الله تعالی در قرآن کریم فرموده است: ﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾^۳.

ترجمه: برابر نیست نیکی و نه بدی دفع کن بدی را به آنچه که آن بهتر است پس ناگهان آنکس که میان

^۱ سید قطب، فی ظلال القرآن (ج ۴ ص ۸۸).

^۲ - صالح بن عبدالله و عبدالرحمن بن محمد، موسوعة نضرة نعيم، (ج ۱ ص ۲۹۱۰).

^۳ - سوره فصلت آیه ۳۴.

تو و میان او دشمنی است گویا که او دوست قریب است.

از آیه فوق معلوم می شود که دفع بدی بوسیله نیکی باعث از بین رفتن دشمنی که یکی از مفسد بزرگ در جامعه را تشکیل می دهد، می شود چنانچه امام ابن کثیر (رحمه الله) می گوید: «در قرآن همین سه آیه به این معنا است و آیه ی چهارمی وجود ندارد، پیام آیات این است که خداوند دستور می دهد به دشمن از نوع انسان خوبی شود تا او را به طبع پاکش برگردانند و برای این کار رعایت اصل دوستی و گذشت لازم است و نیز دستور می دهد که از دشمن شیطانی ناگزیر باید به خداوند متعال پناه ببرند، چرا که در این دشمن نیکی و خوبی تأثیرگذار نیست و تنها به دنبال نابودی انسانها است و بس. و چون میزان دشمنی بین شیطان و انسان از پیش زیاد بوده است»^۱.

مبحث چهارم: اخلاص و نقش آن در وقایه از مفساد:

یکی از صفات اخلاق بزرگ در اسلام اخلاص است که در این مبحث راجع به اهمیت و نقش آن در جلوگیری از مفساد فردی و اجتماعی بحث می شود:

مطلب اول: تعریف اخلاص

اخلاص در لغت از لفظ خلص یخلص خلوصا گرفته شده است به معنای خلوص و پاکی است^۲.

اخلاص در اصطلاح چنین تعریف شده است: **تخلص القلب عن شائبة الشوب المکدر لصفائه** ، و تحقیقه أن کل شی ی تصور آن یشوبه غیره فاذا صفا عن شوبه و خلص عنه یسمى خالصا و یسمى الفعل المخلص اخلاصا^۳.

ترجمه: اخلاص عبارت از پاک کردن دل از تمام آن چیزهائیکه پاکی اش را خراب بسازد ، یعنی هر چیزیکه به خلط شدن چیزی دیگر خراب میشود ، و قتیکه از آن پاک نگاه شود ، آن را خالص گفته میشود ، و کار خالص کننده را اخلاص میگویند.

منظور از اخلاص این است که انسان کاری که برای خداوند انجام می دهد، از آن نه شهرت می خواهد، نه ستایش و خشنودی مردم را می خواهد. حتی ترجیح می دهد که گمنام و مشهور نشود. نهانی

۱ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، (ج ۵ ص ۳۰۵).

۲ ابن منظور، لسان العرب، (ج ۲ ص ۱۴۳).

۳ - الجرجانی ، علی بن محمد السید الشریف ، التعریفات ، (ص ۱۴) .

کار کند و کارهایش آشکار نگردد، تا از ریا برکنار بماند، و خود را از لغزشگاه های شرک خفی بدور نگاهدارد. آرزومند آن است که از کسانی باشد که خدا آنان را دوست دارد. از آن نیکان گمنام که هرگاه حاضر شوند شناخته نشوند، و هرگاه غایب باشند، کسی سراغ شان را نگیرد، اصرار دارد که در حکم ریشه درخت باشد، و در دل زمین، دور از چشم ها، به تغذیه درخت سرگرم بماند. دوست دارد که در حکم پایه ساختمان باشد، در ژرفنای زمین پنهان باشد، اما ساختمان بر روی شانه های او استوار و با تکیه بر او از ویرانی در امان بماند.^۱

مطلب دوم: آیات قرآن کریم در مورد اخلاص:

در مورد اخلاص و آثار و فواید آن آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که در ذیل برخی آن ها نقل می شود:

1- خداوند به عبادت خالصانه امر کرده است چنانچه الله -جل جلاله- فرموده است: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا

لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ﴾^۲.

ترجمه: و فرمان نیافتند جز آن که خدا را مخلصانه و حق گرایانه بپرستند و نماز را برپای دارند و زکات را بپردازند و این است آئین راستین.

2- خداوند متعال تمام آنچه که در قلب انسان می گذرد می داند بناءً باید اعمال و کارها مخلصانه باشد،

قسمی که الله متعال می فرماید: ﴿قُلْ إِنْ تَخْفَوْنَ مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمَهُ اللَّهُ﴾^۳.

ترجمه: بگو! اگر آنچه را که در دلهای تان است پنهان نمایید و یا آشکار سازید الله آنرا میداند.

3- اخلاص سبب کسب ایمان و شامل شدن در جمع مومنین می شود چنانچه الله متعال فرموده است:

﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِ

^۱ قرضاوی، نقش ایمان در زندگی، طبع، نشر احسان، تهران، (ج ۱ ص ۴۶۴).

^۲ - سوره البینه آیه ۵ .

^۳ - سوره آل عمران آیه ۲۹ .

اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا^۱.

ترجمه: به جز کسانی که توبه کردند و خود را اصلاح نمودند و به دین خدا چنگ زدند و آنین خود را خالصانه برای خدا قرار دادند، پس ایشان با مؤمنانند و خداوند پاداشی بزرگ به مؤمنان خواهد داد.

از آیه فوق معلوم می شود که اعتصام و اخلاص را به طور ویژه اجر و تاثیرات فوق العاده دارند، با اینکه اعتصام و اخلاص در جمله داخل است، زیرا اعتصام و اخلاص بخشی از اصلاح و خودسازی است، چون مومن شدیداً به توشه اعتصام و اخلاص نیاز دارد، به ویژه در این مقام دشوار که نفاق در دلها جای گرفته است و جز با اعتصام و چنگ زدن به خدا و پناه بردن به وی و دراز کردن دست نیاز به سوی او نمی توان آن را از بین برد. و اخلاص کاملاً با نفاق متضاد است، پس اعتصام و اخلاص را بیان کرد چون دارای فضیلت و برتری هستند، و اعمال ظاهر و باطن به آن دو بستگی دارد، و در این مقام به شدت به این دو امر نیاز است^۲.

4- خداوند متعال به اخلاص در دعا امر کرده است چنانچه می فرماید: ﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا

وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ^۳.

ترجمه: بگو! پروردگارم به عدالت نمودن فرمان داده است و دستور او این است که در هر عبادتی رو به خدا کنید و از وی مخلصانه اطاعت نمائید و او را صادقانه بپرستید و او همان گونه که شما را در آغاز آفریده است، به همان گونه شما را به سادگی پس از مرگ زنده میکند و به سوی وی برمی گردید.

مطلب سوم: آثار و پیامد های اخلاص در وقایه از مفساد:

اخلاص آثار زیادی در وقایه از وقوع در مفساد در زندگی انسان دارد که به چندی آن در اینجا اشاره می شود:

۱- اخلاص سبب می شود تا بزرگ ترین مفسده در جامعه بشری که عبارت از شرک است از بین

۱- سوره النساء آیه ۱۴۶ .
۲ ابن عاشور، التحرير و التنوير، (ج ۱ ص ۷۴۶)، سعدی، تيسير الكريم الرحمن، (ج ۲ ص ۳۳۲)، ابوسعود، ارشاد العقل السليم، (ج ۴ ص ۲۶۷).
۳- سوره اعراف آیه ۲۹ .

برود، چنانچه الله متعال شرک را گناهی گفته است که بخشش نمی شود: **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا**^۱.

ترجمه: بی گمان خداوند (کسی را) نمی آمرزد که به او شرک ورزد، و پایین تر از آن را بر هرکس که بخواهد می آمرزد، و هرکس به خدا شرک ورزد، به راستی بسی گمراه گشته است.
معلوم است که یگانه راه حل مفاسد شرک، اخلاص و توحید است.

۲- ریاکاری از جمله مفسده بزرگ دیگر است که باعث نابود شدن اعمال می شود و اخلاص سبب می شود که مفاسد حاصله از آن دفع شود، چنانچه الله متعال در مورد انفاق فرموده است: **إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا**^۲.

ترجمه: ما شما را فقط برای رضایت خداوند خوراک می دهیم و از شما پاداش مالی نمی خواهیم و همچنین از شما نمی خواهیم که ما را تعریف و تمجید کنید.

پس مسلمانان با اخلاص و بدون ریاکاری بذل و بخشش خود را برای پاداش دریافت کردن و مزد گرفتن از کسی از بندگان، و برای سپاسگزاری ایشان، و برای برتری گرفتن و والایی یافتن بر نیازمندان، و برای خودستایی و بزرگ نمایی، انجام نمی دهند و این اخلاص است که باعث می شود ریاکاری از بین برود و عمل خالص برای خداوند انجام پذیرد^۳.

عدم اخلاص در کار باعث نشر فساد در جامعه می شود اما وجود آن که مرکز آن قلب است باعث می شود تا افراد اصلاح شوند و از این طریق جامعه نیز اصلاح شود، چنانچه شیخ الاسلام ابن تیمیه (رحمه الله)^۴ می گوید: اعمال ظاهری جز به وسیله عمل قلب صالح و مقبول نمی گردد، همانا قلب مانند پادشاه و اعضای آن مانند سربازان هستند، هنگامیکه قلب فاسد شود سربازان نیز فاسد می شوند و برای همین است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: **ان فی الجسد مضغة اذا صلحت صلح الجسد كله و اذا فسدت**

۱ سوره نساء آیه ۴۸.

۲ سوره انسان آیه ۹.

۳ ابن عاشور، التحرير و التنوير، (ج ۲۹ ص ۳۸۵). فی ظلال القرآن (ج ۶ ص ۴۳۲). رازی، مفاتیح الغیب، (ج ۳۰، ص ۷۴۸).

۴ - ابو العباس تقی الدین احمد بن عبدالحلیم ابن مجدالدین عبدالسلام الحرائی؛ عالم سلفی مجتهد تاثیرگذار در اندیشه های اسلامی، در سال (۶۶۱ ق) در حران به دنیا آمده است. و در سال (۷۲۸ ق) وفات نموده است. الزرکلی، خیر الدین بن محمود بن محمد بن علی بن فارس، الاعلام، جز: ۱، (ص ۱۴۴).

فَسَدُ الْجَسَدِ كُلُّهُ إِلَّا وَهِيَ الْقَلْبُ^۱.

ترجمه: در جسم یک پاره گوشتی وجود دارد؛ هر گاه اصلاح آن شود تمام جسم اصلاح میشود و هرگاه آن فاسد شود تمام جسم فاسد میگردد؛ بدانید و آگاه باشید که آن قلب است.

مبحث پنجم: تواضع و نقش آن در وقایه از مفاسد:

یکی از صفات اخلاق بزرگ در اسلام تواضع است که در این مبحث راجع به اهمیت و نقش آن در جلوگیری از مفاسد فردی و اجتماعی بحث می شود:

مطلب اول: تعریف تواضع:

تواضع از ماده (وضع) گرفته شده، و به معنای پائین بودن یک چیز است، تواضع به وزن تفاعل است اظهار نمودن فروتنی و خود را ذلیل ساختن معنی میدهد^۲.

تواضع در اصطلاح چنین تعریف شده است:

۱- التَّوَّاضِعُ هُوَ تَرْكُ التَّرْوُسِ، وَإِظْهَارُ الْخُمُولِ، وَكَرَاهِيَةُ التَّعْظِيمِ، وَالزِّيَادَةُ فِي الْإِكْرَامِ، وَأَنْ يَتَجَنَّبَ الْإِنْسَانُ الْمَبَاهَاةَ بِمَا فِيهِ مِنَ الْفَضَائِلِ، وَالْمَفَاخِرَةَ بِالْجَاهِ وَالْمَالِ، وَأَنْ يَتَحَرَّرَ مِنَ الْإِعْجَابِ وَالْكَبْرِ^۳.

ترجمه: تواضع عبارت است از ترک سردمداری، اظهار فروتنی، کراهیت بزرگ بینی و زیاده خواهی عزت و اکرام و اینکه انسان از افتخار کردن به فضایل و همچنان به مال و جاه پرهیز کند و اینکه از از خود بینی و تکبر دوری کند.

۲- رِضَا الْإِنْسَانِ بِمَنْزَلَةِ دُونِ مَا يَسْتَحِقُّهُ فَضْلُهُ وَمَنْزَلَتُهُ. وَهُوَ وَسْطُ بَيْنِ الْكِبْرِ وَالضُّعْفَةِ، فَالضُّعْفَةُ وَضْعُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ مَكَانًا يَزِيْرِي بِهِ بِتَضْيِيعِ حَقِّهِ وَالْكَبْرِ رَفْعَ نَفْسِهِ فَوْقَ قَدْرِهِ^۴.

ترجمه: تواضع عبارت است از رضایت انسان به منزله ی پایین تر از آنچه که فضل و منزلتش مستحق آن است و این درجه در میان کبر و ضعه قرار دارد زیرا ضعه عبارت از گذاشتن نفس در جایی است

۱ - البخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، کتاب: الإیمان، باب: فضل من استبرأ الدینه، شماره حدیث: ۵۲.

۲ زبیدی، تاج العروس، (ج ۲۲ ص ۳۴۳).

۳ جاحظ، تهذیب الاخلاق، موقع الوراق، المكتبة الشاملة، اصدار ۳۰۳۲ (ص ۲۵).

۴ اصفهانی، راغب حسین بن محمد، الذریعة إلى مکارم الشریعة، دار الکتب المصریة- القاهرة، الطبعة: الثانية، ۱۳۸۴ (ص ۲۹۹).

انسان خود را با گذشتن از حق پایین می آرد و کبر بلند کردن نفس بالا تر از قدرش است.

۳- إظهار التَّنَزُّلِ عَنِ الْمَرْتَبَةِ لِمَنْ يَرَادُ تَعْظِيمُهُ^۱.

تواضع عبارت از این است که انسان مرتبه خود را برای کسی که می خواهد او را تعظیم کند، پایین بیاورد.

مطلب دوم: آیات قرآن کریم در مورد تواضع:

در مورد تواضع و آثار و فواید آن آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که در ذیل برخی آن ها نقل می شود:

۱- تواضع در قرآن کریم از صفات پیامبران شمرده شده است چنانچه الله تعالی فرموده است: ﴿لَا تَمُدَّنَّ

عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ^۲﴾.

ترجمه: باز مکن دو چشم خود را بسوی آنچه بهره مند ساخته ایم به آن جماعت های از کافران ، و اندوه ناک مشو برایشان و پست کن بازوی خود را برای مؤمنان.

امام قرطبی (رحمه الله)^۳ در تفسیر این آیه گفته است: «أَيُّ أَلِنِ جَانِبِكَ لِمَنْ آمَنَ بِكَ، وَتَوَاضَعْ لَهُمْ^۴». یعنی طرف خود را برای کسانی که ایمان آورده اند نرم کن و در مقابل آنان تواضع کن.

۲- همچنان خداوند مسلمان را به تواضع در برابر والدین امر کرده و گفته است: ﴿وَخَفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ

الدُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا^۵﴾.

ترجمه: و بال تواضع مهربانی را برایشان فرود آور و بگو: پروردگارا ! ببخشا برای شان همان گونه

۱- عسقلانی ، احمد بن علی بن حجر ابو الفضل، فتح الباری شرح صحیح البخاری، س ط: ۱۳۷۹، دار المعرفة، بیروت (ج ۱۱ ص ۳۴۱).

۲- سوره حجر آیه ۸۸.

۳- امام قرطبی -رحمه الله-: ابو عبدالله، محمد بن احمد بن ابوبکر بن قُرْح انصاری خزرجی اندلسی امام امام قرطبی -رحمه الله-، یکی از امامان بزرگ تفسیر است که در قرن هفتم می زیست. تاریخ تولد او ذکر نشده، اما برخی گفته اند او در آغاز قرن هفتم هجری (میان سال های ۶۰۰ تا ۶۱۰ هجری) در قرطبه دیده به جهان گشود اما وفات او را سال ۶۷۱ ق می گویند. تالیفات امام امام قرطبی -رحمه الله- بسیار اند از جمله: «الجامع لأحكام القرآن» «التذكرة في أحوال الموتى و امور الآخرة»، «التذكار في فضل الإنكار» که به چاپ رسیده است. (مشهور، حسن محمود سلمان، الامام القرطبي رحمه الله- شيخ انمه التفسير، (ج ۱، ص ۱۸۷ - ۲۳۷)، دمشق ۱۴۱۳/۱۹۹۳).

۴- امام قرطبی رحمه الله- ، أبي عبدالله محمد بن أحمد القرطبي (۱۳۷۲ هـ - ۱۹۵۲ م.) الجامع لأحكام القرآن، دار الكتب المصرية- القاهرة، الطبعة: الثانية، ۱۳۸۴ هـ. (ج ۱۰ ص ۵۶).

۵- سوره اسراء آیه ۲۴.

که آنان در کوچکی مرا تربیت و بزرگ کردند .

داشتن صفت تواضع یکی از راهکارهای مهم برای وقایه از مفاسد است و هرگاه این اخلاق بزرگ از طریق تعلیم و تربیه درست در میان افراد جامعه تقویه گردد، میزان جرم و جنایت کاهش پیدا می کند.

3- خداوند متعال از کبر و خود بزرگ بینی و رفتار متکبرانه منع نموده است و این به معنای تشویق به تواضع و فروتنی است چنانچه می فرماید: ﴿وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ

الْجِبَالَ طُولًا﴾^۱.

ترجمه: و مرو در زمین خرامان هر آینه تو نخواهی شگافت زمین را و نرسی به کوه ها در درازی.

4- همچنان الله متعال فرموده است: ﴿وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ

كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾^۲.

ترجمه: و متاب رخسار خود را از طرف مردمان و مرو در زمین خرامان هر آینه خدا دوست نمی دارد هر نازنده خود ستا را .

۵- کسانی که تواضع می کنند از جمله عبادالرحمن محسوب شده اند چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَعِبَادُ

الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾^۳.

ترجمه: و بندگان خاص خدای رحمان آنان هستند که بر روی زمین به تواضع و فروتنی راه روند و هرگاه مردم جاهل به آنها خطاب (و عتابی) کنند با سلامت نفس (و زبان خوش) جواب دهند.

مطلب سوم: آثار و پیامد های تواضع در وقایه از مفاسد:

آثار تواضع در وقایه از وقوع در مفاسد در اینجا اشاره می شود:

1- کبر و غرور که ضد تواضع است از بزرگ ترین مفاسد به شمار می رود و تواضع باعث می شود که تمام مفاسدی که از کبر و غرور نشئت می کنند از بین برود و تواضع سبب می شود که مردم به حق

۱ - سوره اسراء آیه ۳۷ .

۲ سوره لقمان آیه ۱۸ .

۳ سوره فرقان آیه ۶۳ .

روی بیاورند و از فساد دست بکشند^۱.

2- همچنان تواضع سبب می شود که انسان به اصل خود تفکر کند و از این طریق غرور و تکبر که عامل فساد در جامعه است بشکند چنانچه الله متعال در این مورد می گوید: ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ *

خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ﴾^۲.

ترجمه: پس انسان مغرور باید بنگرد که از چه آفریده شده است؟ از آب نطفه جهنده ای خلقت گردیده.

3- تواضع باعث می شود تا تمام انواع کینه و کدورت ها که عامل اکثر مفاصد در جامعه هستند از بین برود چنانچه ابن حجر عسقلانی (رحمه الله)^۳ گفته است: «التَّوَّاضُعُ فِيهِ مَصْلَحَةُ الدِّينِ وَالدُّنْيَا، وَيُزِيلُ الشَّحْنَاءَ بَيْنَ النَّاسِ، وَيُرِيحُ مِنَ تَعَبِ الْمَبَاهَاةِ وَالْمَفَاخِرَةِ»^۴.

ترجمه: در تواضع مصلحت دین و دنیا است و کینه و کدورت را در میان مردم از بین می برد و انسان را از سختی ها و مشکلات افتخار کردن آسوده می سازد.

4- تواضع باعث کسب سلامتی فرد و جامعه و نجات از مفاصد بزرگ اخلاقی مانند حسد، دشمنی، اختلاف و جنگ می شود و باعث می گردد تا صلح و آرامش و محبت و صمیمیت در میان مردم منتشر شود و سبب می شود تا پیروزی برای انسان متحقق و ناکامی از بین برود^۵. چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۶.

ترجمه: ما این دار (بهشت ابدی) آخرت را برای آنان که در زمین اراده علو و فساد و سرکشی ندارند مخصوص می گردانیم و حسن عاقبت خاص پرهیزکاران است.

5- تواضع باعث بلند شدن مرتبه و درجه انسان در میان مردم می شود برخلاف کسانی که فکر می کنند تواضع باعث کسر شان انسان می گردد، چنانچه در حدیث آمده است: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ (رَضِيَ اللَّهُ

^۱ حسن مرسی، الاخلاق الإسلامية، (ص ۲۰۹)

^۲ سوره طارق آیه ۵ و ۶.

^۳ حافظ ابن حجر: وی شیخ الاسلام قاضی القضاة شهاب الدین ابوالفضل احمد بن علی بن محمد بن محمد بن محمد عسقلانی شافعی است، از کودکی به آموزش حدیث پرداخت و در همه متون حدیث ماهر گشت و از همه مردمان زمانه اش حافظ تر بود. ابن حجر در سال ۸۵۲ وفات کرد. بیش از صد تالیف در فنون حدیث دارد. از جمله: فتح الباری شرح صحیح البخاری، تهذیب التهذیب، تقریب التقریب، الاصابه، الدرر الكامنه. سیوطی، طبقات الحفاظ، (ص ۵۵۲).

^۴ عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری، (ج ۱۱ ص ۳۴۱).

^۵ مجموعه من الباحثین بإشراف عبد القادر السقاف، موسوعة الأخلاق الإسلامية، (ج ۱ ص ۳۰۸).

^۶ سوره قصص آیه ۸۳.

عنه) عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: « ما نقصت صدقة من مال وما زاد الله عبدا بعفو إلا عزا وما تواضع أحد لله إلا رفعه الله »^۱

ترجمه : از ابوهريره (رضی الله عنه) روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: صدقه دادن مال را کم نمی کند و خداوند متعال به عفو و بخشش بنده خود را ارجمند میکند و کسیکه تواضع کند بخاطر الله ؛ خداوند مقام او را بالا میکند.

۶- تواضع باعث می شود تا افتراق و پراگندگی از بین برود و هرگاه قائد و رهبر مسلمانان از صفت تواضع برخوردار باشد مردم در اطراف او جمع می شوند و از او اطاعت می کنند و اگر چنین نباشد مردم نافرمانی خواهند کرد چنانچه بر این مطلب این آیه صراحتاً اشاره دارد: **فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَا وَكُنْتَ قَطًّا عَظِيمًا لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ**^۲.
ترجمه: پس به سبب رحمتی از جانب خدا برایشان مهربان شده ای، و اگر تندخو و سنگدل بودی آنان از اطراف تو پراکنده و متفرق می شدند. پس آنان را ببخش، و برایشان طلب آمرزش کن، و در کارها با آنان مشورت نما.

شکی نیست که این اخلاق پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - بود، که کامل ترین اخلاق می باشد. و با برخورداری از این اخلاق منافع بزرگی به دست می آید، و زیانهای زیادی از آدمی دور می شود. پس آیا کسی که به خدا و پیامبرش ایمان دارد و ادعای پیروی از پیامبر را می نماید شایسته است که اخلاقش تند و درشت، و سنگدل باشد، و سخنان زشت و نفرت انگیز بر زبان براند؟! و اگر معصیت و گناهی از مسلمانی سر بزند یا نوعی بی ادبی بکند، با وی طع رابطه نماید، و از او متنفر شود و هیچ نرمش و ادبی نداشته باشد؟! و از این طرز رفتار مفساد، زیادی به وجود آمده و منافع کثیری از بین رفته است که خدا می داند! با وجود این کسانی یافت می شوند که هر کس را که متصف به صفت های پیامبر باشد تحقیر می کنند و بسا او را به نفاق و سازش متهم نموده و خودش را والا مقام جلوه داده و از کار خود راضی، و دچار خودپسندی می شوند^۳.

۱ - نیشاپوری ، مسلم بن حجاج ، صحیح مسلم ، کتاب : البر والصلة والآداب ، باب: استحباب العفو و التواضع ، شماره حدیث : ۲۵۸۸.

۲ - سوره آل عمران آیه ۱۵۹.

۳ - سیدقطب، فی ظلال القرآن (ج ۲ ص ۸۳) سعدی، تیسیر الکریم الرحمن، (ج ۷ ص ۳۷۴).

مبحث ششم: وفاء به عهد و نقش آن در وقایه از مفسد:

یکی از صفات اخلاق بزرگ در اسلام وفاء است که در این مبحث راجع به اهمیت و نقش آن در جلوگیری از مفسد فردی و اجتماعی بحث می شود:

مطلب اول: تعریف وفاء به عهد و انواع عهد و پیمان:

وفاء در لغت به معنای حفاظت و نگهداری و پوره کردن وعده آمده است چنانچه در تاج العروس می نویسد: «**وفی الرجل وفاء إذا تم العهد و لم ينقض حفظه**»^۱.

ترجمه: مرد وفا کرد یعنی زمانی که عهدش را پوره کند و حفظ آن را نشکست.

وفاء در اصطلاح: به قرارداد ها و پیمان های که باید آنها را حفظ کرد و دقیقاً رعایت نمود عهد گفته میشود^۲.

در مورد فرق میان وفاء و صدق در کتب لغت چنین آمده است: «**الوفاء قد يكون الفعل دون القول، ولا يكون الصدق إلا في القول؛ لأنه نوع من أنواع الخبر، والخبر قول**»^۳.

ترجمه: وفاء گاهی به سبب فعل صورت می گیرد بدون قول اما صدق تنها قولی می باشد زیرا صدق نوعی از خبر است و خبر قول است.

مطلب دوم: آیات قرآن کریم در مورد وفاء:

در مورد وفاء و آثار و فواید آن آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که در ذیل برخی آن ها نقل می شود:

1- وفا به عهد و پیمان از صفات مؤمنین است قسمی که خداوند متعال فرموده است: ﴿**وَالَّذِينَ هُمْ**

لَأْمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾^۴.

۱ - زبیدی: محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، مکتبه الحیاء، بیروت- لبنان. (ص ۶۸۵).

۲ - الجرجانی، علی بن محمد السید الشریف، التعریفات، ص: (۱۳۴).

۳ - عسکری، ابو هلال، الفروق اللغویة، مؤسسة الرسالة، بیروت، لبنان، (ص ۱۹۴).

۴ - سوره مومنون آیه ۸.

ترجمه: و آنها که امانتها و عهد خود را مراعات میکند.

2- و فاء به عهد یک مسئولیت است و مورد بازپرس خداوند قرار می گیرد قسمی که خداوند متعال فرموده است: ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾^۱.

ترجمه: به عهد خود وفا کنید یقیناً از عهد سوال میشود.

3- مومنان به وفاء عهد و پیمان مکلف و مامور هستند قسمی که خداوند متعال فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾^۲.

ترجمه: ای مؤمنان! به پیمانها و قراردادها وفا کنید.

4- مسلمانان حتی به وفا به عهد و پیمان در برابر مشرکان و کفار نیز مامور هستند تا از آن مخالفت نکنند، قسمی که خداوند متعال فرموده است: ﴿إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾^۳.

ترجمه: مگر آنانی که پیمان کرده اید با ایشان از مشرکین باز کمی نکردند بشما هیچ چیز و مدد نکردند بر شما کسی را پس تمام کنید با ایشان پیمان شانرا تا مدت مقرر شان بیشک الله دوست دارد پرهیزگاران را.

5- وفا به عهد و پیمان باعث کسب محبت خداوند و رسیدن به مقام تقوا می شود قسمی که خداوند متعال فرموده است: ﴿بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾^۴.

ترجمه: آری! کسی که به عهد و پیمان خود وفا کند و پرهیزگاری نماید، پس یقیناً خداوند پرهیزگاران را دوست میدارد.

۱- سوره الاسراء آیه ۳۴.

۲- سوره المائده آیه ۱.

۳- سوره توبه آیه ۴.

۴- سوره آل عمران آیه ۷۶.

مطلب سوم: آثار و پیامد های وفاء در وقایه از مفساد:

وفاء آثار زیادی در وقایه از وقوع در مفساد در زندگی انسان دارد که به چند موارد آن در اینجا اشاره می شود:

۱- مهمترین سرمایه یک جامعه اعتمادی است که افراد به یکدیگر دارند و هرچیز که این اعتماد و همبستگی را تقویت کند مایه سعادت و پیشرفت جامعه است و هرچیز یکه به آن لطمه بزند عامل شکست و بدبختی است ، از مهمترین اموری که اعتماد عمومی و خصوصی را شگوفا می کند وفا به عهد و پیمان است که از فضایل مهم اخلاقی محسوب میشود ، و برعکس پیمان شکنی از بدترین رذایل اخلاقی است ^۱.

2- از بزرگ ترین مفساد در جامعه نفاق است و با وفا کردن به عهد انسان از این مفسده بزرگ نجات می یابد چنانچه در حدیث آمده است: **عن أبي هريرة (رضی الله عنه) عن النبي صلی الله علیه و سلم قال: آية المنافق ثلاث إذا حدث كذب وإذا وعد أخلف وإذا أوتمن خان** ^۲.

ترجمه : ابوهریره (رضی الله عنه) میگوید : رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: نشانه ی منافق سه چیز است : هنگام سخن گفتن دروغ میگوید ؛ و چون وعده میدهد خلف وعده میکند ؛ و هرگاه امانتی به او بسپارند در امانت خیانت می نماید.

6- نقض عهد باعث گرم شدن اختلاف و جنگ میان مردم می شود به همین خاطر الله متعال از شکستن عهد نهی کرده و آن را نکوهش کرده است قسمی که خداوند متعال فرموده است **﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾** ^۳.

ترجمه : و به پیمان خدا چون عهد بستید وفا کنید و سوگندها را پس از تأکید آن نشکنید درحالیکه خدا را بر خود نگهبان ساخته اید، خداوند آنچه را که می کنید، می داند.

وفاء به عهد و پیمان خدا، هر نوع بیعتی را شامل می شود که مسلمانان با پیغمبر صلی الله علیه و آله و

۱ موسوعة الاخلاق الإسلامية، (ج ۳ ص ۸۰۲).

۲ - البخاری ، محمد بن اسماعیل ، صحیح البخاری ، کتاب : الإیمان ، باب: علامة المنافق ، شماره حدیث : ۳۱.

۳ - سوره النحل آیه ۹۱ .

سلم بسته اند، و هر نوع عهد و پیمانی را دربر می گیرد که بر انجام کارهای نیک بسته می شود، و خدا بدان دستور می دهد. وفاء، به عهد و پیمان ضامن ماندگاری عنصر اعتماد و اطمینان در معاملات مردمان با یکدیگر است، و بدون همچون اعتماد و اطمینانی جامعه برجا و ماندگار نمی ماند، و بشریت نیز استوار و برقرار نخواهد ماند. نصّ قرآنی همپیمانانی را نکوهش می کند که سوگندها را پس از تاکید آنها بشکنند، در حالی که خدای را آگاه و گواه بر خودشان دانسته و گرفته اند، و او را بر عهد و پیمانشان حاضر و ناظر دیده اند، و حضورش را برای وفای به عهد و پیمان بس دیده اند.^۱

مبحث هفتم: رفق و نرمی و نقش آن در وقایه از مفساد:

یکی از صفات اخلاق بزرگ در اسلام رفق و نرمی است که در این مبحث راجع به اهمیت و نقش آن در جلوگیری از مفساد فردی و اجتماعی بحث می شود:

مطلب اول: تعریف رفق و فواید آن:

رفق در لغت خلاف عنف یا درشتی است و لطافت و نرمی و آسانی در یک کار را می گویند.^۲

و در اصطلاح حافظ ابن حجر (رحمه الله) آن را چنین تعریف نموده است: «الرفق: لين الجانب بالقول و الفعل، والأخذ بالأسهل، و هو ضد العنف»^۳.

ترجمه: رفق عبارت از نرمی در گفتار و افعال و آسانی در آن میباشد، ضد آن عنف یا درشتی است

مطلب دوم: آیات قرآن کریم در مورد رفق:

در مورد رفق و نرمی و آثار و فواید آن آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که در ذیل برخی آن ها نقل می شود:

خداوند متعال در باره رفق فرموده است: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ

^۱ سید قطب، فی ظلال القرآن (ج ۱ ص ۱۳۸).

^۲ - ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، (ج ۱۰، ص: ۱۱۸).

^۳ - ابن حجر، فتح الباری. أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، (ج ۴، ص: ۴۴۹).

يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١﴾

ترجمه: از پرتو رحمت الهی است که تو با آنان که نافرمانی کردند نرمش نمودی . و اگر درشت خویی و سنگدل بودی از پیرامون تو پراکنده می شدند . پس از آنان درگذر و برایشان طلب آمرزش نما و در کارها با آنان مشورت و رایزنی کن . و هنگامی که تصمیم به انجام کار گرفتی بر خدا توکل کن ؛ چرا که خداوند جل جلاله توکل کننده گان را دوست دارد.

۳- خداوند به موسی و هارون -علیهما السلام- دستور می دهد تا در برابر فرعون از نرمی کار بگیرند، چنانچه فرموده است: ﴿اذهبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ * فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ﴾^۲ .
ترجمه: به سوی فرعون بروید که سرکشی کرده است ، سپس به نرمی با او سخن بگوئید شاید او سنجش کند بپندگیرد یا بترسد.

مطلب سوم: آثار و پیامد های رفق در وقایه از مفسد:

رفق و نرمی آثار زیادی در وقایه از وقوع در مفسد در زندگی انسان دارد که به چند موارد آن در اینجا اشاره می شود:

1- رفق و نرمی باعث می شود تا پراگندگی و نفرت که از عوامل بزرگ فساد در جامعه است از بین برود چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾^۳ .

ترجمه: از پرتو رحمت الهی است که تو با آنان که نافرمانی کردند نرمش نمودی . و اگر درشت خویی و سنگدل بودی از پیرامون تو پراکنده می شدند.

با برخورداری از این اخلاق، منافع بزرگی به دست می آید، و زیانهای زیادی از آدمی دور می شود، و از این طرز رفتار مفسد، زیادی به وجود آمده و منافی کنی از بین رفته است که خدا می داند! با وجود این کسانی یافت می شوند که هر کس را که متصف به چنین صفت های باشد تحقیر می کنند و بسا

۱ - سوره آل عمران آیه ۱۵۹ .
۲ - سوره طه آیه ۴۳-۴۴ .
۳ - سوره آل عمران آیه ۱۵۹ .

او را به نفاق و سازش متهم نموده و خودشان را والا مقام جلوه داده و از کار خود راضی، و دچار خودپسندی می شوند.^۱ و در این شکی نیست که نرمی باعث نجات از انحراف، افراط و تفریط می شود چنانچه ابن قیم (رحمه الله)^۲ می گوید: «إِذَا انْحَرَفْتَ عَنْ خُلُقِ الْأَنَاءِ وَالرَّفْقِ انْحَرَفْتَ: إِمَّا إِلَى عَجَلَةٍ وَطِيْشٍ وَعَنْفٍ، وَإِمَّا إِلَى تَفْرِيطٍ وَإِضَاعَةٍ، وَالرَّفْقُ وَالْأَنَاءُ بَيْنَهُمَا»^۳.

ترجمه: هنگامی که از اخلاق نرمی و بردباری دور شدی منحرف می شود یا به عجله، پرخاش و زور گویی روی می آوری و یا راه تفریط و ضایع کردن را در پیش می گیری و رفق و نرمی در میان این دو قرار دارد.

۲- شیطان بزرگ ترین تحریک کننده فساد است و انسان را به عجله کاری دعوت می کند و این مفسده است اما به وسیله نرمش انسان از تحرکات شیطانی و عجله کاری خلاص می شود به همین خاطر الله متعال پیامبر اسلام-صلی الله علیه وسلم- را از عجله کردن حتی در مورد خواندن قرآن منع کرده می فرماید: ﴿فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾^۴.

ترجمه: پس خداوند فرمانروای راستین بزرگ و برتر است، و پیش از آنکه وحی قرآن بر تو انجام پذیرد در (خواندن) آن عجله مکن، و بگو: پروردگارا! بر دانشم بیافزای.

و در حدیث نیز آمده است که پیامبر اسلام-صلی الله علیه وسلم میفرماید: «التَّائِي مِنَ اللَّهِ، وَالْعَجَلَةَ مِنَ الشَّيْطَانِ»^۵ یعنی نرمی از جانب الله متعال است و عجله از جانب شیطان است.

و امام غزالی (رحمه الله) گفته است: «الأعمال ينبغي أن تكون بعد التبصرة والمعرفة، والتبصرة تحتاج إلى تأمل وتمهّل، والعجلة تمنع من ذلك، وعند الاستعجال يروج الشيطان شره على الإنسان من حيث لا

^۱ سیدقطب، فی ظلال القرآن (ج ۲ ص ۸۳). سعدی، تیسیر الکریم الرحمن، (ج ۷ ص ۳۷۴).
^۲ ابن قیم الجوزیه (رحمه الله)، محمد بن ابی بکر بن ایوب در سال ۶۹۱ هـ ق در دمشق چشم به جهان گشود او یکی از علمای بزرگ بوده که نزد شیخ الاسلام ابن تیمه (رحمه الله) علوم -اسلامی را فرا گرفته و همراه در قلعه دمشق محبوس شد و از جمله تالیفات وی مدارج السالکین، الوابل الصیب من الکلم الطیب و طرق الکمیه فی السیاسة الشرعیه می. باشد ابن قیم (رحمه الله) در شهر دمشق سال ۷۵۱ هـ ق وفات نمود (الإعلام للزركلي، ج ۵، ص ۲۵).
^۳ ابن قیم، مدارج السالکین (ج ۲ ص ۲۹۶).
^۴ سوره طه آیه ۱۱۴.
^۵ بیهقی، السنن الکبری، شماره حدیث: ۲۰۷۶۷ (البانی این حدیث را در «صحیح الجامع» به شماره ۳۰۱۱ حسن گفته است و هیثمی در مجمع الزوائد ج ۸ ص ۲۲ گفته است رجال این حدیث ثق هستند.

ترجمه: اعمال و کارها باید بعد از بصیرت و شناخت صورت گیرند و بصیرت به فرصت و تامل نیاز دارد و عجله مانع آن می شود و هرگاه کار به عجله صورت بگیرد شیطان شر و فساد خویش را بر انسان قسمی که تحمیل می کند که هیچ نمی داند.

۳- ترویج فرهنگ رفق و نرمی باعث جلوگیری از انتشار دشمنی و بدبینی که عامل فساد در جامعه است می شود چنانچه در روایت آمده است: عَنْ عَائِشَةَ (رَضِيَ اللهُ عَنْهَا)^۲ قَالَتْ كَانَ (كَانَتْ) الْيَهُودُ يُسَلِّمُونَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- يَقُولُونَ (تَقُولُونَ) السَّامُ عَلَيْكَ فَفَطِنْتُ عَائِشَةَ إِلَى قَوْلِهِمْ فَقَالَتْ عَلَيْكُمْ السَّامُ وَاللَّعْنَةُ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- مَهَلًا يَا عَائِشَةُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الرَّفْقَ فِي الْأَمْرِ كُلِّهِ فَقَالَتْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَوْلَمْ تَسْمَعْ مَا يَقُولُونَ قَالَ أَوْلَمْ تَسْمَعِي أَنِّي أَرَدُ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ فَأَقُولُ وَعَلَيْكُمْ^۳.

ترجمه: عایشه رضي الله عنها مي گوید: هنگامی یهودیان بر پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- سلام می دادند می گفتند: «سام بر تو یعنی مرگ بر تو» عایشه به این سخن آنان پی برد، و گفت: بر شما مرگ و لعنت، پیامبر -صلی الله علیه وسلم- گفت: بس کن عایشه! خداوند نرمی را در تمام امور دوست می دارد، عایشه گفت ای پیامبر خدا! آیا نشنیدی که چه می گویند؟ او گفت: آیا نشنیدی که من برایشان پاسخ دام و گفتم: «وعلیکم» یعنی: (چیزی که گفتید بر ضرر خودتان باد).

پس در نتیجه می توانیم بگوییم که عمل به اخلاق رفق و نرمی در جامعه نقش بزرگی در برقراری امنیت و از رفتن مفسد دارد و اگر این صفت والا در جامعه عام شد کم تر شاهد حوادث جرمی و جنایی خواهیم بود.

۱ غزالی، احیاء علوم الدین، (ج ۳ ص ۳۳).
۲ ام المومنین، عائشة بنت ابي بكر الصديق، از قبيله قريش، متولدسال: ۹ هـ ق با پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در سال دوم هجری از دواج نمود، پیغمبر علیه السلام به عائشة محبت زیاد داشت و احادیث زیادی از آن حضرت -صلی الله علیه وسلم- روایت نموده و در سال ۵۸ هـ وفات یافته است. (الاعلام للزرکلی: ۲۴۰/۳).
۳ بخاری، صحیح البخاری، شماره حدیث: ۶۳۹۵.

مبحث هشتم: حياء و نقش آن در وقايع از مفسد:

يکي از صفات اخلاق بزرگ در اسلام حياء است که در اين مبحث راجع به اهميت و نقش آن در جلوگیری از مفسد فردی و اجتماعی بحث می شود:

مطلب اول: تعريف حياء:

حيا در لغت به معنای حشمت، انقباض و انزواء آمده است.^۱ همچنان به معنای تغيير و انكسار (اثر پذيری درونی) انقباض و گرفتگی نفس از زشتی ها و عامل بازدارندگه از گناه نیز آمده است.^۲

حياء در اصطلاح به عبارات ذيل تعريف شده است:

۱- الحياء: انقباض النفس من شيء وترکه حذرًا عن اللوم فيه.^۳

ترجمه: حياء عبارت است از انقباض نفس از چیزی و ترک آن از ترس ملامت شدن در آن.

۲- الحياء: خُلِقَ يَبِعث صاحبه على اجتناب القبيح، ويمنع من التقصير في حق ذي الحق.^۴

ترجمه: عبارت از خصلتی است که انسان را بر ترک کردن فعل قبيح و جلوگیری از کوتاهی کردن در حق دیگران بر می انگیزد.

۳- علامه زمخشری (رحمه الله)^۵ گفته است: « الحياء تغیر وانكسار يعترى الإنسان من خوف ما يعاب به ويُنمَّ»^۶.

ترجمه: حيا عبارت از تغيير حالت و انكسار در رفتاری است که انسان انجام آن را عار میدانند و از مورد عتاب و مذمت قرار گرفتن بواسطه آن میترسد.

^۱ ابن فارس، مقاييس اللغة، (ج ۲ ص ۱۲۲)، لسان العرب، (ج ۱۴ ص ۲۱۷).

^۲ فيومي، المصباح المنير، (ج ۱ ص ۱۶۰).

^۳ جرجاني، التعريفات، (ص ۹۴).

^۴ عسقلاني، ابن حجر، فتح الباري، (ج ۱ ص ۵۲).

^۵ محمود بن عمر زمخشری خوارزمی مشهور به جار الله زمخشری، مفسر و زبان‌شناس برجسته، ادیب و خطیب عربی بود که بر علوم گوناگون روزگار دانا بود و مؤلفی پُر اثر شمرده می‌شود. زمخشری در روز عرفة سال ۵۳۸ ق ۱۲ ژوئن ۱۱۴۴ م از دنیا رفت. وی اثر زیاد دارد: از جمله المفرد والمولف فی النحو، امکنه و الجبال و الميه در جغرافيا، تفسير كشاف (الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل فی وجوه التأويل)، ديوان الشعر، رؤس المسائل فی الفقه، مستقصى فی امثال العرب (ابن خلكان، احمد. وفيات الأعيان). (ج. ۲. ص ۵۰۹).

^۶ زمخشری، أبو القاسم محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل، دار إحياء التراث العربي - بيروت، (ج ۱ ص ۱۴۰).

مطلب دوم: آیات قرآن کریم در مورد حیاء:

در مورد حیاء و آثار و فواید آن آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که در ذیل برخی آن ها نقل می شود:

۱- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكَحُوا أَرْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا﴾^۱.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورید به خانه‌های پیغمبر داخل مشوید مگر آنکه اذنتان دهند و بر سفره طعام دعوت کنند در آن حال هم نباید زودتر از وقت آمده و به پختن و آماده شدن آن چشم انتظار گشایید بلکه موقعی که دعوت شده‌اید بیایید و چون غذا تناول کردید زود (از پی کار خود) متفرق شوید نه آنجا برای سرگرمی و انس به گفتگو پردازید، که این کار پیغمبر را آزار می‌دهد و او به شما از شرم اظهار نمی‌دارد ولی خدا را بر اظهار حق خجالتی نیست و هر گاه از زنان رسول متاعی می‌طلبید از پس پرده طلبید، که حجاب برای آنکه دل‌های شما و آنها پاک و پاکیزه بماند بهتر است و نباید هرگز رسول خدا را (در حیات) بیازارید و نه پس از وفات هیچ گاه زناش را به نکاح خود در آورید، که این کار نزد خدا (گناهی) بسیار بزرگ است.

امام ابن کثیر (رحمه الله) در تفسیر این آیه گفته است: « المراد أنَّ دخولكم منزله بغير إذنه، كان يشقُّ عليه ويتأدَّى به، لكن كان يكره أن ينههم عن ذلك من شدَّة حَيَاتِهِ عَلَيْهِ السَّلَام، حتى أنزل الله عليه النَّهْيَ عَن ذَلِكَ»^۲.

ترجمه: مراد این است که دخول شما در منزل او بدون اجازه بر او سخت تمام می‌شود و از آن اذیت می‌شود اما پیامبر علیه السلام از شدت حیاء نمی‌خواست آنان را نهی کند تا اینکه الله متعال این آیه را

^۱ سوره احزاب آیه ۵۳.
^۲ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، (ج ۶ ص ۴۰۴).

۲- حیا خصلت از خصلت های ایمان است و اگر در وجود کسیکه حیا وجود داشته باشد تمام فضایل اخلاقی دیگر در آن شخص وجود می داشته باشد و این اخلاق باعث می شود تا امنیت اجتماعی به شکل قابل ملاحظه تقویه شود. چنانچه خداوند - جل جلاله- به مسلمانان حکم می کند: ﴿قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ

يُعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾^۱.

ترجمه: بگو برای مؤمنان که پایان اندازند برخی از نظرهای خود را و نگهدارند شرمگاه خود را این پاکیزه تر است ایشانرا هر آینه خدا خبردار است به آنچه می کنید.

در این آیه خداوند متعال انسان ها را به حیا و پاکدامنی امر نموده است بخاطریکه چشم چرانی انسان را به زنا و کار های بد دیگر رهنمائی میکند ، و این صفت حیا است که انسان را از رذائل اخلاقی محافظت میکند.

۳- فرد مسلمان در برابر خداوند سبحان ادب نگه داشته و از او شرم دارد. شکر نعمت های خداوند را بجای آورده، و البته احسان و فضل خدا را در مورد خویش انکار نکرده، قلبش را لبریز از ترس و مهابت پروردگار کرده و نفس خویش را مظهر وقار و بزرگی خداوند قرار داده، گناه خویش را نمایان ننموده و با کار های زشت و ناپسند خویش را آلوده نمی کند، چرا که می داند خدا بر کردار او آگاه است و گفته هایش را شنیده و همواره او را می بیند. خداوند متعال درباره ی کسانی که بدون شرم داشتن از او سبحانه و تعالی به گناه و نافرمانی دست می زنند، می فرماید: ﴿يَسْتَحْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا

يَسْتَحْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّنُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا﴾^۲.

ترجمه: آنان بدی خود را از مردم پنهان می کنند، ولی آن را از خدا پنهان نمی کنند درحالیکه خداوند همراه آنها است آنگاه که شب هنگام پنهانی بر گفتاری که خداوند از آن خوشنود نیست متفق می گردند، و خداوند به آنچه می کنند کاملاً آگاه است.

^۱ - سوره نور آیه ۳۰ .

^۲ سوره نساء آیه ۱۰۸ .

۴- حیا جزء ایمان است چنانچه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «الإيمان بضع وسبعون شعبةً أعلاها لا إله إلا الله وأدناها إمطة الأذى عن الطريق والحياء شعبة من الإيمان»^۱.

ترجمه: ایمان هفتاد و چند شعبه دارد که بالاترین آن لا اله الا الله و کمترین آن از بین بردن اذیت از سر راه مردم است و حیا شعبه ای از ایمان است.

مطلب سوم: آثار و پیامد های حیا در وقایه از مفساد:

شرم و حیا آثار زیادی در وقایه از وقوع در مفساد در زندگی انسان دارد که به چند موارد آن در اینجا اشاره می شود:

۱- حیا باعث می شود انسان از بزرگ ترین فساد های اجتماعی مانند زنا و غیره دست بکشد، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾^۲.

ترجمه: و (با انجام عوامل و انگیزه های زنا) به زنا نزدیک نشوید که زنا گناه بسیار زشت و بدترین راه و شیوه است.

۲- ابن قیم (رحمه الله) فرموده است: حیا از بزرگترین و بهترین اخلاق است، حیا مخصوص انسانیت است در وجود کسیکه حیا وجود نداشته باشد خصلت انسانیت در آن انسان وجود ندارد، در وجود کسیکه حیا وجود داشته باشد پیمان شکنی نمیکند، امانت را خیانت نمیکند کارهای بی حیائی را انجام نمی دهد^۳. حیا باعث می شود تا انسان خداوند را حاضر و ناظر بداند و این سبب می شود تا بسا از مفساد و منکرات ترک شود چنانچه الله متعال در مورد کسانی که از خداوند شرم نمی کنند و از مردم حیا می کنند، می فرماید: ﴿يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّنُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا﴾^۴.

ترجمه: آنان بدی خود را از مردم پنهان می کنند، ولی آن را از خدا پنهان نمی کنند درحالیکه خداوند همراه آنها است آنگاه که شب هنگام پنهانی بر گفتاری که خداوند از آن خوشنود نیست متفق می گردند، و

^۱ صحیح البخاری شماره حدیث: ۵۷۱۰ و صحیح مسلم حدیث شماره: ۱۹۳.

^۲ سوره اسراء آیه ۳۲.

^۳ ابن قیم، مدارج السالکین (ج ۲ ص ۲۹۰).

^۴ سوره نساء آیه ۱۰۸.

خداوند به آنچه می کنند کاملاً آگاه است.

این از ضعف ایمان و نقصان و کمبودی یقین است که ترس از مردم نزد آنها از ترس از خدا بزرگتر است، پس آنها به طرق مختلف تلاش می کنند تا نزد مردم رسوا نشوند، در حالی که آنها با ارتکاب گناهان بزرگ به مقابله با خدا برخاسته اند، انگار نه انگار که خداوند آنها را می بیند و از آنها اطلاع دارد، در حالی که خداوند در همه احوال با آنها است، به ویژه در حالی که آنها در شب و در پنهانی سخنانی را بر زبان می آورند که خداوند از آن خشنود نیست از قبیل بی گناه انگاشتن جنایت کار، و متهم کردن بی گناه. آنان سعی می کردند که این مطلب را به پیامبر برسانند، تا طبق آنچه در شب توطئه کرده اند عمل کند^۱

آیه فوق دلالت بر این دارد که حیا از خداوند باعث دفع مفسد می شود، زمخشری (رحمه الله) در ذیل تفسیر این آیه می نویسد: «وکفی بهذه الآیة ناهیة علی الناس ما هم فیہ من قلة الحیاء، والخشیة من ربهم، مع علمهم إن كانوا مؤمنین أنهم فی حضرته لا ستره ولا غفلة ولا غیبة»^۲.

ترجمه: این آیه برای نهی مردم از آنچه کمی و کاستی که در مورد حیا و ترس از خداوند دارند کافی است، چون آنان می دانند که اگر واقعاً مومن هستند و باور دارند که خداوند در محضر آنان است و هیچ پرده، غفت و پنهانی در میانشان وجود ندارد.

۳- کسیکه حیا داشته باشد از خداوند شرم میکند گناه را انجام نمیدهد، انسان باحیا از بدی های دنیا و آخرت دور میباشد، انسان باحیا به اساس محبت که با خداوند دارد از او امر الله جل جلاله اطاعت و از نواهی او اجتناب میکند، کسیکه از الله تعالی حیا کند خداوند عیوب او را در دنیا و آخرت پنهان میکند، انسان که حیا داشته باشد نزد الله و مردم محبوب میباشد^۳ چنانچه زمخشری (رحمه الله) می گوید: «الترك من ثمرات الحیاء، ومن استحیا من فعل شیء تركه»^۴. ترک کردن گناه از ثمرات حیاء است و کسی که از انجام دادن کاری حیا کند آن را ترک می کند.

پس حیا انسان را از تمام گناهان مصئون میکند و حیا باعث می شود که انسان در هر حالت الله تعالی را حاضر و ناظر بداند و از کارهای که باعث قهر و غضب خداوند جل جلاله می شود اجتناب کند و

^۱ زحیلی، التفسیر المنیر، (ج ۵ ص ۲۰۸). سعدی، تیسیر الکریم الرحمن، (ج ۲ ص ۳۷۲).

^۲ زمخشری، تفسیر کشاف (ج ۱ ص ۴۲۳).

^۳ موسوعة الاخلاق الاسلامیة، (ج ۲ ص ۵۲۶).

^۴ زمخشری، تفسیر کشاف، (ج ۱ ص ۲۰۴).

همیشه بخاطر خشنودی الله تعالی کار کند که این یکی از پیامدهای حیا در زندگی فردی است که باعث سعادت دنیا و آخرت فرد می شود. مسلمان باید در زندگی اجتماعی خود نیز حیا داشته باشد که همین حیا باعث میشود که فرد در جامعه محبوب تمام مردم باشد و از کار هایی که سبب از بین رفتن آرامش جامعه میشود پرهیز نماید که همین حیا فرد در جامعه باعث میشود که یک جامعه آرام و به دور از تمام مشکلات امنیتی و جرمی باشد.

مبحث نهم: خوف الهی:

مطلب اول: تعریف خوف و فرق میان خوف و خشیت:

خوف در لغت به معنای ترسیدن، هراسیدن و پریشان شدن از چیز مکروه است.^۱

خوف در اصطلاح چنین تعریف شده است: **الخوف غم يلحق الإنسان مما يتوقعه من السوء**.^۲

ترجمه: خوف عبارت از غمی است که به انسان از آنچه توقع بد می رسد.

جرجانی (رحمه الله) می گوید: **الخوف توقع حلول مكروه أو فوات محبوب**.^۳

ترجمه: خوف عبارت است از توقع رسیدن به چیز مکروه و ناپسند یا از دست دادن چیز محبوب.

فرق در میان خوف و خشیت:

خوف و خشیت هر دو به معنای ترسیدن است اما خوف عام است و خشية خاص چنانچه ابن قیم (رحمه الله) می گوید: «الوجل والخوف والخشية والرهبه ألفاظ متقاربة غير مترادفة وإن الخوف هرب القلب من حلول المكروه عند استشعاره، أو اضطراب القلب وحركته من تذكر المخوف وحقيقة الخوف واضحة، و الخشية أخص من الخوف؛ فإن الخشية للعلماء بالله».^۴

ترجمه: کلمه های وجل، خوف، خشیت و رهبة الفاظ متقارب و باهم نزدیک هستند و مترادف نیستند و خوف عبارت از حلول مکروه هنگام احساس کردن آن است و یا اضطراب و پریشانی قلب از یادآوری

^۱ ابن منظور، لسان العرب، (ج ۹ ص ۹۹).

^۲ مناوی، التوقیف علی مهمات التعریف (ص ۳۲۸).

^۳ جرجانی، التعریفات، (ص ۱۳۷).

^۴ ابن قیم، مدارج السالکین (ص ۵۰۲).

چیزی که از آن ترس می شود و حقیقت خوف واضح است و خشیه خاص تر از خوف است زیرا خشیت برای علما در برابر خداوند آمده است.

مطلب دوم: آیات متعلق به خوف و خشیت:

در مورد خوف و ترس و آثار و فواید آن آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که در ذیل برخی آن ها نقل می شود:

خوفی است که شرط صحت ایمان است و این خوف عامه مردم است و این خوف از تصدیق وعید و ذکر جنایت و مواظب بودن از عاقبت به وجود می آید رفتن این خوف از قلب نشانه رفتن ایمان از آن است خداوند متعال می فرماید: ﴿و خَافُونَ ان كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۱.

ترجمه: از من بترسید اگر مومن هستید.

مطلب سوم: نقش خوف در وقایه از مفاسد:

ترس و خوف آثار زیادی در وقایه از وقوع در مفاسد در زندگی انسان دارد که به چند موارد آن در اینجا اشاره می شود:

1- ترس در زندگی مسلمان ارزش فوق العاده دارد و باعث میشود اعمال انسان به دربار خداوند جل جلاله قبول شود ، و موجب میشود که انسان توبه کند ، موجب نزول برکات الهی رسیدن به بصیرت، نجات از مشکلات مختلف اقتصادی، فرهنگی ، معنوی و اجتماعی باعث مغفرت گناهان میشود ، باعث ایجاد شدن احترام و بزرگی خدا در دل مسلمان میشود ، باعث رستگاری انسان میشود ، مصونیت از توطئه های دشمنان ، نجات از عذاب دنیا و آخرت رسیدن به هدایت الهی از جمله آثار خوف و ترس الهی به حساب میرود^۲ . به همین سبب است که الله متعال خشیت و خوف واقعی را به علما اختصاص داده و می فرماید: ﴿ اِنَّمَا يَخْشَى اللّٰهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ غَفُوْرٌ ﴾^۳ . جز این نیست که تنها بندگان دانا از خداوند بیم دارند. بی گمان خداوند توانا و چیره و بس آمرزگار است.

۱ سوره آل عمران آیه ۱۷۵ .
۲ - موسوعة الاخلاق الاسلامية (ج ۱ ص ۱۸۶).
۳ سوره فاطر آیه ۲۸ .

الله متعال پس از ذکر دلایل وجود و یگانگی خویش گویا می گوید که فرد غافل به این چیزها و دیگر مسایلی از روی غفلت نگاه می کند، و دیدن این چیزها حس پند پذیری را در او زنده نمی کند و فقط کسی که از اینها بهره مند می شود و از خداوند می ترسد و با فکر و اندیشه ی درست خود حکمت این تفاوت را در می یابد، علما و دانشمندان هستند، پس هرکس که بیشتر خدا را بشناسد بیشتر از او می ترسد. و ترس الهی باعث می شود تا از گناهان دوری کند و برای ملاقات با خدا خویشتن را آماده نماید. و این دلیلی است بر فضیلت علم، چون علم و دانش سبب ترس از خداوند می شود.^۱

2- به اثر ترس و خوف از خداوند انسان ها از مهلکه ها نجات می یابند چنانچه الله متعال فرموده است:

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾^۲

ترجمه: هر کس تقوای الهی پیشه کند خداوند راهی نجات را برای او فراهم میکند.

3- به وسیله ترس و خوف برای انسان روشن بینی و بصیرت و نیروی فرق کننده پیدا می شود که می تواند از مفسد رهایی پیدا کند، قسمی که الله تعالی در قرآن فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا

اللَّهُ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾^۳

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از خدا پروا دارید بینشی به شما می دهد که در پرتو آن حق را از باطل تشخیص دهید، و گناهانتان را می زداید، و شما را می آمرزد، و خداوند دارای فضل و بخشش بزرگ است.

در اینجا الله متعال بیان کرد که هرکس پرهیزگاری نماید و از خدا بترسد، چهارچیز را به دست می آورد که هر یک از این چیزها از دنیا و آنچه که در آن هست بهتر می باشد: اول: فرقان، و آن دانش و هدایتی است که صاحبش به وسیله آن، هدایت را از گمراهی، و حق را از باطل و حلال را از حرام و اهل سعادت را از اهل شقاوت تشخیص می دهد. دوم و سوم: زدودن و آمرزش گناهان است. و اگر هر یک از این دو مورد به تنهایی ذکر شود شامل دیگری نیز می گردد. و اگر با هم ذکر شوند اول مخصوص گناهان

^۱ ابن عاشور، التحریر و التتویر، (ج ۲۳ ص ۳۵۰) سعدی، تیسیر الکریم الرحمن (ج ۱ ص ۳۴۲) امام امام قرطبی -رحمه الله-، الجامع لاحکام القرآن (ج ۱۴ ص ۳۴۴).

^۲ -سوره الطلاق آیه ۲.

^۳ -سوره الأنفال آیه ۲۹.

صغیره، و دوّمی مخصوص گناهان کبیره می باشد و چهارم: پاداش بزرگ و ثواب فراوان برای کسی است که از خدا بترسد و خشنودی وی را بر هوای نفس ترجیح دهد.^۱

4- به وسیله ترس و تقوای الهی آبادانی دنیا و ریزش رحمت الهی در اثر تقوی انسان ها به وجود میاید، و عدم خشیت و ترس باعث نزول عذاب می شود چنانچه در قرآن در این باره آمده است: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^۲.

ترجمه: و اگر اهل این شهر و آبادی ها ایمان آورده و پرهیزگاری پیشه می کردند، برکت های آسمان و زمین را بر آنان می گشودیم، اما تکذیب کردند، پس آنان را به سبب آنچه که می کردند (گریبانشان را) گرفتیم.

خداوند متعال ذکر نمود کسانی که پیامبران را تکذیب می کنند به منظور پندپذیری و برحذر داشته شدن به ناخوشی و ناگواریها گرفتار می شوند، و از باب استدراج و مکر به خوشی ها دست می یازند. سپس بیان نمود که اگر اهالی آبادی ها قلبا ایمان بیاورند، ایمانی صادق و راست که اعمال آن را تصدیق نمایند، و در ظاهر و باطن با ترک کردن همه آنچه از خدا حرام نموده است تقوای الهی را رعایت کنند، برکت های آسمان و زمین بر روی آنان گشوده می شود، و خداوند پی در پی از آسمان برای آنان باران می فرستد و از زمین چیزهایی برای آنان می رویاند که خود و چهارپایانشان به وسیله آن زندگی شاد و خرم و روزی فراوان خواهند داشت، و بدون اینکه برای به دست آوردن آن دچار رنج و خستگی و زحمت شوند^۳.

5- خشیت و خوف سبب از بین رفتن اعجاب و خودنمایی که از عوامل بزرگ مفسد است می شود، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ﴾^۴. و کسانی

^۱ رازی، مفاتیح الغیب، (ج ۱۵، ص ۴۷۷) رشید رضا، تفسیر منار، (ج ۹ ص ۵۴۷) سعدی، تیسیر الکریم الرحمن، (ج ۳ ص ۴۴۶).

^۲ - سوره الأعراف آیه ۹۶.

^۳ زحیلی، تفسیر منیر، (ج ۹ ص ۱۸) ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم (ج ۳ ص ۴۵۱) سید قطب، فی ظلال القرآن (ج ۳ ص ۱۳۳۹) سعدی، تیسیر الکریم الرحمن (ج ۲ ص ۴۷۷).

^۴ سوره مؤمنون آیه ۶۰.

که آنچه را باید (در راه خدا) بدهند، می دهند، درحالیکه دل‌هایشان ترسان و هراسان است از اینکه به سوی پروردگارشان باز خواهند گشت.

کسانی را که خداوند توصیف می کند که احساس می کنند در حق خدا قصور ورزیده اند و کوتاهی کرده اند، هرچندکه آنچه در توان دارند کرده اند، ولی این هم از نظر ایشان اندک و ناچیز است. از عائشه (رضی الله عنها) روایت است که گفته است: به پیغمبر خدا (صلي الله عليه و سلم) عرض کردم: «الَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ» اشخاصی که عطاء می کنند و می بخشند آنچه را که در توان دارند، در حالی که دل‌هایشان ترسان و هراسان است (از این که نکند صدقات و حسنات آنان پذیرفته نگردد)، آیا آنان کسانی هستند که دزدی می کنند و مرتکب زنا می شوند و می می نوشند، ولی از خداوند بزرگوار می ترسند؟ فرمود: (لا يا بنت الصديق ! ولكنه الذي يصلي ويصوم ويتصدق , وهو يخاف الله عز وجل). نه، ای دختر صدیق ! و بلکه آنان کسانیند که نماز می خوانند و روزه می گیرند و صدقه و زکات می دهند، اما با این وجود از خداوند بزرگوار می ترسند.^۱

این قیم (رحمه الله) می گوید: قلب در سیر و رفتنش به سوی خداوند متعال به منزله پرنده ای است که محبت سر آن است و خوف و رجاء دو بال آن است زمانیکه سر و دو بال سالم باشند پرنده خوب پرواز می کند زمانیکه سرش قطع شود پرنده می میرد و زمانیکه دو بال او نابود شوند هر شکارچی و شخص تنبلی می تواند او را صید و شکار کند. زمانی که خوف و خشیت الهی در قلبها جایگزین شوند مواضع شهوت را می سوزاند و دنیا را از آن دور می کند چرا که خوف الهی شلاقی است که خداوند متعال به وسیله آن افراد منحرف و کج را راست می کند و آنها را از آتش سوزان عذاب دردناک جهنم نجات می دهد.^۲

^۱ سنن ترمذی، شماره حدیث: ۳۱۷۵ (ترمذی این حدیث را صحیح گفته است).
^۲ این قیم، مدارج السالکین (ص ۵۲۰).

مبحث دهم: توبه و نقش آن در وقایه از مفسد:

رجوع و بازگشت به سوی خداوند از مهمترین اخلاق انفرادی انسان است که باعث می شود انسان دست از فساد بکشد و خود را اصلاح نماید، در قرآن کریم و احادیث نبوی به این امر تأکیدات زیادی شد است که در این مبحث به بیان بعض موارد آن پرداخته می شود.

مطلب اول: تعریف توبه:

توبه در لغت به رجوع و برگشت معنا شده است^۱.

توبه در اصطلاح عبارت است از برگشت به طرف خداوند و تصمیم گرفتن در قلب که دیگر به آن گناه رجوع نکند و تمام حقوق خداوند را اداء نماید^۲.

مطلب دوم: آیات قرآن در مورد توبه و نقش آن در وقایه از مفسد:

در قرآن کریم به توبه و رجوع و گبرگشت از گناه به سوی خداوند آیات زیادی آمده است که به طور نمونه چند آیه آن نقل می شود:

۱- حقیقت این است که توبه مطلوب است بر هر مکلفی و تمام مسلمانان، همانطور که آیه قرآنی بدان تصریح دارد. ﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ﴾^۳.

ترجمه: ای مؤمنان همه به درگاه خداوند توبه کنید.

۲- ﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾^۴.

ترجمه: مگر کسانی که توبه کنند و به اصلاح پردازند و آنچه را که از اوصاف پیغمبر و اسلام و دیگر حقایق میدانستند و پنهان می کردند آشکار سازند. چه توبه ی چنین کسانی را می پذیرم و من بسی توبه پذیر و مهربانم.

۱- ابن منظور، محمد بن مكرم؛ لسان العرب، بيروت: دارصادر، 1414 ق، (ج: ۱، ص: ۴۵۴).
۲- جرجانی، سید شریف علی بن محمد، التعريفات، دار إحياء التراث العربی - بيروت ۲۰۰۳ م (ص ۶۳).
۳- سوره النور آیه ۳۱.
۴- سوره البقره ۱۶۰.

3- ﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾^۱.

ترجمه: آیا نمی دانند که تنها خدا است که توبه توبه کاران راستین را و زکات و صدقه مؤمنان مخلص را می پذیرد ، و فقط او است که بسیار توبه پذیر و مهربان است .

در احادیث نیز به توبه و رجوع تاکید شده است مانند این حدیث: **عن أبي موسى (رضي الله عنه)^۲ عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «إن الله عز وجل يبسط يده بالليل ليتوب مسيء النهار، ويبسط يده بالنهار ليتوب مسيء الليل حتى تطلع الشمس من مغربها»^۳.**

ترجمه: ابو موسی (رضی الله عنه) میگوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: الله متعال دستش را در شب می گشاید تا توبه ی گناهکار روز را قبول کند و دستش را در روز باز می کند تا توبه گناهکار شب را بپذیرد.

مطلب سوم: آثار توبه در وقایه از مفسد:

توبه آثار زیادی در وقایه از وقوع در مفسد در زندگی انسان دارد که به چند موارد آن در اینجا اشاره می شود:

1- توبه گناهان گذشته را نابود می سازد به دلیل آیه ی قرآن که می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى

اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾^۴.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید به درگاه خدا توبه راستین کنید امید است که پروردگارتان بدیهایتان را از شما بزدايد و شما را وارد باغهاي بهشتي کند که از زیر آنها نهرها جاری است.

این آخرین پیام الهی در قرآن در رابطه با مؤمنان است که آنان را به توبه و بازگشت خالص و صادقانه به سوی پروردگار، دستور می دهد. صیغه «امر» از طرف خداوند متعال، در قرآن بر وجوب دلالت دارد

^۱ - سوره التوبه ۱۰۴ .

^۲ عبدالله ابن قیس مشهور به ابو موسی اشعری از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم بود. وی در دانش قضا تبحر داشت و از فقهای دوران پیامبر صلی الله علیه و سلم و از اصحاب فتوی در روزگار عمر و عثمان رضی الله عنهم بشمار میرفت وی در سال ۵۲ق از جهان رحلت نمودند. عسقلانی، ابن حجر، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل، الإصابة في تمييز الصحابة، دار الجیل - بیروت، الطبعة الأولى، ۱۴۱۲ ۷ ص ۳۹۰

^۳ - صحیح مسلم، شماره حدیث: ۲۷۵۹.

^۴ سوره تحریم آیه ۸.

مگر قرینه ای باشد که آن امر را از وجوب منصرف گرداند، و در اینجا هیچگونه قرینه و بازدارنده ای نیست. وجوب توبه در جهت امید به دو امر و یا دو هدف اساسی است که هر شخص مؤمنی جویای آنها می باشد: کفار گناهان، دخول به بهشت جاویدان. و هر انسان مسلمان نیاز شدیدی به این دو موضوع دارد که: خطاهایش محو گردد و گناهانش بخشوده شود.^۱

حافظ ابن کثیر (رحمه الله) در تفسیر خود می گوید: توبه ی نصوح یعنی توبه ی صادق قطعی که موجب محو گناهان گذشته تائب گردد. شکافهای او را ترمیم و پراکندگی او را جمع گرداند و همچنین موجبات پوشاندن گناهان و خطاهای بنده عاصی را فراهم آورد.^۲

دکتر یوسف قرضاوی (رحمه الله) می نویسد: « یکی از آثار شوم معصیت، وحشت و تنهایی است که انسان گناهکار در قلب خود، میان خود و پروردگارش احساس می نماید که قطعاً با هیچ لذتی روبرو نخواهد شد و اگر تمام لذایذ دنیا بر او جمع شوند، آن وحشت و فاصله میان بنده و پروردگار را جبران نخواهد نمود، و این مطلب را جز کسانی که دارای قلب بیدار باشند، احساس نخواهند کرد. که مرده از زخم، احساس درد و الم ندارد! اگر ترك گناهان فقط به خاطر دوری از این وحشت و تنهایی باشد، می ارزد که انسان عاقل اقدام به ترك گناهان و معاصی نماید اما این آثار به اثر توبه از بین می رود».^۳

2- توبه و بازگشت از گناهان بزرگ مانند: شرک، قتل و زنا باعث دفع مفسد عظیمی در جامعه می شود به همین خاطر الله متعال عباد الرحمن را توصیف کرده است که از چنین گناهان بزرگی دست می کشند: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا﴾^۴.

ترجمه: و کسانی اند که با خدا معبودی دیگر نمی خوانند و کسی را که خدا (خونش) را حرام کرده است جز به حق نمی کشند و زنا نمی کنند و هرکس اینها را انجام دهد سزایش را دریافت خواهد کرد.

پرهیز کردن از کشتن انسان - مگر به حق - دو راهی جدائی میان زندگی اجتماعی ایمن و مطمئنی

^۱ ابن عاشور، التخریر و التتویر، (ج ۲۸ ص ۳۴۵) سید قطب، فی ظلال القرآن (ج ۶ ص ۳۶۱۷).
^۲ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، (ج ۸ ص ۱۶۸).
^۳ قرضاوی، دکتر یوسف قرضاوی، التوبه، ترجمه: دکتر احمد نعمتی، المكتبة الشاملة، (ص ۴۲۰).
^۴ سوره فرقان آیه ۶۸.

است که زندگی بشری در آن مورد احترام قرار می‌گیرد و بدان ارزش داده می‌شود، و میان زندگی جنگلها و غارهایی است که کسی در آن برجان خویشتن ایمن نیست و به کاری یا ساختاری اطمینان خاطر ندارد، پرهیز از زنا نیز دو راهی جدائی میان زندگی پاکی است که انسان در آن احساس می‌کند که از احساس زمخت حیوانی اوج گرفته است، و احساس می‌کند که نزدیکی با جنس مقابل هدف والاتری از فرونشاندن آتش هوس گوشت و خون دارد، و میان زندگی پست و زمختی است که نرها و ماده‌ها در آن قصد و هدفی جز ارضاء غریزه هوا و هوس ندارند، و به خاطر این که این سه صفت، دو راهی جدائی میان زندگی شایسته انسان بزرگوار در پیشگاه خداوند، و دو راهی جدائی میان زندگی کم بها و فرو افتاده به پرتگاه حیوان است، خداوند آن سه صفت را در ردیف صفتهای بندگان خوب خدای مهربان ذکر کرده است، بندگان خوبی که والاترین و بزرگوارترین انسانها در پیشگاه خدا هستند. بر این صفات پیرو تهدید آمیز شدیدی را آورده است.^۱

بنابراین اگر توبه و رجوع از گناه اگر در یک جامعه تقویه شود، بسا از مشکلات، مفسد و اختلافات زیاد در جامعه حل می‌شود.

خلاصه فصل دوم: مراد از اخلاق انفرادی آن عده اخلاقیاتی است که تعلق به فرد انسان و رابطه او با خداوند دارد مانند: صبر، صداقت، عفو، اخلاص، تواضع، رفق و نرمی، شرم و حیاء، توبه و ترس و خوف که در این رساله مورد بحث قرار گرفته اند و آثار زیادی در وقایه از وقوع در مفسد در زندگی انسان دارند.

^۱ سید قطب، فی ظلال القرآن (ج ۵ ص ۲۵۷۹).

فصل سوم

اثر اخلاق اجتماعی در وقایه از مفسد

اخلاق اجتماعی از مسائل مهم و حیاتی در جامعه انسانی بشمار می‌آید، افراد یک جامعه بدون داشتن اخلاق اجتماعی زندگی کرده نمی‌توانند، بنه‌آ گفته می‌توانیم که اخلاق اجتماعی پایه و اساس یک جامعه را تشکیل می‌دهد و بخاطر که بتوانیم آثار اخلاق اجتماعی را در وقایه از وقوع در مفسد به شکل درست درک نماییم این فصل اختصاص داده شده که در مباحث و مطالب گوناگون به این موضوع پرداخته خواهد شد.

اما قبل از اینکه به آثار اخلاق اجتماعی در وقایه از وقوع در مفسد بیان شود، مناسب است تا اخلاق اجتماعی تعریف گردد:

تعریف اخلاق اجتماعی: جریان بنیادی اخلاقی و ارزشی در درون یک جامعه است، به گونه ای که همه ی شهروندان در مقام عمل خود را ملتزم به آن نمایند این جریان اخلاقی به دلیل مبنای وحیانی و دینی داشتن آن سرمایه ی معنویت دینی جامعه به حساب می‌آید و یا اخلاق اجتماعی صفات و مکانی است که در رابطه بشر و اجتماع مطرح می‌گردد.^۱

مبحث اول: نیکی به والدین:

در دین اسلام به حقوق والدین بالای فرزندان تاکید زیاد شده است و این تاکیدات نشان می‌دهد که عمل به این اخلاق تأثیرات چشم‌گیر و قابل ملاحظه در وقایه از مفسد دارد، در این مبحث ابتدا تاکیدات قرآن را مبنی بر نیکی پدر و مادر بیان می‌نماییم و سپس آثار آن را در وقایه از مفسد شرح خواهیم داد.

مطلب اول: تاکید بر نیکی به والدین در قرآن:

در مورد نیکی به والدین و آثار و فواید آن آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که در ذیل برخی آن‌ها نقل می‌شود:

1- در قرآن کریم نیکی به والدین از لحاظ اهمیت در جایگاه دوم بعد از عبادت خداوند قرار داده شده

^۱ جزایری، محمد علی، اخلاق اسلامی، سال چاپ ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵، نشر احسان، تهران، (ج: ۱ ص ۲۳).

است، چنانچه الله تعالى فرموده است: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ
عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا تُنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا * وَاحْفَظْ لَهُمَا
جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾^۱.

ترجمه: و پروردگارت فرمان داده است که جز او را مپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر یکی از آنها یا هر دوی ایشان در نزد تو به سن پیری رسیدند، به آنان «آف» مگو، و بر سر ایشان فریاد مزن و محترمانه با آن دو سخن مگو، و از روی مهربانی بال فروتنی را برای آنان بگستران و مگو: پروردگارا! به آنان رحم کن همانگونه که آنان در کوچکی مرا تربیت و بزرگ نمودند.

همچنان در جای دیگر می فرماید: ﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِّنْ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَنْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^۲.

ترجمه: مگو: بیاید چیزهای را برایتان بیان کنم که پروردگار تان بر شما حرام نموده است اینکه هیچ چیز را شریک پروردگار نکنید، و به پدر و مادر نیکی کنید و فرزندان تان را از ترس فقر و تنگدستی کنونی یا آینده مکشید چرا که ما به شما و آنان روزی میدهیم و به گناهان کبیره از جمله زنا نزدیک نشوید برابر است که آشکار باشد یا پنهان و کسی را بدون حق مکشید که خداوند آنرا حرام کرده است، اینها اموری هستند که خدا شما را به آن توصیه میکند تا آنها را بفهمید و خردمندانه عمل کنید.

2- الله متعال به نیکی در برابر والدین و شکرگذاری آنان توصیه خاص کرده و علت آن را نیز بیان داشته است چنانچه فرموده است: ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ

۱ - سوره الاسراء آیه ۲۳-۲۴.

۲ - سوره الأنعام آیه ۱۵۱.

المُسْلِمِينَ .^۱

ترجمه : و به انسان درباره پدر و مادرش به نیکوکاری سفارش کرده ایم، مادرش با دشواری به او آبتن شده و به دشواری او را زاده است، و دوران بارداری و از شیر باز گرفتن او سی ماه طول می کشد تا هنگامیکه به کمال توانمندی اش رسیده و به چهل سالگی می رسد، می گوید: پروردگارا! به من توفیق ده تا نعمت را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشته ای سپاس گزارم و کار شایسته ای کنم که از آن خشنودی شوی و فرزندانم را نیز برای من شایسته بدار. من به تو روی آورده ام و از زمره مسلمانانم.

امام قرطبی (رحمه الله) در مورد اهمیت نیکی به والدین می نویسد: « فَأَحَقُّ النَّاسُ بَعْدَ الْخَالِقِ الْمَنَّانِ بِالشُّكْرِ وَالْإِحْسَانِ وَالتَّزَامِ الْبِرِّ وَالطَّاعَةِ لَهُ وَالْإِذْعَانَ مِنْ قَرْنِ اللَّهِ الْإِحْسَانَ إِلَيْهِ بِعِبَادَتِهِ وَطَاعَتِهِ، وَشُكْرِهِ بِشُكْرِهِ، وَهُمَا الْوَالِدَانِ »^۲.

ترجمه: حق دارترین مردم بعد از خداوند منان به شکر و احسان و التزام به نیکی و طاعت کسی است که الله متعال نیکی به او را با عبادت و طاعت خود یکجای کرده است و همچنان شکرگذاری او را با شکرگذاری خود پیوست ساخته است و آنان و الدین هستند.

3- در قرآن کریم توصیه شده است تا فرزندان برای والدین خویش همواره دعای خیر کنند، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ﴾^۳.

ترجمه : پروردگارا ! مرا و پدر و مادر مرا و مؤمنان را بیامرزد و ببخشای در آن روزی که حساب برپا می شود.

و در جای دیگر از زبان نوح علیه السلام چنین حکایت میکند: ﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ

بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا﴾^۴.

۱ - سوره الأحقاف آیه ۱۵ .
۲ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن (ج ۵ ص ۱۸۳).
۳ - سوره ابراهیم آیه ۴۱ .
۴ - سوره نوح آیه ۲۸ .

ترجمه: پروردگارا! من و پدر و مادرم را و هر آن کس را که مؤمن به خانه ام درآید و مردان و زنان مؤمن را بیامرز و ستمکاران را جز نابودی میفرای

بعد از ذکر نمودن آیات قرآنکریم در رابطه به نیکی به والدین به این نتیجه می‌رسیم که نیکی با والدین از جمله کارهای بسیار مهم در حیات مسلمان به حساب می‌آید. مسلمان نه تنها در حالت حیات پدر و مادر به آنها نیکی نماید باید بعد از مرگ شان نیز به آنها نیکی نماید یعنی بعد از مرگ شان قرض شان را باید اداء نماید، با دوستانشان رابطه خوب داشته باشد و همیشه برایشان دعای خیر نماید، چنانچه امام رازی (رحمه الله)^۱ می‌گوید: «أجمع أكثر العلماء على أنه يجب تعظيم الوالدين والإحسان إليهما إحساناً غير مقيد بكونهما مؤمنين»^۲.

ترجمه: اکثریت علما بر این اجماع کرده‌اند که تعظیم والدین و احسان در برابر آنان واجب است و مقید به این قید نیست که آنان مومن باشند.

مطلب دوم: آثار نیکی به والدین در وقایه از وقوع مفاسد:

آثار نیکی به والدین در وقایه از مفاسد گوناگون بسیار می‌باشد که ذیلاً برخی آنها چنین بیان می‌گردد:

۱ - نفرت و دوری از خانواده از مفاسد است چون به سبب آن انسان از کانون گرم خانواده محروم می‌شود و نافرمانی والدین باعث نفرت و اندوهگین کردن پدر و ماد با گفتار یا کردار باشد، از جمله نشانه‌های عدم نیکی و سبب عقوق فرزند می‌شود، اما نیکی در برابر آنان باعث می‌شود تا محبت و صمیمیت در خانواده حکمفرما شود^۳. به همین خاطر خداوند عدم نیکی به پدر و مادر را بعد از شرک قرار داده و میفرماید: ﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾^۴.

ترجمه: بگو: بیانید چیزهایی را برایتان بیان کنم که پروردگارتان بر شما حرام نموده است. اینکه هیچ چیزی را شریک خدا نکنید، و به پدر و مادر نیکی کنید.

^۱ امام رازی (رحمه الله): ابو عبدالله محمد بن عمر بن حسین بن حسن نئیمی بگری طبرستانی رازی، فقیه، متکلم، فیلسوف، مفسر و حکیم مسلمان که در سال ۵۴۴ (قمری) در ری متولد شد، در علوم فقه، تفسیر، کلام، فلسفه، طب و ریاضیات متبحر بود فخر رازی آثار بسیاری در علوم نقلی و علوم عقلی دارد که برخی از مهمترین آنها عبارتند از: تفسیر کبیر که به «مفاتیح الغیب» موسوم است. الاربعین فی اصول الدین، اسرار التنزیل و انوار التاویل، اسرار النجوم، فخر رازی در روز دوشنبه، عید فطر سال ۶۰۶ قمری در شهر هرات در گذشت. اعلام-زرکلی- ۳۱۳/۶. (وفیات الاعیان)- این خلکان- ۲۴۹/۴.

^۲ رازی، تفسیر کبیر (ج ۳ ص ۱۵۱).

^۳ سبأعی، مصطفی سبأعی، الاخلاق الاجتماعية، (ص ۱۶۶).

^۴ سوره انعام آیه ۱۵۱.

از آیه فوق معلوم می شود که عدم نیکی به والدین در ردیف شرک قرار دارد و این نشان می دهد عدم نیکی به والدین مانند شرک آثار منفی دارد چنانچه ابن عاشور (رحمه الله) نوشته است: **أَيُّ وَأَحْسَنُوا بِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا ، وَهُوَ أَمْرٌ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِمَا فَيُفِيدُ النَّهْيَ عَنْ ضَدِّهِ : وَهُوَ الْإِسَاءَةُ إِلَى الْوَالِدِينَ ، وَبِذَلِكَ الْإِعْتِبَارِ وَقَعَ هُنَا فِي عِدَادِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَإِنَّمَا عُدِلَ عَنِ النَّهْيِ عَنِ الْإِسَاءَةِ إِلَى الْأَمْرِ بِالْإِحْسَانِ اعْتِنَاءً بِالْوَالِدِينَ ، لِأَنَّ اللَّهَ أَرَادَ بَرَّهُمَا ، وَالْأَمْرُ بِهِ يَتَضَمَّنُ النَّهْيَ عَنِ الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِمَا بِطَرِيقِ فَحْوَى الْخُطَابِ»^۱.**

ترجمه: یعنی به والدین نیکی کنید؛ این امر به احسان است که ضد آن مفهوم نهی را می رساند و آن عبارت از بدی در مقابل والدین است و به این اعتبار در جمله محرمات قرار گرفته است و علت عدول از نهی به امر احسان به والدین عنایت و توجه به والدین است زیرا خداوند تنها نیکی به آنان را خواسته است و امر به آن متضمن نهی از بدی با آنان به طریق فحوای کلام است.

۲ – نیکی به والدین مستلزم شکر گذاری از آنان است و عدم شکر گذاری در مقابل زحمات آنان از جمله مفسد است مانند فریاد زدن بر سر پدر و مادر و آن به این صورت است که فرزند صدا را بلند کند و با خشونت با آنان حرف زند و خداوند متعال از آن نهی کرده است: ﴿وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾^۲. بر سر والدین فریاد مزین و با سخنان محترمانه با آن دو سخن بگو. اما شکرگذاری والدین یکی از راه هایی است که سبب می شود انسان از این بدبختی خلاص شود به همین خاطر الله متعال انسان را حکم می کند تا پس از شکرگذاری او به والدین شکر گذاری شود: ﴿أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ﴾ (و به انسان را سفارش نمود ایم) که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت (همه) به سوی من است.

سید قطب (رحمه الله) در ذیل تفسیر آیه فوق می نویسد: سفارش کردن فرزندان در حق پدران و مادران در قرآن مجید، و در سفارش های پیغمبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) مکرر آمده است، ولی سفارش کردن پدران و مادران در حق فرزندان جز مقدار اندکی نیامده است، این بخاطری است که فطرت به تنهایی رعایت و عنایت پدران و مادران نسبت به فرزندان را تضمین و تأمین می کند. فطرت پدران و مادران را برمی انگیزد که نسل نوزاد و نوحاسته را بپایند و بدیشان برای ادامه حیات عنایت نمایند، بدان گونه که خدا خواسته است، پدران و مادران فدای فرزندان خود می کنند جسم و اعصاب و عمر و هر چیز

۱ ابن عاشور، التّحریر و التّنویر (ج ۸ ص ۱۵۸).
۲ سوره اسراء آیه ۲۳.

گرايبها و گرامي خود را كه داشته باشند، بدون اين كه آه بر كشدند و ناله سر دهند، و بلكه بدون اين كه متوجه باشند و بدانند كه چه چيزي را مبذول مي دارند! حتي آنچه را كه فدا مي كنند و مبذول مي نمايند با شادي و شادماني و فرح و سرور بر طبق اخلاص مي گذارند! انگار خودشان از آنچه به فرزندان مي بخشند و تقديم مي دارند استفاده مي كنند و بهره مي برند! لذا فطرت به تنهائي ضامن سفارش به پدران و مادران است و به سفارش كنندگان ديگري نياز نيست. ولي فرزندان به سفارشات مكرري نياز دارند تا به نسلي توجه و التفات داشته باشند كه خويشتن را ندا کرده اند و پشت به زندگي نموده اند و بار سفر بر بسته اند و در حال جهان را به درود كردند، پس از آن كه شيره عمر و روح و اعصاب خود را به جام نسلي ريخته اند كه رو به جهان نهاده اند و پذير حيات رفته اند و به اينده خيره گرديده اند! اگر فرزندان همه عمر خود را وقف خدمت به پدران و مادران كنند نمي توانند برخي از آنچه پدران و مادران بذل ايشان کرده اند جبران كنند و جاگزين آن را بدانان دهند^۱.

مبحث دوم: نيكي به همسر:

از نظر قرآن نقش حسن خلق در تأمين سعادت زندگي زناشويي، بسيار عميق و فراگير است و بر تمام شئون زندگي، از قبيل روابط اخلاقي زن و شوهر و نيز شيوه تربيت فرزندان اثر مي گذارد. انسان خوش خلق همواره با زباني نرم، با ديگران سخن مي گويد و بدين روي، آنان را تحت تاثير قرار داده، محبت آنان را به خود جلب مي كند. يكي از مهم ترين روش هاي حل مشكلات و درگيري هاي خانوادگي، خوش برخوردی و رفتار نيكوست. با اخلاق و نيك خويي مي توان آتش خشونت و كدورت را خاموش كرد و محيطي مملوء از صفا و دوستي به وجود آورد و زندگي را شيرين و گوارا ساخت.

مطلب اول: تاكيد بر نيكي به همسر در قرآن:

در مورد نيكي به همسر و آثار و فوايد آن آيات زيادي در قرآن كريم وجود دارد كه در ذيل برخي آن ها نقل مي شود:

۱- رفتار نيك با همسر كه از اين آيه استنباط شده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتَابُوا النِّسَاءَ

كُرْهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ

^۱ سيد قطب، في ظلال القرآن (ج ۵ ص ۲۷۸۸).

فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا^۱!

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! برای شما جایز نیست که زنان را به اکراه ارث برید، و آنها را تحت فشار قرار ندهید تا بخشی از آنچه را که به آنها داده اید با خود ببرید، مگر اینکه مرتکب گناه آشکاری شوند، و با آنها به طور شایسته زندگی کنید و اگر هم آنها را نمی پسندید، چه بسا که شما چیزی را نمی پسندید و خداوند در آن خیر و نیکی فراوانی قرار می دهد.

در تفسیر فی ظلال القرآن در مورد اهمیت معاشرت نیک با همسر و در ذیل آیه فوق چنین می نویسد: «اسلامی که به خانه، بعنوان جای آرامش و آسایش، و امن و امان، و سلامت و رحمت می نگردد، و رابطه شوهر و همسر را مودت و محبت و انس و الفت می نامد، و چنین رابطه و پیوندی را بر آزادی مطلق استوار می دارد، تا اینکه بر همصدایی و مهربانی و دوست داشتن همدیگر، پابرجا و برافراشته گردد»^۲.

۲- رعایت حقوق همسر چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾^۳.

ترجمه: و به نفع ایشان است مانند آنچه بر ضرر ایشان است به خوبی و نیکی

مفهوم این آیه این است که برای زنان در مقابل تکالیف و وظایفی که به عهده دارند حقوقی میباشد، این هم یکی از قواعد اساسی در این باب است که به طور فشرده دنیایی از مفاهیم را برای ما می رساند، چنانچه در روایتی از امام شافعی نقل شده است که او می گوید: «آنچه معروف و خوبی بین زوجین است این است که از کار ناشایست خودداری کنند و حق صاحب حق را تأخیر نیندازند»^۴.

دکتور وهبه زحیلی در مورد این قاعده در تفسیرش می نویسد: «لِلنِّسَاءِ مِنْ حَقِّكَ الزَّوْجِيَّةِ عَلَى الرَّجَالِ مِثْلُ مَا لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ، مِثْلُ حَسَنِ الصَّحْبَةِ وَالْمَعَاشِرَةِ بِالْمَعْرُوفِ، وَتَرْكُ الْمَضَارَّةِ، وَاتِّقَاءُ كُلِّ مِنْهُمَا اللَّهُ فِي الْآخِرَةِ، وَطَاعَةُ الزَّوْجَةِ لَزَوْجِهَا، وَتَزِينُ كُلِّ مِنْهُمَا لِلْآخِرِ، وَتَكُونُ زِينَةُ الرَّجَالِ بِالْمَظْهَرِ اللَّائِقِ

۱ سورة نساء، آية ۱۹.

۲ سيد قطب. في ظلال القرآن. (ج ۲ ص ۳۲۵).

۳ سورة بقره، آية ۲۲۸.

۴ شافعی، محمد بن ادریس، احکام القرآن، دار الکتب العلمیة - بیروت، ۱۴۰۰ (ج ۱ ص ۲۰۴).

والنظافة، واللباس، والتطيب والخضاب، وما يليق بالأحوال في وقت الشباب والكهولة والشيخوخة»^۱.

ترجمه: برای زنان نیز از حقوق زناشویی آن چه است که برای مردان است مانند: حسن صحبت و معاشرت نیک و ترک ضرر و مراعات تقوای خداوند در امور آخرت و همچنان طاعت و فرمان برداری شوهر و آرایش زن و شوهر برای یکدیگر، چنانچه عبدالله بن عباس می گوید: «من برای همسرم آرایش می کنم قسمی که من دوست دارم او برایم آرایش کند» البته زیبایی مردان در سلیقه مناسب، نظافت، لباس، خینه و آنچه در ایام جوانی، پیری و کهن سالی مناسبت دارد، می باشد.

۳- امساک به وجه نیک یا رها کردن به وجه نیک: در زمان جاهلیت معمول بود که مرد، زن خود را طلاق می داد و چون نزدیک بود که عده اش تمام شود به وی مراجعه می کرد و همین که ناراحتی پیش می آمد مجدداً او را طلاق می داد و باز در پایان روزهای عده به وی مراجعه می نمود که این عمل سبب اذیت و آزار زن می گردید، برای حل این مشکل خداوند این آیه را نازل کرد^۲: ﴿الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ﴾^۳.

ترجمه: طلاق دوبار است، پس از آن یا به خوبی نگاه داشتن، یا به نیکی رها کردن.

همچنان در جای دیگر الله متعال فرموده است: ﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَحوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا﴾^۴.

ترجمه: و چون زنان را طلاق دادید و در آستانه انقضای مدتشان رسیدند پس یا بخوبی نگه دارید و یا بشایستگی رهایشان کنید و هرگز به قصد ضرر و زیان ایشان را نگه ندارید.

۴- تهیه خوراک و پوشاک زنان هنگام مادر شدن به وجه نیک: الله متعال می فرماید: ﴿وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ

^۱ زحیلی، دکتور وهبه بن مصطفى، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، دار الفكر المعاصر - دمشق، ۱۴۱۸ هـ (ج ۲ ص ۳۲۸).

^۲ زحیلی، التفسير المنير، (ج ۲ ص ۳۳۲).

^۳ سوره بقره آیه ۲۲۹.

^۴ سوره بقره آیه ۲۳۱.

رَزُقْنَهُنَّ وَكَسُوْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ^۱.

ترجمه: بر صاحب ولد لازم است که مادران فرزندان را روزی و لباس به نیکی بدهد.

۵- مشوره به وجه نیک، قسمی که الله متعال فرموده است: ﴿وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ﴾^۲.

ترجمه: با یکدیگر به وجه زیبا و پسندیده مشورت کنید.

۶- مصرف توانمندی در ادای مسئولیت ها، همانگونه که الله متعال می فرماید: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا

آتَاهَا﴾^۳.

ترجمه: خداوند هیچ کسی را جز بدان اندازه که بدو داده است مکلف نمی سازد.

مفسرین در شرح این آیه می نویسند: «أَيُّ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا أُعْطَاهَا مِنَ الرِّزْقِ، فَلَا يُكَلِّفُ الْفَقِيرَ بَأَنْ يَنْفِقَ عَلَى الزَّوْجَةِ وَالْقَرِيبِ الرَّحِمِ مَا لَيْسَ فِي وَسْعِهِ»^۴.

ترجمه: یعنی الله متعال هیچ نفسی را به جزء آنچه که از روزی به وی بخشیده است، مکلف نمی گرداند، پس فقیر و خویشاوند را مکلف نمیگرداند تا بر همسر و نزدیکان خودشان، فوق توان خرچ کنند.

می توانیم بگوییم که این قاعد از قواعد طلایی قرآن کریم است که نظیر آن در هیچ کتاب و قانونی دیده نمی شود، هرچند این قاعده حکم عمومی دارد اما در لایه لای احکام زنا شوهری در قرآن کریم آمده است و نشان می دهد که در امور زنا شوهری هرکس به انداز توانش مکلفیت و مسئولیت دارد، آیه مکمل قرار ذیل است: ﴿لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾^۵.

ترجمه: هرکسی که ثروت و دارائی دارد باید از آن نفقه زن خود را بپردازد و هرکس اندک روزی باشد

۱ سورة البقرة، آية ۲۳۳.

۲ سورة طلاق آية ۶.

۳ سورة طلاق آية ۷.

۴ زحلی، دكتور وهبه بن مصطفى، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، (ج ۲۸ ص ۷۲۸).

۵ سورة طلاق آية ۷.

باندازه آنچه که خداوند به وی داده است نفقه زنش را بپردازد. برآستی خداوند هرکسی را باندازه آنچه که به وی داده است مکلف می سازد. خداوند عسرت و تنگی را به گشایش و یسر تبدیل می کند.

۷- حفظ عفاف و اسرار زناشوهری، چنانچه الله متعال فرموده است: ﴿هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ﴾^۱.

ترجمه: زنان لباس شمایند و شما لباس آنانید.

در این قاعده زن و شوهر برای یکدیگر لباس تلقی شده اند و لباس پوشاننده و حفظ کننده است، این پیوند موجود میان شوهر و همسر نیز چنین است چون هر یک از آن دو یک دیگر را می پوشانند و محفوظ می دارند. در تفسیر البحر المحیط می نویسد: «يُقَالُ لِلْمَرْأَةِ هِيَ لِبَاسُكَ، وَفِرَاشُكَ، وَإِزَارُكَ لِمَا بَيْنَهُمَا مِنَ الْمَمَازِجَةِ وَلَمَّا كَانَ يَعْتَقِنَانِ وَيَشْتَمِلُ كُلُّهُمَا صَاحِبَهُ فِي الْعِنَاقِ، شُبَّهَ كُلُّهُمَا بِاللِبَاسِ الَّذِي يَشْتَمِلُ عَلَى الْإِنْسَانِ»^۲.

ترجمه: در زبان عربی برای همسر لباس، فراش و ازار گفته می شود چون در میان آنان آمیختگی زیاد است و هردو با هم معانقه می کنند و یکی دیگر را در آغوش می گیرد بناءً هردو به لباسی که انسان را می پوشاند تشبیه شده است.

۸- مراقبت حضور خداوند در ادای مسئولیت، قسمی که الله متعال فرموده است: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا

فِي أَنْفُسِكُمْ فَأَحْذَرُوهُ﴾^۳.

ترجمه: بدانید که خداوند آنچه را در دل دارید می داند، پس از مخالفت فرمان او بترسید.

قرآن کریم در اینجا از ارزش خاصی در علاقات و پیوندهای موجود میان مرد و زن اشاره شده است و این قاعده زمانی گفته شده است که خداوند از روابط زناشوهری سخن می گوید و گویا ما را هشدار می دهد که در قبال همسران خویش مسئولیت تان را ادا نمایید و از مخالفت قوانین و حدود الهی پرهیز کنید. چنانچه در تفسیر «المنار» می نویسد: «هَذَا التَّحْذِيرُ رَاجِعٌ لِلْأَحْكَامِ الَّتِي تَقَدَّمَتْ مِنَ التَّعْزِيزِ وَغَيْرِهِ جَاءَ

^۱ سوره بقره آیه ۱۸۷.

^۲ ابوحیان، محمد بن یوسف مشهور به ابی حیان اندلسی، دار الکتب العلمیة - لبنان/ بیروت - ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۱ م (ج ۲ ص ۵۵).

^۳ سوره بقره آیه ۲۳۵.

عَلَىٰ أَسْنُوبِ الْقُرْآنِ وَسُنَّتِهِ فِي قَرْنِ الْأَحْكَامِ بِالْمَوْعِظَةِ تَرْغِيبًا وَتَرْهِيبًا ، تَأْكِيدًا لِلْمَحَافِظَةِ عَلَيْهَا وَالْإِتِّفَاتِ إِلَيْهَا»^۱.

ترجمه: این هشدار راجع به احکامی است که قبلا در مورد تعریض زنان مطلقه که در حال سپری نمودن عدت هستند و مطابق اسلوب و روش قرآن در مورد بیان احکام به طور موعظه و ترغیب و ترهیب به هدف تاکید روی محافظت و توجه به امور خانوادگی صورت گرفته است.

۹- احترام به زن مطلقه، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَلِلْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾^۲.

ترجمه: برای زنان طلاق داده شده هدیه دادن است به شایستگی است و این حقی است بر عهده متقین.

در تفسیر فی ظلال القرآن می نویسد: «برخی از فقهاء معتقدند که این آیه نیز منسوخ به احکام سابق است ... لیکن نیازی به نسخ نیست زیرا حق متاع غیر حق نفقه است و آنچه بر الهامات قرآنی در این مجال هماهنگ و سازگار است معین کردن هدیه و دادن ارمغانی است به هر زن مطلقه ای ، اعم از آنکه با او نزدیکی زناشویی شده باشد و چه نشده باشد، و آنکه برای او مهریه ای مشخص شده باشد و چه مهریه ای معلوم نشده باشد. زیرا با دادن هدیه و اعطاء ارمغان ، نمی در فضایی خشک طلاق پدیدار می شود، و جانهایی که به وسیله جدائی ، از هم رمان و گریزان بوده خشنودی می یابند، و درد طلاق و سوز فراق کاستی می گیرد. در آیه پیام دیگری نیز وجود دارد که برانگیختن حس تقوی و پیوند کارها بدان است . و تقوی خود یگانه ضامن معتبر و مؤکد و کافی و بسنده است»^۳.

۱۰- جستجوی خیر از همسر حتی در صورت دوست نداشتن، چنانچه الله متعال فرموده است: ﴿فَإِنْ

كُرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾^۴.

ترجمه: اگر از زنان را خوش ندارید پس (شتاب نکنید) چون بسا از چیزها به شما نا پسند است اما خداوند برای شما در آن خیر فراوانی قرار می دهد.

۱ رشید رضا، محمد رشید بن علی رضا، (ت: ۱۳۵۴هـ) تفسیر القرآن الحسیر المنار، الهيئة المصرية للكتاب، ۱۹۹۰ م (ج ۲ ص ۳۳۹).

۲ سوره بقره آیه ۲۴۱.

۳ سید قطب. فی ظلال القرآن. (ج ۲ ص ۴۰۳).

۴ سوره بقره آیه ۲۱۶.

این حکم به خاطری است که پیمان زناشویی به زودی بهم نخورد، بلکه در باره اش دقت و تأمل کنند، تا با هر وسوسه ای که بر دل می گذرد، پیمان محکم از دواج از هم نپاشد. و به خاطری است که به پیمان زناشویی احترام گذاشته شود.

۱۱- وفاداری به میثاق و پیمان محکم: اسلام عقد از دواج را یک پیمان محکم و استوار نام گذاشته است زیرا زندگی زناشویی از دیدگاه قرآن و سنت فقط بر علاقه جنسی بنا نشده است چنانچه خداوند متعال در این خصوص می فرماید: ﴿وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانٍ زَوْجٍ وَأَنْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مُبِينًا * وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا﴾^۱.

ترجمه: اگر خواستید همسری را به جای همسری دیگر برگزینید، هر چند مال فراوانی را مهریه یکی از آنان قرار داده باشید. برایتان روا نیست که چیزی از آن مال را دریافت کنید. مگر با بهتان و گناه آشکار می خواهید آن را دریافت دارید. * چگونه برای شما سزاوار است که آن را دوباره پس بگیرید؟ در حالی که با هم معاشرت داشته اید (و گذشته از این) زنان پیمان محکمی (را هنگام از دواج) از شما گرفته اند.

مطلب دوم: اثر نیکی به همسر در وقایه از وقوع در مفاسد:

نیکی به همسر آثار زیادی در وقایه از وقوع مفاسد دارد که ذیلاً به قسمتی از آن ها اشاره می شود:

۱- نیکی به همسر باعث می شود تا انسان مستحق رحمت شود و از نفرت و دشمنی که از مفاسد بزرگ اجتماعی و خانوادگی است نجات یابد به همین خاطر از نظر قرآن هر کدام از زن و شوهر مسئولیت دارند نسبت به یکدیگر دوست و مهربان باشند، آنان میان خود باید بیشترین دوستی و مهربانی را در طول زندگی داشته باشند و با محبت و همدلی زندگی کنند چون مودت و رحمت میان همسران نشانه ای از نشانه های خداوند است چنانچه در قرآن کریم الله متعال فرموده است: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾^۲.

ترجمه: از نشانی های قدرت الهی این است که از خود شما (یعنی از انسان ها) همسرانی برای شما

^۱سوره نساء آیه ۲۰ و ۲۱.

^۲سوره روم آیه ۲۱.

آفریده است تا شما در صحبت آنان زیسته، سکون و آرامش حاصل کنید، و میان شما دوستی و مهربانی را برقرار کرده است.

پس به اثر نیکی است که زن و مرد در قالب ازدواج از همدیگر لذت می‌برند و با برخورداری از فرزندان و تربیت آنها بهره‌مند می‌شوند و شوهر در کنار زن آرام می‌گیرد. پس دوستی و مودتی که در بین زن و شوهر است در میان هیچ گروه دیگری یافت نمی‌شود.^۱

همچنان خداوند متعال در قرآن کریم خانه‌ای را که در آن همسر زندگی است، مایه آرامش قرار داده است: ﴿وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا﴾^۲.

ترجمه: و خدا برای شما خانه‌هایتان را مایه‌ی آرامش قرار داد.

۲- نیکی به همسر سبب می‌شود تا انسان در صف عباد الرحمن قرار گیرد زیرا قرآن کریم یکی از صفات مهم عباد الله یا بندگان خاص خداوند را دعای نیک در حق همسران عنوان کرده است تا برای داشتن یک خانواده پاک و عاری از فساد و بدبختی دعا کنند چنانچه می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾^۳.

ترجمه: و بندگان رحمان کسانی هستند که می‌گویند: پروردگارا! همسران و فرزندان به ما عطاء فرما (که سبب انجام طاعات و عبادات و دیگر کارهای پسندیده، و مایه سرور ما و باعث روشنی چشمانمان گردند، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان به گونه‌ای که در صالحات و حسنات به ما اقتداء و از ما پیروی نمایند).

3- نیکی به همسر سبب نجات از هلاکت می‌شود چنانچه قرآن کریم عاقبت عدم نیکی و توجه به همسر را نهایت خطرناک دانسته چنانچه می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا

۱ سعدی، تفسیر الکریم الرحمن، (ج ۹ ص ۷۱).

۲ سوره نحل آیه ۸۰.

۳ سوره فرقان آیه ۷۴.

النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿١﴾

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! خودتان و خانواده هایتان را از آتشی نجات دهید که سوخت آن انسان ها و سنگ ها هستند.

در آیه فوق الله متعال به مومنان حکم کرده است تا متوجه خود و خانواده شان باشند و آنان را از عذاب نجات دهند و این در حقیقت نشان می دهد که عدم توجه به خانواده و عدم رفتار درست با همسر باعث هلاکت می شود، قسمی که سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن نوشته است: «قطعاً شخص مؤمن مکلف و موظف است اهل و عیال خود را رهنمود و رهنمون کند، و خانه و خانواده خویش را اصلاح و خوب و نیک نماید، همان گونه که مکلف و موظف است خود را رهنمود و رهنمود کند، و دل خویش را اصلاح و خوب و نیک گرداند. اسلام دین خانواده است، تکلیف و وظیفه مؤمن این است که پیش از هر کس دیگری به خانه و اهل و خانواده خود رو کند. بر او واجب است این قلعه را از داخل بپاید و آن را ایمن نماید. لازم است مؤمن سوراخهای این قلعه را ببندد، پیش از آن که از این قلعه بیرون برود، و دور از آن دست اندر کار دعوت بشود، و بدون شک همسر نقش بزرگی در این قلعه دارد و قطعاً باید همسر مسلمان باشد که آن را نگه دارد چه پدر مسلمان به تنهایی نمی تواند قلعه خانه را ایمن گرداند و از تاخت و تازها مصوون و محفوظ سازد. باید پدری و مادری باشند که به پاسداری از دختران و پسران پردازند. بیهوده است مرد بکوشد جامعه اسلامی را از مجموعه ای از مردان پدید آورد. قطعاً باید زنانی در این جامعه باشند. زیرا زنان پاسداران نسل جوان هستند، و نسل جوان دانه ها و میوه های آینده اند.^۲

۴- نیکی به همسر سبب می شود تا زنان آزادی خود را حس کنند و از مفسده حبس و بردگی نجات یابند

چنانچه الله متعال فرموده است: ﴿وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ﴾^۳.

ترجمه: به زنان ضرر نرسانید تا ساحه برایشان تنگ کنید.

این آیه نشان می دهد که هیچ نوع ضرر رسانیدن به همسر از جانب شوهر قابل قبول نیست و خداوند

۱ - سوره التحريم آیه ۶.
۲ سید قطب، فی ظلال القرآن (ج ۶ ص ۳۵۴۳).
۳ سوره طلاق آیه ۶.

از اینکه همسر در تنگنا قرار گیرد منع کرده است، و همسر باید در کارهای مشروع خود باید آزاد باشد، در تفسیر این آیه چنین تفسیر شده است: «لا تضاروهن أي لتلجئوهن إلى الخروج بشغل المكان أو بإسكان من لا يردن السكنى معه»^۱.

ترجمه: یعنی زنان را مجبور نکنید تا خارج شوند یا آنان را در جایی و با کسانی سکونت دهید که خوش ندارند.

مبحث سوم: تعاون و کمک به دیگران:

اسلام دین تعاون و همکاری است و تمام مسلمانان را تشویق میکند تا به یکدیگر کمک نمایند، در جامعه ای که افراد با همدیگر همکاری نمایند آن جامعه ترقی میکند و افراد آن جامعه به وجه احسن زندگی خود را به پیش میبرند، در این مبحث به اهمیت و نقش تعاون در دفع مفسد اشاره می شود:

مطلب اول: تاکید بر نیکی به تعاون در قرآن:

قرآن کریم کلام خداوند و بهترین قانون زندگی است و به تعاون به دیگران توصیه نموده است که در ذیل به برخی آیات آن اشاره می شود:

1- قرآن کریم مسلمانان را به کمک و همکاری مامور می سازد، چنانچه می فرماید: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ

وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^۲.

ترجمه: و یکدیگر را بر نیکی و پرهیزگاری کمک نمایید و همدیگر را بر انجام گناه و تجاوز یاری نکنید. و از خدا بترسید، همانا خدا کیفر شدیدی دارد.

2- قرآن کریم به دادن حق صاحبان قرابت، مسکینان و مسافران امر کرده است و این نوعی همکاری و

کمک می باشد، چنانچه می فرماید: ﴿وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا﴾^۳.

ترجمه: و حق خویشاوند و بینوا و در راه مانده را بپردازد و به هیچ وجه اسراف مکن.

۳- خداوند موسی (علیه السلام) را بسوی فرعون فرستاد؛ تا او را به سوی بندگی خداوند یکتا فراخواند.

۱- مراغی، أحمد مصطفی المراغی، تفسیر المراغی، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي، (ج ۱ ص ۵۱۵۹).

۲- سوره المائده آیه ۲.

۳- سوره الإسراء آیه ۲۶.

موسی (علیه السلام) از خداوند درخواست کرد تا برادرش هارون را همراه او مسئولیت بدهد تا او را یاری رسانده و در فراخواندن فرعون پشتیبانش باشد و گفت: ﴿وَاجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِّنْ اَهْلِي. هَارُوْنَ اَخِي. اشْدُدْ بِهٖ اَزْرِي. وَاشْرِكْهُ فِيْ اَمْرِي﴾^۱.

ترجمه: و برای من دستیاری از کسانم قرار ده. هارون برادرم را. پشتم را به او استوار کن. و او را شریک کارم گردان.

خداوند متعال دعای موسی -علیه السلام- را قبول کرد و هارون را برای یاری به او برگزید. آن دو در دعوت بسوی خداوند متعال همیاری نمودند. خداوند نیز آنان را نصرت بخشیده و بر فرعون و لشگریان او پیروزشان گردانید^۲.

در احادیث نیز به تعاون و همکاری زیاد تاکید شده است چنانچه در حدیثی آمده است: **عن عامر(رضی الله عنه) قال : سمعته يقول سمعت النعمان بن بشير يقول : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: تری المؤمنین فی تراحمهم وتوادهم وتعاطفهم كمثل الجسد إذا اشتكى عضوا تداعى له سائر جسده بالسهر والحمى**^۳.

ترجمه: عامر رضی الله عنه گفت: شنیدم از نعمان بن بشیر که میگفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: مؤمنین در تراحم نسبت به یکدیگر، محبت و تعاون شان نسبت به یکدیگر مثل یک جسد هستند؛ وقتیکه یک عضو آن مریض شود تمام جسد تا صبح بیدار مییاشد و تب میکند.

همچنان در حدیث دیگر گفته شده است که مؤمن در تعاون با مؤمن دیگر مانند یک ساختمان است: **عن ابي موسى عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: إن المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضا ، وشبك أصابعه**^۴.

ترجمه: از ابو موسی روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: هر آینه مؤمن در تعاون و همکاری با مؤمن دیگر مثل یک ساختمان است که بعضی از آنهاى دیگر شان را محکم میگیرد.

^۱ سوره طه آیه ۲۹ - ۳۲.

^۲ تفسیر المراعى، (ج ۹، ص: ۵۷) ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم (ج ۶ ص ۱۳۷).

^۳ - صحیح البخاری، شماره حدیث: ۶۰۱۱. کتاب الاخلاق، باب رَحْمَةِ النَّاسِ وَالْبَهَائِمِ،

^۴ - صحیح البخاری، شماره حدیث: ۲۴۴۶، کتاب الاخلاق، باب نَصْرِ الْمَظْلُوْمِ.

مطلب دوم: اثر تعاون در وقایه از وقوع در مفساد:

شکی نیست که تعاون و همکاری با دیگران آثار زیادی در وقایه از وقوع در مفساد در زندگی انسان دارد که به چند موارد آن در اینجا اشاره می شود:

1- تعاون و همکاری یک دیگر باعث افزایش قوت و اخوت ایمانی و سبب از بین رفتن حسد، کینه و دشمنی می شود به همین خاطر قرآن کریم همه مومنان را برادر هم می خواند و این در حقیقت تشویق به همکاری و تعاون در مقابل یکدیگر است چنانچه می فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^۱.

ترجمه: هر آینه مؤمنان برادرانند میان برادرانتان آشتی بیفکنید و از خدا بترسید، باشد که بر شما رحمت آرد.

در اینجا مؤمنان از تجاوز و تعدی بر همدیگر و از اینکه یکدیگر را بکشند نهی شده اند، و دستور داده شده اند که هرگاه دو گروه از مومنان با یکدیگر به جنگ پرداختند دیگر مومنان باید جلوی این شرّ بزرگ را بگیرند و صلح و آشتی میان آنها برقرار کنند، و میان آن ها میانجی گری نمایند تا صلح برقرار شود. و باید همه راه هایی که به صلح می انجامد را در پیش بگیرند^۲.

2- تعاون و همکاری باعث تقویه روحیه دوستی و محبت و عامل از بین رفتن مفساد و منکرات می شود چنانچه قرآن کریم منان را دوستان یکدیگر گفته است و این در حقیقت تشویق همکاری تعاون یکدیگر است، چنانچه می فرماید: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^۳.

ترجمه: و مردان و زنان مؤمن دوستان و یاوران یکدیگرند، به معروف امر می کنند و از منکر نهی می نمایند و نماز را برپای می دارند، و زکات را می پردازند و از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری می

۱ - سوره الحجرات آیه ۱۰.
۲ - سعدی، تیسیر الکریم الرحمن، (ج ۱۰ ص ۴۱۰).
۳ - سوره توبه آیه ۷۱.

کنند. ایشان کسانی هستند که خداوند آنان را مشمول رحمت خود می گرداند، بی گمان خداوند توانا و حکیم است.

از آیه فوق معلوم می شود که الله متعال مسلمانان را به همکاری و تعاون تشویق کرده است زیرا لازمه دوستی همکاری و تعاون است چنانچه حافظ ابن کثیر (رحمه الله) آیه «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» را چنین تفسیر می کند: **أَي يَتَنَصَّرُونَ وَيَتَعَاذُونَ**^۱. یعنی یک دیگر را همیاری و پشتیبانی می کنند.

۳- به اثر تعاون و همکاری انسان ها می توانند از خطرهای بزرگ خود را نجات دهند، چنانچه در قرآن کریم الله متعال به داستان ذی القرنین اشاره می کند که خداوند سبحان به او پادشاهی و قلمرو وسیع و بزرگی را بخشیده بود که تمام زمین را از مشرق به سمت مشرق فتح کرده بود و به عدل و داد حکم می کرد و اوامر خداوند را اجرا می کرد. در همان زمان قومی به نام یاجوج و ماجوج بر روی زمین به فساد و تباهی پرداخته و به همسایگانش می تاختند و اموالشان را به تاراج می بردند و ظلم و ستم بسیار روا می داشتند. اقوام ضعیف تر از ذی القرنین خواستند تا به فریادشان برسد و به آنان کمک کند تا بین خویش و یاجوج و ماجوج سدی را بنا نهند^۲: **﴿قَالُوا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا﴾**^۳.

ترجمه: گفتند ای ذوالقرنین یاجوج و ماجوج سخت در زمین فساد می کنند آیا (ممکن است) مالی در اختیار تو قرار دهیم تا میان ما و آنان سدی قرار دهی؟

ذی القرنین از آنان خواست تا همه باهم متحد گشته و یکپارچه شوند، چون ایجاد چنان دیوار عظیمی نیازمند تلاش و کوشش بسیار زیادی بود. آنان می بایست در میان دشت و صحرا و کوهستان ها گودال هایی را حفر کرده و به جستجوی آهن می پرداختند تا سد را برپا نمایند. خداوند متعال می فرماید: **﴿قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا﴾**^۴.

ترجمه: گفت آنچه پروردگارم به من در آن تمکن داده از کمک مالی شما بهتر است مرا با نیرویی

۱ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، (ج ۶، ص: ۳۴۹).

۲ زحیلی، التفسیر المنیر (ج ۱۶ ص ۱۸).

۳ سوره کهف آیه ۹۴.

۴ سوره کهف آیه ۹۵.

(انسانی) یاری کنید تا میان شما و آنها سدی استوار قرار دهد.

مردم همگی با ذی القرنین همیاری و همکاری نمودند تا مقدار مورد ضرورت از آهن را استخراج نمودند که ارتفاع آن به بلندی کوه ها می رسید. تمام این آهن را گداختند و سدی عظیم بنا کردند که به سبب همین همکاری و تعاون آنان را از شر همسایه ی ویرانگرشان در امان می داشت^۱.

تعاون و همکاری در دفع مفاسد نقش زیاد دارد چون هرگاه انسان با دیگران و کسانی که به کمک و همکاری نیاز دارند همکاری کند این سبب می شود که کسی به فساد دست نزند، با کمک به دیگران افراد میتوانند از تجارب یکدیگر در تمام عرصه های زندگی استفاده نمایند، انسان میتواند وقت خود را تنظیم کند و از آن استفاده زیاد نماید، کمک به دیگران یکی از ثمرات اخوت اسلامی است، با کمک به دیگران از ظلم کردن بالای دیگران جلوگیری میشود، با کمک به دیگران از افراد حمایت صورت میگیرد، با کمک به دیگران هر کاریکه باشد آسان میشود و به شکل احسن انجام میشود، کمک به دیگران از بزرگترین عوامل کامیابی و پیشرفت فرد است، کمک به دیگران یکی از ثمرات ایمان است، کمک به دیگران سبب رضای الله تعالی میشود، کمک به دیگران باعث از بین رفتن کینه و حسد در قلب انسانها میشود و کینه و حسد بزرگ ترین عوامل انتشار فساد هستند، همچنان کمک به دیگران باعث از دیاد روابط برادری در بین افراد میشود و توسط کمک به دیگران کارهای زیاد در وقت کم به وجه احسن انجام میشود^۲.

۱ ابوحیان، تفسیر البحر المحیط، (ج ۶ ص ۱۵۵).

۲ - علی خلیل مصطفی، القيم الإسلامية والتربیة، (بیروت: دار طبیة، الطبعة الأولى، ۱۹۸۰ م) (ص ۳۴).

مبحث چهارم: عدالت و نقش آن در وقایه از مفسد:

در قرآن کریم به عدالت در تمام جوانب و قضایای زندگی تاکید شده است و این نشان می دهد که عدالت نقش بزرگی در دفع مفسد دارد، در این مبحث به این بحث پرداخته می شود:

مطلب اول: تاکید قرآن بر تامین عدالت:

در مورد عدالت و آثار و فواید آن آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که در ذیل برخی آن ها نقل می شود:

۱- موضوع عدالت اجتماعی در قرآن کریم به عنوان یک اصل مهم مورد توجه قرار گرفته است و انسان را به اجرای آن مامور ساخته است چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾^۱.

ترجمه: همانا خداوند به عدالت، احسان و دادن حق اقارب امر می نماید و از بی حیایی، منکرات و تجاوز منع می کند و به شما پند می دهد تا همه چیز را به یاد آورید.

۲- الله متعال پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- به اجرای عدالت تاکید نموده و این گونه مورد خطاب قرار داد: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُن لِّلْخَائِنِينَ خَصِيمًا﴾^۲.

ترجمه: (ما کتاب (قرآن) را به حق بر تو نازل کرده ایم تا میان مردمان طبق آنچه خدا به تو نشان داده است فیصله کنی بناءً تو مدافع خائنان نباش!).

در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم قضیه دزدی رخ داده بود و یک طرف آن مردی به ظاهر مسلمان و طرف مقابل آن یک مرد یهودی بود، آیه های مبنی بر تایید و حق بودن مرد یهودی در آن قضیه نازل شد^۳.

۳- یکی از موارد اساسی که کمال توجه قرآن را به عدالت اجتماعی نشان می دهد این است که خداوند هدف بعثت پیامبران اجرا و تطبیق عدالت در میان انسان ها می داند ﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي

^۱ سوره نحل آیه ۹۰.

^۲ سوره نساء آیه ۱۰۵.

^۳ زحیلی، التفسیر المنیر، (ج ۵ ۲۶۰-۲۶۳) ابن عاشور، التحریر و التتویر (ج ۸ ص ۱۴۷).

الأرضِ فاحكمم بين الناس بالحق ولا تتبع الهوى فيضلك عن سبيل الله إن الذين يضلون عن سبيل الله لهم عذاب شديد بما نسوا يوم الحساب^١.

ترجمه: ای داود! ما تو را در زمین نماینده خود و جایانشین پیامبران گذشته ساخته ایم پس در میان مردم به حق داور کن و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف می سازد. بی گمان کسانی که از راه خدا منحرف می گردند عذاب سختی به خاطر فراموش کردن روز حساب در انتظار دارند.

مواردی بسیاری را در قرآن کریم مشاهده می کنیم که به اجرا و تطبیق عدالت در آن ها به گونه صریح و ضمنی تاکید و توصیه شده است به گونه مثال این موارد:

الف: عدالت در گفتار: اسلام دین اعتدال و میانه روی است و بر اجرای عدالت در تمام عرصه های زنده گی امر کرده است حتا در سخن گفتن چنانچه قرآن کریم به صراحت می گوید: ﴿وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^٢.

ترجمه: و هنگامی سخن گفتید عدالت را مد نظر بگیرید اگر چه کسی که در موردش سخن می گوئید از نزدیکان شما باشد و به عهد الله وفا کنید، این است توصیه خداوند به شما تا باشد پند بگیرید.

ب: عدالت در حکم: بنیادی ترین چیزی که نیاز به عدالت در آن محسوس است اجرای احکام جزایی و فیصله ها است در این مورد نیز قرآن در چندین آیه به عدالت و غیر جانب داری از یک طرف قضیه دستور داده است ﴿وَإِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾^٣.

ترجمه: و اگر حکم کردی پس به عدل و انصاف در میان شان حکم کن زیرا خداوند عدالت پیشه گان را دوست می دارد.

پس اجراء و تطبیق عدالت در جامعه از برجسته ترین راهکارهای قرآن جهت برقراری امنیت

^١. سوره ص آیه ٢٦.
^٢. سوره انعام آیه ١٥٢.
^٣. سوره مائده آیه ٤٢.

اجتماعی است.

ج: عدالت در صلح: در نظر داشتن عدالت در قضایای صلح و میان جگری میان دو جناح درگیر، تنها راهکاری هست که می تواند طرف ثالث بالخیر را در پروسه صلح موفق بسازد و اگر چنین نباشد هرگز آنان نخواهند توانست میان دو گروهی از مسلمانان که باهم می جنگند راه مصالحه و گفت و گو را باز کنند.

عدالت در صلح به این معنا است که جانب سوم، به یک جهت میلان نداشته باشد بلکه راهی را انتخاب نماید که در آن خواسته های هر دو طرف مد نظر گرفته شود.

در شرایطی کنونی کشور ما، اساسی ترین چیزی که به آن نیاز بیش تر احساس می شود، قضیه صلح است اما تا هنوز مردم افغانستان پس از چندین دهه جنگ و بدبختی نتوانستند به این هدف نایل آیند چون تلاش های که در این خصوص صورت می گیرد اکثراً یک جانبه اند، اما طرح ای که قرآن برای تحقق صلح طرح کرده است شرط اول آن در نظر داشتن عدالت میان جانبین است، به این آیه توجه کنید! ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾^۱.

ترجمه: و اگر دو گروهی از مومنان با هم درگیر شوند، شما در میان شان صلح کنید و هرگاه یکی از این گروه ها بر بالای دیگری تجاوز نمود با گروه بغاوت کننده بجنگید تا به امر خداوند رجوع کند و هرگاه این هدف به دست آمد شما در میان شان به عدالت صلح بیاورید و عدالت را در نظر بگیرید چون خداوند عدالت پیشه گان را دوست می دارد.

مطلب دوم: آثار و پیامد های عدالت در وقایه از مفسد:

بیدون شک هیچ چیزی در راستای تحقق امنیت کامل یک جامعه انسانی، سودمند تر و مؤثر تر از اجرای کامل عدالت اجتماعی و اجرای قانون به شکل مساویانه در میان مردم نیست و به این اساس گفته می توانیم هر کشوری که در آن عدالت مرعی الاجرا نبود، امنیت نیز از آنجا کوچ خواهد کرد و جای آن

^۱. سوره حجرات آیه ۹.

را مفسد زیادی می گیرد یا به عبارت دیگر هر کشور و منطقه ای را یافتیم که مردمانش در امنیت و آرامش به سر نمی برند و با مشکلات امنیتی دست و پنجه نرم می کنند، باید بدانیم که عدالت اجتماعی در آنجا عملاً تطبیق نه شده است، عدالت در جامعه آثار زیادی دارد که ذیلاً به برخی آن ها اشاره می شود:

۱- برپا داشتن عدالت از بزرگترین کارهایی است که مفسد را از جامعه دور می کند و انسان هارا به تقوا و پرهیزگاری نزدیک می نماید چنانچه الله متعال گفته است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾^۱.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! بر انجام واجبات الهی مواظبت داشته باشید، و به دادگری گواهی دهید، و دشمنی گروه و قومی شما را بر آن ندارد که دادگری نکنید، دادگری کنید که دادگری به پرهیزگاری نزدیکتر است، و از خدا بترسید، همانا خدا به آنچه می کنید آگاه است.

اجرای عدالت بیانگر دیانت و پرهیزگاری کسی است که آن را پیشه خود نموده است. و بر جایگاه رفیع او در اسلام دلالت می نماید. پس کسی که خیر خواه خودش است و می خواهد نجات یابد، باید بی نهایت به دادگری توجه داشته باشد و همواره آن را مد نظر خویش قرار دهد و باید هر چیزی را که او را از عمل به عدالت باز دارد از خودش دور نماید. و بزرگترین مانع در راستای اقامه دادگری و عدالت، پیروی از هوی و هوس است. بنابراین خداوند به دوری جستن از این مانع تذکر داد و فرمود: «وَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ»^۲ از شهوات خود که مخالف حق است پیروی نکنید، زیرا اگر از آن پیروی کنید از حق منحرف شده و از اقامه عدالت و دادگری باز می مانید، چرا که هوی و هوس بینش و بصیرت آدمی را کور می گرداند، تا جایکه حق را باطل می بیند، و باطل را حق می پندارد. یا اینکه حق را می شناسد اما آن را به خاطر تبعیت از هوای نفس ترک می کند. پس هرکس از شرّ هوی و هوس خود سالم بماند، حق را دریافته و به راه راست هدایت شده است^۳.

۱ سوره مائده آیه ۸.

۲ سوره نساء آیه ۹۳.

۳ ابن عاشور، التحریر و التتویر (ج ۸ ص ۱۴۷) سعدی، تیسیر الکریم الرحمن، (ج ۲ ص ۳۹۸) تفسیر ابن کثیر (ج ۱ ص ۵۶۵) تفسیر الفخر الرازی (ج ۱۱ ص ۷۴).

پس از آنکه بیان کرد که قیام به دادگری و عدالت واجب است، از مخالفت باین اصل نیز نهی نمود، و آن عبادت است از، پیچاندن زبان در شهادت، حق کشی، و تحریف کردن سخن، به صورت جزئی و یا به صورت کلی. تحریف شهادت، و کامل ادا نکردن، و تاویل نمودن آن نیز در این موضوع داخل است و همه موارد مذکور پیچاندن زبان در شهادت محسوب می شوند، زیرا انحراف از حق است.

۲- ترک عدالت فساد را به بار می آورد به طور مثال در قرآن کریم به عدالت در ترازو و پیمانانه امر شده است که انسان مسلمان ترازو و پیمانانه را به عدالت تمام سنجیده و با رعایت عدل و انصاف و زن نموده و حق و حقوق دیگران را کم حساب نمی کند. او جزو کسانی نمی شود که در خرید بیش از حقشان برداشته و در فروش ترازو و پیمانانه را کم تر می سنجند، خداوند متعال کسانی را که چنان عمل نمایند نوید ترسناکی داده است^۱ چنانچه می فرماید: ﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزِنُوهُمْ يُخْسِرُونَ * أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ * لِيَوْمٍ عَظِيمٍ﴾^۲.

ترجمه: وای بر کم فروشان! که چون از مردم پیمانانه ستانند تمام ستانند. و چون برای آنان پیمانانه یا وزن کنند به ایشان کم دهند. مگر آنان گمان نمی دارند که برانگیخته خواهند شد؟ در روزی بزرگ؟.

پس معلوم است که اگر عدالت در ترازو و پیمانانه و سایر امور اقتصادی و اجتماعی مراعات نشود تمام جامعه را فساد تسخیر می کند، چنانچه سید قطب در ذیل تفسیر آیه فوق نوشته است: نصوص قرآنی در اینجا اشاره دارند به این که کاهندگان و کم دهندگانی که خداوند جهان ایشان را به هلاک و نابودی تهدید می کند، و این چنین جنگی را بر علیه ایشان اعلان می دارد، همان طبقه بالا و بزرگان صاحب نفوذ بودند، صاحبان نفوذی که می توانستند مردمان را وادار به کاری کنند که خود می خواستند اما به اثر بی عدالتی به هلاکت روبرو شدند^۳.

عدالت یکی از اساسات تشکیل جامعه اسلامی است. بناءً در نظام اسلام به این اصل اهمیت خاصی داده شده است، عدالت از ستونهای مهم کاخ سعادت جامعه بشری شناخته شده است. و یگانه راهی است که

^۱ زحیلی، التفسیر المنیر (ج ۸ ص ۲۹۲).

^۲ سوره المطففین آیه های ۱ - ۵.

^۳ سید قطب، فی ظلال القرآن (ج ۶ ص ۲۱۴).

افراد یک جامعه را از اِتلاف حقوق، ظلم و تعدی مامون می سازد و در پرتو آن می توانند به فراغت خاطر زندگی کنند و از منافع زندگی لذت ببرند. در جامعه که اصول عدالت اجتماعی اسلام بر قرار و مردم از آن برخوردار نباشند هرگونه بی نظمی، هرج و مرج نمودار می شود و شیشه صاف و پاک دل های مردم به کثافات حقد و کینه، بغض و عداوت ملوث می گردد^۱.

مبحث پنجم: شهادت عادلانه و نقش آن در وقایه از مفسد:

شهادت عادلانه و پرهیز از شهادت دروغ یکی از مهمترین اخلاقیات یک مسلمان است و نقش بزرگی در تامین عدالت و وقایه از مفسد دارد که در این مبحث به اهمیت و نقش آن در دفع مفسد اشاره می شود.

منظور از شهادت عادلانه این است که یک مسلمان در محکمه و سایر قضایای اجتماعی به دروغ شهادت ندهد بلکه حقیقت را بگوید و لوکه به ضرر خودش یا اقراریش تمام شود.

مطلب اول: آیات قرآن کریم در مورد شهادت عادلانه:

در قرآن کریم در مورد شهادت و نقش آن در وقایه از مفسد آیات زیادی آمده است که به طور نمونه چند آیه آن نقل می شود:

۱- قرآن کریم شهادت عادلانه را نیز بالای مسلمانان واجب می گرداند و حتی می گوید در مقابل پدر و مادر که نیکی به آنان بعد از عبادت خداوند در شریعت اسلامی درجه دوم را دارد، لازم گردانیده است چنانچه می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾^۲.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! به اجرای عدالت پایبند باشید، و به خاطر خدا شهادت دهید (و از این سو و آن سو جانبداری نکنید) هر چند که شهادتتان به زیان خودتان یا پدر و مادر و خویشاوندان بوده باشد. اگر کسی که به زیان او شهادت داده می شود دارا یا نادار باشد، رغبت به دارا، یا شفقت به نادار، شما را از ادای شهادت حق منصرف نکند چرا که رضای خداوند از رضای هر دوی آنان بهتر

^۱ وثیق، نعمت الله، اخلاق اسلامی و آداب اجتماعی، المكتبة الشاملة اصدار ۳.۳۲ (ص ۳۹).
^۲ سوره نساء آیه ۱۳۵.

است (و خدا به مصلحت آن دو آگاه تر از شما است پس از هوا و هوس پیروی نکنید و اگر چنین کنید و از حق منحرف گردید و اگر زبان از ادای شهادت حق بیچنانید یا از آن روی بگردانید ، خداوند از آنچه می کنید آگاه است و پاداش اعمال نیک و پاداش اعمال بدتان را می دهد.

۲- از نظر قرآن کریم ادای شهادت به گونه واقعی از صفات مومنان است ﴿وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ﴾^۱.

ترجمه: و کسانی که گواهیهای را که باید بدهند، چنان که باید اداء می کنند (و شهادت لازم را پنهان و کتمان نمی کنند.

در اینجا شهادت و گواهی را نشانه ای از نشانه های مؤمنان کرده است . شهادت و گواهی را امانتی از امانت ها شمرده است . آن را به طور مستقل ذکر فرموده است تا بیانی عظمت آن بوده و اهمیت آن را جلوه گر نماید. همان گونه که نشانه های مؤمنان را با نماز آغازیده است، و پایان آن نشانه ها را نیز با نماز خاتمه بخشیده است و خداوند - جل جلاله- حق و حقوق زیادی را به ادای شهادت و اظهار گواهی و اگذار فرموده است. بلکه اجزای حدّهای خود را به ادای شهادت و اظهار گواهی منوط کرده است ، حدّهایی که با ادای شهادت و وجود گواهی اجراء می گردند. پس به همین خاطر خداوند، شهادت دادن و گواهی نمودن را شهادت و گواهی برای خودش به شمار آورده است تا بدین وسیله آن را به اطاعت عبادت خود پیوند بدهد. لذا فرموده است : ﴿وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ﴾^۲. گواهی دادن را برای خدا اداء کنید (و انگیزه شهادت محض رضای خدا باشد، و از هیچ کدام جانبداری ننمائید^۳.

۳- همچنان قرآن کریم به صراحت از انکار شهادت منع می کند و می گوید: ﴿وَلَا يَأْبُ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا﴾^۴.

ترجمه: و شاهدان هرگاه دعوت شدند از حضور و شهادت خودداری نکنند.

پس هرگاه افراد جامعه متوجه این حقیقت نشوند و به حقیقت و راستی در تمام بخش های زندگی شهادت

^۱ سوره معارج آیه ۳۳.

^۲ سوره طلاق آیه ۲.

^۳ سید قطب، فی ظلال القرآن (ج ۶ ص ۲۶۱).

^۴ سوره بقره آیه ۲۸۲.

ندهند، این باعث می شود تا امنیت اجتماعی از هم بپاشد و مفسد زیادی در جامعه منتشر شود.

مطلب دوم: آثار و پیامد های شهادت عادلانه در وقایه از مفسد:

شهادت دادن به حق و عدم رعایت اقارب در این خصوص بالاترین تاثیر را در ایجاد یک جامعه سالم و آرام و نقش بزرگی در برقراری امنیت اجتماعی دارد که تاثیر آن را کم تر می توان در سایر موارد یافت که از جمله می توانیم موارد ذیل را نام ببریم:

۱- از نظر قرآن کتمان و پوشانیدن حقیقت یکی از عوامل بزرگی است که می تواند امنیت اجتماعی را برهم بزند به همین خاطر در قرآن کریم کتمان حق و شهادت دروغ نکوهش شده است، چنانچه می فرماید: ﴿وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾^۱.

ترجمه: و شهادت را پنهان نکنید، و هرکس که آن را پنهان کند دلش گناهکار است، و خداوند به آنچه می کنید داناست.

نسبت دادن گناه به دل برای آن است که هر گناهی از دل سرچشمه می گیرد، شاید نیز نکته اش این است که در کتمان شهادت گناه و عمل ناپاک از او سر نمی زند و ناپاکی از آن دل است، و این درون شخص کتمان کننده است که ناپاک است، و ناپاکی آن او را از ادای شهادت بر حق باز می دارد.^۲

همچنان قرآن کریم کسی را که حقیقت را پنهان و کتمان می کند ظالم ترین انسان ها می پندارد و می گوید: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾^۳.

ترجمه: و کیست ستمگرتر از کسی که شهادتی را که از جانب خدا نزد او است کتمان کند؟، و خداوند از آنچه می کنید غافل نیست.

۲- شهادت و گواهی عادلانه باعث می شود که انسان از نشر فساد جلوگیری کند چون اگر انسان در قضایا جانبداری کند و حقیقت را بیوشاند این امر سبب گسترش دامنه اختلافات قومی می گردد به همین خاطر الله متعال در قرآن تاکید می ورزد تا مسلمانان شهادت عادلانه به حدی رعایت کنند که اگر

^۱ سوره بقره آیه ۲۳۸.

^۲ شنفیعی، اضواء البیان فی تفسیر القرآن بالقرآن (ج ۶ ص ۴۲۷) سعدی، تیسیر الکریم الرحمن، (ج ۱ ص ۳۱۱).

^۳ سوره بقره آیه ۱۴۰.

بر ضرر خود و بر ضرر پدر و مادر خود نیز تمام می شود از آن منصرف نشوند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
 آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ
 فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلَوُوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانِ بِمَا تَعْمَلُونَ
 خَبِيرًا﴾^۱.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! در اقامه عدالت و دادگری بکوشید و به خاطر خدا شهادت
 دهید، گرچه شهادت به زیان خودتان یا پدر و مادرتان یا خویشاوندان (تان) باشد، اگر (کسی که به
 زیان او شهادت داده می شود) ثروتمند یا فقیر باشد، خداوند به آن دو (از شما) سزاوارتر است، پس،
 از هوی و هوس پیروی نکنید، که منحرف می گردید، و اگر زیان را در ادای شهادت بیجانید، یا از
 آن روی بگردانید، همانا خداوند به آنچه می کنید آگاه است.

از آیه فوق معلوم می شود که شهادت عادلانه در قضایا تاثیرات زیادی در وقوع از مفاسد دارد و به
 همین دلیل روی آن زیاد تاکید شده است چنانچه سید قطب در ذیل تفسیر آیه فوق می نویسد: برنامه
 ربّانی در اینجا می خواهد که نخست انسان را در برابر خودش، و در برابر عواطف و احساسات
 خودش مجهّز سازد، سپس انسان را در برابر پدر و مادر و نزدیکان مجهّز کند چنین تلاشی بس
 دشوار است. دشوارتر از آن است که به گفتن درآید، و معنای و مدلول آن با خرد فهم شود. برنامه
 الهی انسان مؤمن را برای این آزمون سخت، آماده و مجهّز می سازد، برنامه ربّانی، انسان را در
 برابر احساسات فطری یا اجتماعی، مجهّز می سازد. او را آماده می کند برای وقتی که او روبرو می
 گردد با کسی که فقیر است و باید به نفع و یا به زیان او گواهی بدهد. چه بسا زمانی که انسان باید به
 زیان او گواهی حقّ بدهد، دلش به حال او بسوزد و دوست بدارد به خاطر وضعی که دارد به او کمک
 بکند و به نفع او گواهی بدهد. یا به خاطر وضعی که دارد، برابر عرف اجتماعی و ته نشستهای محلی
 حاکم بر جامعه های جاهلی - چنانکه در جامعه های جاهلی امروزی چنین است - چه بسا گواهی
 نادرستی بر ضدّ او اداء کند. یا وقتی پیش بیاید که کسی که باید به نفع یا به زیان او گواهی بدهد
 ثروتمند است، و اوضاع اجتماعی مقتضی سازش با او است. یا چه بسا طرف دارا باشد، و انسان او
 را به ناحق دشمن بدارد و بکوشد بر ضدّ او گواهی دهد، اینها یا عواطف و احساسات طبیعی، و یا

^۱. سوره نساء آیه ۱۳۵.

مقتضیات اجتماعی می باشند. انسان وقتی که در دنیای عمل و جهان واقع با آنها رویاروی می گردد، هر یک از آنها را در جای خود سنگین و دشوار و سخت و طاقت فرسا می یابد. این کار سخت و دشواری است و فهم آن خیلی سخت تر چون عذوفت و مهرورزی به فقیر، به هنگام شهادت و قضاوت، هوا و هوس خوانده شده است. سازش با دارا، هوا و هوس است، زیان رساندن به ثروتمند، هوا و هوس است، جانبداری از طائفه و قبیله و ملت و دولت و میهن، در موقع شهادت و قضاوت، هوا و هوس است، دشمنی کردن و بدآمنی از دشمنان - حتی دشمنان دین - به هنگام شهادت و قضاوت، هوا و هوس است... هواها و هوسها رنگارنگ و گونه گونه اند. خداوند مؤمنان را از همه انواع و اصناف آن نهی می کند و از آنان می خواهد که تحت تأثیر هواها و هوسها قرار نگیرند، و از حق و حقیقت و صدق و صداقت، تحت تأثیر هواها و هوسها، کناره گیری نکند.^۱

مبحث ششم: امر به معروف و نهی از منکر و نقش آن در وقایع از مفسد:

بدون شک پرداختن امر به معروف و نهی از منکر از اهمیت و فضیلت خاصی برخوردار است، در قرآن کریم و احادیث پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم به امر به معروف و نهی از منکر زیاد تأکید شده است. در این مبحث روی اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و نقش آن در وقوع مفسد به گونه مختصر می پردازیم.

مطلب اول: تأکید قرآن به امر به معروف و نهی از منکر:

در قرآن کریم در مورد اهمیت امر به معروف و نهی از منکر آیات زیادی آمده است که به طور نمونه چند آیه آن نقل می شود:

۱- از نظر قرآن کریم امر به معروف و نهی از منکر سبب جلب رحمت الهی می شود چنانچه الله متعال در این زمینه ارشاد می فرماید: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ﴾^۲.

ترجمه: مردان و زنان مؤمن، برخی دوستان و یاوران برخی دیگرند. همدیگر را به کار نیک می

^۱ سید قطب، فی ظلال القرآن (ج ۲، ص ۷۷۶).

^۲ سوره توبه آیه ۷۱.

خوانند و از کار بد باز می دارند ، و نماز را چنان که باید می گزارند ، و زکات را می پردازند ، و از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری می کنند . ایشان کسانیند که خداوند به زودی ایشان را مشمول رحمت خود می گرداند . (این وعده خدا است و خداوند به گزاف وعده نمی دهد و از وفاي بدان هم ناتوان نیست . چرا که خداوند توانا و حکیم است .

در این آیه قسمی که می بینیم آن عده مومنانی را که به خاطر اصلاح جامعه امر به معروف و نهی از منکر می کنند و در پهلوی آن از الله و رسولش اطاعت می نمایند، به رحمت از جانب خود وعده کرده است که آنان مشمول رحمت و مهربانی خود قرار می دهد، همچنان در این موضوع دعوت و امر به معروف و نهی از منکر بر اقامه نماز و دادن زکات مقدم گردانیده شده است و این خود بیانگر اهمیت امر به معروف و نهی از منکر است^۱ .

۲- کسی که به کار امر به معروف و نهی از منکر بپردازد، بر علاوه این که خودش را از مزایا و فواید دعوت مستفید می سازد باعث افتخار ثبوت خیریت امت نیز می شود به این شرح که الله متعال یکی از ویژه گی های امت اسلامی را به دوش گرفتن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عنوان کرده است و شخص دعوت گر با شمولیتش در جماعت دعوت، در حقیقت خیر بودن امت را به اثبات می رساند، الله متعال می گوید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۲ .

ترجمه: شما (ای پیروان محمد) بهترین امتی هستید که به سود انسانها آفریده شده اید (مادام که) امر به معروف و نهی از منکر می نمائید و به خدا ایمان دارید . و اگر اهل کتاب (مثل شما به چنین برنامه و آئین درخشانی) ایمان بیاورند ، برای ایشان بهتر است (از باور و آئینی که برآند . ولی تنها عده کمی) از آنان با ایمانند و بیشتر ایشان فاسق (و خارج از حدود ایمان و وظائف آن) هستند .

امام ابن کثیر (رحمه الله)^۳ می گوید: « فَمَنْ اتَّصَفَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِهَذِهِ الصِّفَاتِ دَخَلَ مَعَهُمْ فِي هَذَا الثَّنَاءِ عَلَيْهِمْ وَالْمَدْحِ لَهُمْ وَمَنْ لَمْ يَتَّصِفْ بِذَلِكَ أَشْبَهَ أَهْلَ الْكِتَابِ الَّذِينَ ذَمَّهُمُ اللَّهُ بِقَوْلِهِ: ﴿كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ

^۱ زحیلی، التفسیر المنیر، (ج ۱۰ ص ۳۰۵).

^۲ سوره آل عمران آیه ۱۱۰.

^۳ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، (ج ۲ ص ۱۰۳).

فَعَلَوْهُ لِبُئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ^۱.

ترجمه: کسی از افراد این امت که به این صفات متصف باشد شامل این مدح و ثنا می شود و کسی که این صفت را نداشته باشد شبیه اهل کتاب می شود که خداوند آنان مذمت کرده و در مورد شان گفته است: آنان از کارهای زشتی که انجام می دادند یک دیگر را منع نمی کردند، و چه کار بدی انجام می دادند.

۳- از مهم ترین فواید پرداختن به کار امر به معروف و نهی از منکر این است که این امر سبب کسب پیروزی در دنیا و آخرت می شود چنانچه خداوند بزرگ در این مورد می گوید: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^۲﴾.

ترجمه: باید از میان شما گروهی باشند که (تربیت لازم را ببینند و قرآن و سنت و احکام شریعت را بیاموزند و مردمان را) دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند ، و آنان خود رستگارند.

در این آیه خداوند متعال در مورد کسانی که وجوبه اصلاح و امر به معروف و نهی از منکر را به پیش می برند، می گوید آنان پیروز و رستگار هستند.

۴- یکی از فواید دیگر امر به معروف و نهی از منکر برای انسان این است که انسان با این کار از نفاق نجات می یابد و قرآن کریم عدم پرداختن به دعوت و امر به معروف و نهی از منکر را وسیله نفاق می داند، چنانچه ارشاد می فرماید: ﴿الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ^۳﴾.

ترجمه: مردان منافق و زنان منافق از همدیگرند، به کار زشت فرمان می دهند، و از کار خوب باز می دارند، و دستهایشان را (از بخشیدن) بسته می دارند. خدا را فراموش کرده اند خدا هم ایشان را فراموش کرده است. بی گمان منافقان فاسقند.

۱ سوره مائده آیه ۷۹.

۲ سوره آل عمران آیه ۱۰۴.

۳ سوره توبه آیه ۶۷.

۵- خداوند متعال امر به معروف و نهی از منکر را صفت مومنان شجاع می داند که بعد از رسیدن به قدرت این وظیفه مهم را انجام می دهند چنانچه می فرماید: ﴿الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^۱.

ترجمه: همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده و امی دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند و فرجام همه کارها از آن خداست.

در آیه فوق برای مومنان چهار صفت عمده و اساسی ذکر شده است که هنگام قدرت یافتن آن را عملی کنند و آن ها عبارت اند از: اقامه نماز، دادن زکات، امر به معروف و نهی از منکر.^۲

مطلب دوم: آثار و نتایج امر به معروف و نهی از منکر در وقایه از مفساد:

چنانچه قبلا بیان کردیم نجات انسان ها در امر به معروف و نهی از منکر و ایجاد تغییر مطلوب در بخش های مختلف زندگی نهفته است و این مقدمه بیانگر این است که ترک امر به معروف و نهی از منکر باعث انتشار مفساد و هلاکت جامعه می گردد و عواقب ناگوار در جامعه می داشته باشد که در این مطلب به برخی از پیامدی های منفی آن اشاره می گردد:

۱- در قرآن کریم داستان های متعددی از درگیری پیامبران با اقوام شان که می خواستند قوم خویش را اصلاح نمایند و تغییری در زندگی آنان ایجاد نمایند برای ما نقل شده است که هر کدام نشان دهنده این مطلب هستند که امر به معروف و نهی از منکر باعث نجات از مفساد و ترک آن موجب هلاکت می گردد چنانچه در داستان نوح - علیه السلام - می خوانیم که الله متعال می فرماید: ﴿كَذَّبُوهُ فَجَعَلْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ﴾^۳.

ترجمه: آنان او را تکذیب کردند (و دروغگویش نامیدند) و ما او و کسانی را که با او در کشتی نشستند نجات دادیم ، و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند غرق نمودیم ، و آن مؤمنان را جایگزین گرداندیم . بنگر که سرانجام بیم شدگان (نافرمان و بی ایمان) چگونه گردید.

۱ سوره حج آیه ۴۱.
۲ رشید رضا، تفسیر المنار (ج ۱۰ ص ۴۶۸).
۳ سوره یونس آیه ۷۳.

۲- امر به معروف و نهی از منکر باعث رهایی از عذاب های اجتماعی می شود چنانچه در قرآن کریم آیه ای را می خوانیم که نشان می دهد قومی به خاطر نهی از منکر از عذاب دنیوی نجات یافتند و کسانی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند به عذاب بدی روبرو شدند چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴾^۱.

ترجمه: اما هنگامی که پندها و اندرزهایی را نشنیدند که بدانها تذکر داده شدند ، کسانی را که (دیگران را نصیحت می نمودند و آنان را) از بدی نهی می کردند از (عذاب به دور داشتیم و از بلا) رهانیدیم ، و کسانی را که (مخالفت فرمان می کردند و بیشتر و بیشتر گناه می ورزیدند و بدین وسیله بر خود و جامعه) ستم می نمودند ، به خاطر استمرار بر معاصی و نافرمانی ، به عذاب سختی گرفتار ساختیم).

چنانچه به گونه واضح مشاهده می کنیم الله متعال آنانی را که همواره جامعه را از اعمال بد نهی می کنند، مورد نجات قرار می دهد و ظالمان و ستم پیشه گان را که در قسمت نهی از منکرات سهم نمی گیرند به عذاب سخت دچار می سازد^۲.

همچنان الله متعال در مورد پیامد ترک اصلاح می فرماید: ﴿ وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهِلِكَ الْفَرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ ﴾^۳.

ترجمه: پروردگارت چنین نبوده است که شهرها و آبادیها را ستمگرانه ویران کند ، در حالی که ساکنان آنها (متمسک به حق و ملتزم به فضائل بوده و) درصدد اصلاح (حال خود و دیگران) برآمده باشند.

از آیه فوق به خوبی دانسته می شود که مطابق سنت و عادت پروردگار زمانی که در میان اهالی یک جامعه مصلحان و دعوتگران وجود داشته باشد، هیچ گاه خداوند آنان را مورد هلاکت قرار نمی دهد و این خود اثر امر به معروف و نهی از منکر را نشان می دهد، چنانچه در تفسیر این آیه نقل شده است: **قال**

۱ سوره اعراف آیه ۱۶۵.
۲ ابن عاشور، التحرير و التتوير (ج ۹ ص ۱۵۳).
۳ سوره هود آیه ۱۱۷.

المفسرون في معنى الآية قولين أحدهما أن الله تعالى لا يهلك القرى إلا إذا شذت عن الصلاح فكفرت بالله وكذبت الرسل واقترفت المنكرات. وثانيهما أن الله لا يهلك القرى إذا كان أهلها مصلحين يتعاطون الحق بينهم ولا يتظالمون وإن كانوا غير مؤمنين بالله ورسوله وإنما يهلكهم إذا تظالموا^١.

ترجمه: مفسرين در معنای این آیه دو قول کرده اند: اول اینکه خداوند قریه ها را هلاک نمی کند مگر اینکه دست از صلاح و نیکی بردارد و به خداوند کفر کند و پیامبران را تکذیب و منکرات را انجام دهد، و دوم اینکه الله تعالی قریه ها را هلاک نمی کند مگر اینکه اهالی آن مصلحین باشند که حق را در میان خود ادا کنند و یکدیگر را ظلم نکنند اگرچه به خداوند و پیامبرانش ایمان نداشته باشند و آنان زمانی مورد هلاکت قرار می گیرند که بالای یکدیگر ظلم کنند.

۳- در برخی آیات دیده می شود که به آنانی که نهی از منکر نمی کنند مورد لعن خداوند جل جلاله قرار گرفته اند پس معلوم می شود که امر به معروف و نهی از منکر باعث از بین رفتن آن عده مفاسدی می شود که موجب لعنت می شوند، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿لَعْنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾^٢.

ترجمه: آنان از اعمال زشتی که انجام می دادند دست نمی کشیدند و همدیگر را از زشتکاریها نهی نمی کردند و پند نمی دادند. و چه کار بدی می کردند! (چرا که دسته ای مرتکب منکرات می شدند و گروهی هم سکوت می نمودند، و بدین وسیله همه مجرم می گشتند).

۴- نجات از خسران به وسیله امر به معروف و نهی از منکر صورت می گیرد قسمی که الله متعال می فرماید: ﴿وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾^٣.

ترجمه: سوگند به زمان که انسانها همه زیانمندند، مگر کسانی که ایمان می آورند، و کارهای شایسته و

^١ محمد عزت دروزه، التفسیر الحديث، دار إحياء الكتب العربية القاهرة ١٣٨٣ ق - دار الغرب الإسلامي - دمشق (ج ٣ ص ٥٥٣).

^٢ سورة المائدة: الآية ٧٨.

^٣ سورة عصر آیه ١-٣.

بایسته می‌کنند، و همدیگر را به تمسک به حق (در عقیده و قول و عمل) سفارش می‌کنند، و یکدیگر را به شکیبائی (در تحمل سختی‌ها و دشواری‌ها و دردها و رنجهای) توصیه می‌نمایند.

از این سوره به خوبی دانسته شد که تمام انسان‌ها به هلاکت و خسران محکوم هستند مگر کسانی که چهار صفت ذیل را در نفوس خود رشد دهند^۱:

۱- ایمان و باور داشتن به خداوند و آخرت.

۲- عمل کردن مطابق ایمان و باور.

۳- توصیه و دعوت کردن به سوی دین حق.

۴- توصیه و دعوت کردن به صبر و شکیبایی.

۵- امر به معروف باعث به امان ماندن از فتنه می‌شود، چنانچه در روایتی از حضرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) آمده است: «عن ابی هریره (رضی الله عنه) قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم) «فتنة الرجل في أهله، وماله، ونفسه، وولده، وجاره، يكفرها: الصيام، والصلاة، والصدقة، والأمر بالمعروف»^۲.

ترجمه: از ابی هریره (رضی الله عنه) از حضرت پیامبر -صلی الله علیه وسلم- نقل شده است که فرمود: در مال، اهل، نفس، ولد و همسایه انسان فتنه است؛ و آنچه فتنه را می‌پوشاند و از بین می‌برد، روزه، نماز، صدقه و امر به معروف است.

۶- امر به معروف و نهی از منکر موجب استجاب دعا می‌شود و به وسیله دعا انسان از مفاسدی زیادی نجات می‌یابد: چنانچه عروه از حضرت ام المؤمنین بی بی عایشه (رضی الله عنها) نقل می‌کند که حضرت پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فرمود: «مروا بالمعروف وانها عن المنكر قبل أن تدعوا فلا يستجاب لكم»^۳.

^۱ زحیلی، التفسیر المنیر (ج ۳۰ ص ۳۹۴).

^۲ صحیح مسلم، شماره حدیث: ۱۴۴. کتاب الفتن، باب فی الفتنه التي تموج كموج البحر.

^۳ قرظینی، ابن ماجه، سنن ابن ماجه، کتاب الفتن، باب الأمر بالمعروف و النهی عن المنكر، حدیث ۳۹۹۴، دار الفكر، (۱۳۷۳هـ) بیروت، لبنان.

ترجمه: به معروف امر کنید و از منکر نهی نمایید قبل از اینکه دعا کنید و خدا دعای شما را مستجاب نکند.

مبحث هفتم: اخوت و محبت و نقش آن در وقایه از مفسد:

اخوت و برادری نیز از اخلاقیات بزرگ اجتماعی است که در اسلام به آن بسیار تاکید شده است و آثار زیادی در دفع مفسد دارد که در این مبحث به آن پرداخته می شود:

مطلب اول: اهمیت اخلاق اخوت در قرآن:

قرآن کریم را به رابطه اخوت بسیار تشویق کرده است و مقتضیات و لوازم آن را در تعداد زیادی از آیات قرآن ذکر می کند:

۱- قرآن تمام مومنان را با هم برادر می خواند چنانچه پروردگار متعالی می فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ

إِخْوَةٌ﴾^۱.

ترجمه: به تحقیق مؤمنان با هم برادرند.

۲- اخوت سبب افزایش قوت انسان می شود چنانچه الله متعال در مورد حضرت موسی علیه السلام می

گوید: ﴿سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ﴾^۲.

ترجمه: بازویت را به سبب برادرت محکم خواهیم کرد.

۳- قرآن اخوت را نعمت الهی می دان چنانچه می فرماید: ﴿وَاذْكُرُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً

فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾^۳.

ترجمه: آنگاه که شما دشمن (همدیگر) بودید پس خدا میان دلهایتان انس و الفت ایجاد کرد، و به نعمت خدا برادر گشتید، و بر لبه گودالی از آتش بودید، پس خداوند شما را از آن نجات داد، اینگونه خداوند آیات

۱ سوره حجرات آیه ۱۰.

۲ سوره قصص آیه ۱۰.

۳ سوره آل عمران آیه ۱۰۳.

خود را برایتان بیان می کند تا هدایت شوید.

در احادیث نیز به اخوت و همدلی تأکیدات زیادی صورت گرفته است چنانچه عبدالله به عمر رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت کرده است: «المسلم أخو المسلم لا يظلمه ولا يسلمه ومن كان في حاجة أخيه كان الله في حاجته ، ومن فرج عن مسلم كربة فرج الله عنه كربة من كربات يوم القيامة ، ومن ستر مسلما ستره الله يوم القيامة»^۱.

ترجمه: مسلمان برادر مسلمان است، بالای او ظلم نمی کند، و کسیکه یک مشکل برادر خود را حل کند خداوند مشکل او را حل میکند ، و کسیکه یک مصیبت را از مسلمان دفع میکند ، خداوند مصیبت های روز قیامت را از او دور میکند ، کسیکه عیب برادر مسلمان خود را پنهان کرد خداوند در روز قیامت گناهان او را پنهان میکند.

مطلب دوم: آثار و نتایج اخوت و همدردی در وقایه از مفساد:

۱- تقویه اخلاق اخوت و برادری در قرآن کریم یکی از بهترین برنامه ها برای دفع مفساد زیادی چون دشمنی و عداوت و نجات از مهلکات است، چنانچه در مورد انصار می گوید: ﴿وَأذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾^۲.

ترجمه: آنگاه که شما دشمن (همدیگر) بودید پس خدا میان دلهایتان انس و الفت ایجاد کرد، و به نعمت خدا برادر گشتید، و بر لبه گودالی از آتش بودید، پس خداوند شما را از آن نجات داد، اینگونه خداوند آیات خود را برایتان بیان می کند تا هدایت شوید.

۲- قرآن کریم کسی را که بزرگ ترین جرم را انجام داده است به خاطر مصلحت و تقویه فرهنگ اخوت و برادری جانب مقابل را برای او برادر خطاب می کند و می فرماید: ﴿فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ

^۱ - بخاری، ابو عبد الله محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، نسخه طوق النجاة، المكتبة الشاملة، شماره حدیث: ۱۱۱۵.
^۲ - سوره آل عمران آیه ۱۰۳.

أَلَيْمٌ ﴿١﴾

ترجمه: پس هرکسی که از جانب برادرش برای او چیزی بخشوده شد، به خوبی پیروی کند و به نیکی دیه را به او بپردازد.

در آیه فوق خداوند متعال مسلمانان را هم به قصاص تشویق می کند و هم به اینکه اخوت و برادری را از یاد نبرند و این ویژگی شریعت اسلامی است چنانچه زحیلی در ذیل تفسیر آیه فوق نوشته است: ذُكِرَتِ الْمُؤْمِنِينَ بِالْأَخْوَةِ الَّتِي تَدْعُوهُمْ إِلَى الْعَفْوِ، وَبَدَدَتْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ عَوَامِلَ الْغَيْظِ وَالْحَقْدِ، فَيَعْطِفُ الْأَخَ عَلَى أَخِيهِ، وَيَتَسَامَى عَنْ أَحْقَادِهِ، فَيَصْفَحُ وَيَسْمَحُ عَنْهُ ٢.

ترجمه: مومنان به اخوت و برادری پند داده شده اند که آنان را به عفو دعوت می کند و از نفوس آنان عوامل کینه و کدورت را دور می کند و به همین خاطر آن را به برادر منسوب می کند و به این طریق از کینه ها آن را دور می سازد تا گذشت و چشم پوشی شود.

و معلوم است که اخوت اسلامی ایجاب می کند، افرادی که با هم نزاع و دشمنی دارند طبق دستور صریح اسلام با هم صلح و آشتی نمایند. و جامعه اسلامی نیز مسئول و متعهد است که در برابر افرادش به صورت ناظر بیطرف و تماشاگر نگاه نکند، بلکه بر افراد صاحب فکر و اندیشه و قدرتمند واجب و لازم است به منظور اصلاح جامعه خویش مداخله نمایند و اجازه ندهند تا آتش فتنه و فساد، دشمنی و کینه توزی توسعه بیشتری پیدا کند و جامعه اسلامی را به تباهی و نابودی بکشاند چنانکه در بسیار از آیات قرآن مجید و روایات اسلامی از صلح و اصلاح تمجید و سفارش شده است. خداوند متعال می فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ﴾ ٣.

ترجمه: همانا مؤمنان همه برادرند پس در میان برادران خود اصلاح کنید.

مبحث هشتم: ایثار و فداکاری و نقش آن در وقایه از مفسد:

ایثار از مهم ترین خصایلی است که بیانگر صداقت ایمانی و صفای درونی و پاکي روح است و در

١ سوره بقره آیه ١٧٨.

٢ زحیلی، التفسیر المنیر (ج ٢ ص ١٠٨).

٣ سوره حجرات آیه ١٠.

عین حال یکی از بزرگترین پایه ها در تامین روابط متقابل و مسؤولیت مشترک اجتماعی است و طریق تحقق خیر و نیکی برای بنی آدم است که نقش بزرگی در وقایه از مفاسد دارد و در این مبحث به بیان آن پرداخته می شود:

مطلب اول: اهمیت ایثار و فداکاری در قرآن:

برای بیان کامل و شایسته ایثار کافی است که گوش جان را به ندای آسمانی قرآن بسپاریم که با شیوه ای زیبا و شگفت انگیز، خصلت برادری، گذشت، ایثار و محبت انصار را که در آن زمان اکثریت جامعه اسلامی را تشکیل می دادند، به تصور می کشد^۱ و می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۲.

ترجمه: و آنانکه پیش از مهاجرین در سرای ایمان و هجرت جای گرفتند و کسی را که به سویشان هجرت کند، دوست می دارند و از آنچه که به ایشان داده شود، در دل خود نیازی نیابند و دیگران را بر خود مقدم می دارند، هر چند خود محتاج باشند، و هر که از بخل خود محفوظ بماند، پس همانا آنان رستگارند.

این ایثار آگاهانه و انتخابی و روابط عاطفی اجتماعی که در اخلاق انصارش تجلی نمود، حقیقتاً در تاریخ بشر کم نظیر است. گروه انصار، مهاجرینش را که به خاطر دین خود مورد اذیت و آزار قرار گرفته و از دیار خود رانده شده بودند به عنوان برادر خود پذیرفتند و آنان را یاری دادند. مهاجرینش همه چیز خود را در راه خدا فدا کردند و وقتی به مدینه رسیدند هیچ چیز نداشتند، انصارش نیز در بسیاری از نعمات و امکانات زندگی، مهاجرینش را بر خود ترجیح دادند، تا جایی که هر کدام از آنان وفات می نمود، دیگری از او ارث می برد^۳.

مطلب دوم: آثار و پیامدهای ایثار و فداکاری:

شکی نیست که ایثار و فداکاری آثار زیادی در وقایه از وقوع در مفاسد در زندگی انسان دارد که به

۱ زحیلی، التفسیر المنیر، (ج ۲۵ ص ۱۱۳).

۲ سوره حشر آیه ۹.

۳ علوان، عبدالله ناصیح، کیف نربی أولادنا، عبدالله ناصح علوان، ترجمه: عبدالله احمدی، المكتبة الشاملة، (ج ۱ ص ۴۲۰).

چند موارد آن در اینجا اشاره می شود:

از نظر قرآن کریم به ایثار و فداکاری در برابر جامعه و ملت باعث قطع خونریزی می شود به طور مثال در قرآن کریم داستان پسران آدم - علیه السلام- حکایت می شود آن زمانی که یکی از برادران خواست دیگری را به قتل برساند، فرد دوم نه خواست که دست به خونریزی بزند و در برابر قتل تمکین کرد تا این کشتار موجب گسترش و توسعه دامنه خون ریزی نگردد، چنانچه الله متعال در حکایت از آن می فرماید: ﴿لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ﴾^۱.

ترجمه: گفت: اگر دستت را به سویم به هدف قتل دراز کنی من دستم را به سوی برای کشتنت دراز نمی کنم، زیرا من از خداوندی که پروردگار عالمیان است می ترسم.

از آیه فوق معلوم می شود که الله متعال از طریق نقل داستان پسران آدم و ایثار و فداکاری یکی از آنان راجع به عدم اقدام به قتل برادر که گفت نمی خواهم تو را بکشم، خواسته است نشان دهد که ایثار و فداکاری یک طرف مانع گسترش فساد و بدبختی که خونریزی از نشانه های بزرگ آن است جلوگیری نماید، چنانچه در تفسیر این آیه نقل شده است که اقدام آن برادر فداکار به خاطر بزدلی و ترس و ناتوانی نبود بلکه خداوند متعال از او حکایت می کند به سبب خوف و ترس از خداوند و جلوگیری از گسترش فساد بود است: إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ «من از خداوند، پروردگار جهانیان می ترسم». و کسی که از خدا می ترسد اقدام به انجام گناه نمی کند، خصوصا گناهان بزرگ^۲.

بدون شک اگر اخلاق ایثار و فداکاری تقویه شود بسیاری از مشکلات بزرگ در کشور ما افغانستان حل می گردد به طور مثال جنگی که در حال حاضر جریان دارد و هر روز از هردو طرف قربانی میگیرد و روز به روز فساد و بدبختی زیاد می شود و اگر هردو طرف جنگ در افغانستان از ایثار و خود گذری کار بگیرند در نتیجه مشکلات امنیتی حل می گردد و صلح حکفرما می شود.

خلاصه فصل سوم: اخلاق اجتماعی از مسائل مهم و حیاتی در جامعه انسانی بشمار میاید و اخلاق

^۱ .سوره مائده آیه ۳۸.
^۲ سعدی، تیسیر الکریم الرحمن (ج ۲ ص ۴۲۴).

اجتماعی پایه و اساس یک جامعه را تشکیل میدهد، در این رساله روی برخی از اخلاقیات اجتماعی مانند: احسان و نیکی به والدین، نیکی به همسر، تعاون و همکاری با دیگران، توجه به یتیمان، عدالت، شهادت، امر به معروف و نهی از منکر، اخوت و ایثار و فداکاری و آثار این اخلاقیات در وقایع از مفسد به بحث گرفته شده است که نشان می دهد تقویه اخلاق انفرادی و اجتماعی یکی از بهترین برنامه ها برای دفع مفسد زیادی چون دشمنی و عداوت و نجات از مهلکات است و اگر اخلاق ایثار و فداکاری تقویه شود بسیاری از مشکلات بزرگ حل گردد.

خاتمه

این بخش مشتمل بر نتیجه گیری و پیشنهادات و فهارس می باشد.

نتیجه گیری:

از آن چه که تحت عنوان «اثر اخلاق در وقایه از مفسد در روشنی قرآن» تحریر گردید بطور خلاصه چنین نتیجه گیری می شود که اخلاق چه اجتماعی باشد و چه انفرادی آثار چشم گیر و قابل ملاحظه در رفع مفسد دارد و مشخصاً موارد ذیل نتایج عمده بحث است:

1. اخلاق از جمله خصوصیات بسیار مهم در حیات فردی و اجتماعی انسان به شمار میرود و هدف از بعثت پیامبر صلی الله علیه وسلم این است که مکارم اخلاقی را به پایه کمال برساند، یک جامعه وقتی به ترقی و تعالی میرسد که افراد آن جامعه دارای اخلاق عالی باشند و نشر اخلاق عالی در جامعه موجب عدم گسترش فساد می شود.
2. یکی از مهمترین نوع اخلاق در اسلام صبر است که سرچشمه زیادی از مواصفات نیک است و در وقایه از مفسد نقش بسیار بزرگ دارد، صبر وسیله دفع آن و سبب جلب محبت است و از آثار دیگر صبر در برابر بد رفتاری های دیگران و دفع آن به بهترین شیوه میتوان به جلب دوستی دیگران و زمینه بر طرف شدن دشمنی ها است.
3. صداقت آثار زیادی در زندگی اجتماعی دارد و آثار آن فراتر از فرد و خانواده بوده شامل صداقت در سیاست، تجارت، کار و فعالیت های اداری و غیره امور اجتماعی است، این اخلاق بزرگ نقش بزرگی در وقایه از مفسد دارد.
4. خشم و غضب از اسباب و عوامل بزرگ فساد در جامعه است و عفو و بخشش سبب می شود که انسان از وقوع در این مفسده خلاص شود.
5. عدم اخلاص در کار باعث نشر فساد در جامعه می شود اما وجود آن که مرکز آن قلب است باعث می شود تا افراد اصلاح شوند و از این طریق جامعه نیز اصلاح شود.
6. کبر و غرور که ضد تواضع است از بزرگ ترین مفسد به شمار می رود و تواضع باعث می شود که تمام مفسدی که از کبر و غرور نشئت می کنند از بین برود و تواضع سبب می شود که مردم به حق روی بیاورند و از فساد دست بکشند.
7. رفق و نرمی باعث نجات از انحراف، افراط و تفریط می شود زیرا شیطان بزرگ ترین تحریک کننده فساد است اما به وسیله نرمش انسان از تحركات شیطانی خلاص می شود و ترویج فرهنگ رفق و

- نرمی باعث جلوگیری از انتشار دشمنی و بدبینی که عامل فساد در جامعه است می شود.
۸. شرم و حیاء آثار زیادی در وقایه از وقوع در مفاصد در زندگی انسان دارد و حیاء باعث می شود انسان از بزرگ ترین فساد های اجتماعی مانند زنا و غیره دست بکشد.
۹. ترس و خوف آثار زیادی در وقایه از وقوع در مفاصد در زندگی انسان دارد، به اثر ترس و خوف از خداوند انسان ها از از مهلکه ها نجات می یابند، به وسیله ترس و خوف برای انسان روشن بینی و بصیرت و نیروی فرق کننده پیدا می شود که می تواند از مفاصد رهایی پیدا کند، به وسیله ترس و تقوای الهی آبادانی دنیا و ریزش رحمت الهی در اثر تقوی انسان ها به وجود میاید.
۱۰. اخلاق اجتماعی از مسائل مهم و حیاتی در جامعه انسانی بشمار میاید و اخلاق اجتماعی پایه و اساس یک جامعه را تشکیل میدهد. اخلاق یک ضرورت اجتماعی است که بدون آن جامعه به هرج و مرج روبرو میشود.
11. از نظر قرآن نقش حسن خلق در تأمین سعادت زندگی زناشویی، بسیار عمیق و فراگیر است و بر تمام شئون زندگی، از قبیل روابط اخلاقی زن و شوهر و نیز شیوه تربیت فرزندان اثر می گذارد.
12. یکی از مهم ترین روش های حل مشکلات و درگیری های خانوادگی، خوش برخوردی و رفتار نیکوست. با اخلاق و نیک خویی می توان آتش خشونت و کدورت را خاموش کرد و محیطی مملوء از صفا و دوستی به وجود آورد و زندگی را شیرین و گوارا ساخت.
۱۳. اسلام دین تعاون و همکاری است، اسلام تمام مسلمانان را تشویق میکند تا به یکدیگر کمک نمایند، در جامعه ای که افراد با همدیگر همکاری نمایند آن جامعه ترقی میکند و افراد آن جامعه به وجه احسن زندگی خود را به پیش میبرند.
۱۴. قرآن کریم در مواضع مختلف به توجه و حمایت یتیمان تشویق و انسان ها را به این کار مکلف گردانیده است و آن را یکی از راه های عبور از پل نجات دانسته و خوردن مال یتیم را به حدی نکوهش کرده است که این کار را مساوی به خوردن آتش می داند.
۱۵. عدالت یکی از اساسات تشکیل جامعه اسلامی است. بناء در نظام اسلام به این اصل اهمیت خاصی داده شده است، عدالت از ستونهای مهم کاخ سعادت جامعه بشری شناخته شده است. و یگانه راهی است که افراد یک جامعه را از اِتلاف حقوق، ظلم و تعدی مامون می سازد و درپرتو آن می توانند به فراغت خاطر زندگی کنند و از منافع زندگی لذت ببرند. در جامعه که اصول عدالت اجتماعی اسلام بر قرار و مردم از آن برخوردار نباشند هرگونه بی نظمی، هرج و مرج نمو دار می شود و شیشه صاف و پاک دل های مردم به کثافات حقد و کینه، بغض و عداوت مُلوٲ می گردد.

۱۶. نجات انسان ها در امر به معروف ونهی از منکر و ایجاد تغییر مطلوب در بخش های مختلف زندگی نهفته است و این مقدمه بیانگر این است که ترک امر به معروف ونهی از منکر باعث انتشار مفسد و هلاکت جامعه می گردد و عواقب ناگوار در جامعه می داشته باشد.
۱۷. تقویه اخلاق اخوت و برادری در قرآن کریم یکی از بهترین برنامه ها برای دفع مفسد زیادی چون دشمنی و عداوت و نجات از مهلکات است.
۱۸. اگر اخلاق ایثار و فداکاری تقویه شود بسیاری از مشکلات بزرگ در کشور ما افغانستان حل می گردد به طور مثال جنگی که در حال حاضر جریان دارد و هر روز از هردو طرف قربانی میگیرد و روز به روز فساد و بدبختی زیاد می شود و اگر هردو طرف جنگ در افغانستان از ایثار و خود گذری کار بگیرند در نتیجه مشکلات امنیتی حل می گردد و صلح حکفرما می شود.

پیشنهاد ها

بعد از اینکه اثر اخلاق در وقایه از مفسد در روشنی قرآن از مطالب و مباحث این تحقیق دانسته شد، مناسب می دانم به عنوان پیشنهادات نکات ذیل را ارایه کنم:

- ۱- عموم مسلمانان باید بار دیگر به قرآن مراجعه کنند و عظمت آن را از طریق فهم مسایل و احکام آن به خصوص اثر اخلاق در وقایه از مفسد درک کنند.
- ۲- در مورد اثر اخلاق در وقایه از مفسد در زندگی باید بحث ها و رساله های مختلف نوشته شود تا از این طریق بتوانیم اهمیت اخلاق را در دیدگاه مردم بیشتر کنیم.
- ۳- در مساجد و نهادهای تعلیمی و تحصیلی باید اثر اخلاق در وقایه از مفسد بحث شود و از طریق برنامه های مختلف این موضوع تذکر داده شود.
- ۴- فهم قرآن باید در اولویت قرار داده شود و به این نکته باید تمرکز شود.

فهارس

الف: فهرست آيات:

- شماره..... طرف آيه..... صفحه
- ١- فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا ١٥
- ٢- وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ..... ١٨
- ٣- هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ ١٨
- ٤- لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ ١٩
- ٥- قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ١٩
- ٦- قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ١٩
- ٧- اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى * فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى ﴿ ١٩
- ٨- وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ١٩
- ٩- وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ٢٠
- ١٠- إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ٢٠
- ١١- يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ﴿ ٢٧
- ١٢- يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ﴿ ٢٨
- ١٣- وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا)..... ٢٨
- ١٤- وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ٢٨
- ١٥- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ ٣٠
- ١٦- زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا ۗ وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ٣١
- ١٧- إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنقَضُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ ٣١
- ١٨- الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمُ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ٣٢
- ١٩- رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ ٣٣
- ٢٠- وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ ۖ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا ٣٣

- ٢١- وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا..... ٣٣
- ٢٢- وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا..... ٣٤
- ٢٣- هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ..... ٣٧
- ٢٤- وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ..... ٤٢
- ٢٥- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿..... ٤٢
- ٢٦- وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ..... ٤٢
- ٢٧- أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَلْعَلِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ..... ٤٢
- ٢٨- فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آئِمًا أَوْ كَفُورًا..... ٤٢
- ٢٩- يَا بَنِي آدَمَ اصْبِرُوا وَالصَّلَاةَ وَأَمْرًا بِالْمَعْرُوفِ وَإِنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ..... ٤٣
- ٣٠- إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ..... ٤٣
- ٣١- وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّىٰ أَنَاهُمْ نَصْرَنَا..... ٤٣
- ٣٢- وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ..... ٤٤
- ٣٣- فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا..... ٤٤
- ٣٤- وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ..... ٤٥
- ٣٥- قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿..... ٤٨
- ٣٦- وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ﴿..... ٤٨
- ٣٧- رَجُلٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَصَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا..... ٤٨
- ٣٨- وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا..... ٤٨
- ٣٩- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ..... ٤٩
- ٤٠- فَأُولَٰئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا غَفُورًا..... ٥٢
- ٤١- وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ..... ٥٢
- ٤٢- وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ..... ٥٢

- ٤٣- خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ٥٣
- ٤٤- وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ٥٣
- ٤٥- وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبَ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ ٥٣
- ٤٦- وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ٥٤
- ٤٧- وَمَا أَمُرُوا إِلَّا لِیُعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ ٥٤
- ٤٨- قُلْ إِنْ تُحِبُّوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْذَوْهُ يَعْلَمُهُ اللَّهُ ٥٤
- ٤٩- إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ٥٧
- ٥٠- قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ٥٧
- ٥١- إِنْ اللَّهُ لَا يَغْفِرَ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرَ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ٥٨
- ٥٢- إِنَّمَا نَطَعُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا ٥٨
- ٥٣- لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿ ٦٠
- ٥٤- ﴿وَخَفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُل رَّبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾ ٦٠
- ٥٥- وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا ٦١
- ٥٦- وَلَا تَصْعَقْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ٦١
- ٥٧- وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ٦١
- ٥٨- فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ * خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ٦٢
- ٥٩- تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا ۖ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ٦٢
- ٦٠- وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ ٦٣
- ٦١- وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ٦٤
- ٦٢- وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ٦٥
- ٦٣- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ ٦٥
- ٦٤- إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ ٦٥
- ٦٥- بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ٦٥

- ٦٦- وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا ٦٦
- ٦٧- فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ ٦٨
- ٦٨- اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ٦٨
- ٦٩- فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ ﴿ ٦٨
- ٧٠- فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا ٦٩
- ٧١- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ ٧٢
- ٧٢- قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿ ٧٣
- ٧٣- يَسْتَحْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَحْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ الْقَوْلِ ٧٣
- ٧٤- وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَىٰ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا ٧٤
- ٧٥- و خافون ان كنتم مومنين..... ٧٧
- ٧٦- إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهُ مِنَ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ ٧٧
- ٧٧- وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ٧٨
- ٧٨- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَعْفَ عنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ٧٨
- ٧٩- وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ٧٩
- ٨٠- وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ٧٩
- ٨١- وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ ﴿ ٨١
- ٨٢- إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿ ٨١
- ٨٣- أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿ ٨٢
- ٨٤- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ ٨٢
- ٨٥- وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ ٨٣
- ٨٦- وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا ٨٤
- ٨٧- قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْهِمْ إِلَّا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ٨٤
- ٨٨- رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ٨٧

- ٨٩- رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا. ٨٧
- ٩٠- قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ٨٨
- ٩١- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلُّ عَلَيْكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرَاهًا ٩١
- ٩٢- الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ ﴿ ٩٢
- ٩٣- وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ﴿ ٩٢
- ٩٤- لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا ٩٣
- ٩٥- وَعَلِّمُوا أَنْ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ ﴿ ٩٤
- ٩٦- وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَأَنْتُمْ إِحْدَاهُنَّ فَنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا ٩٦
- ٩٧- وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا فُرَّةً أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿ ٩٧
- ٩٨- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ ٩٨
- ٩٩- وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ٩٩
- ١٠٠- وَ اجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي. هَارُونَ أَخِي. اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي. وَ اشْرِكْهُ فِي أَمْرِي ١٠٠
- ١٠١- إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ. ١٠١
- ١٠٢- قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا ١٠٢
- ١٠٣- إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ١٠٤
- ١٠٤- إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا ﴿ ١٠٤
- ١٠٥- وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكَمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿ ١٠٥
- ١٠٦- وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿ ١٠٥
- ١٠٧- وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى ١٠٦
- ١٠٨- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَى أَلَّا تَعْدِلُوا ١٠٧
- ١٠٩- وَيُلِّ لِلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ١٠٨
- ١١٠- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ ١٠٩
- ١١١- وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ ١١٠

- ١١٢ - وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آتَمَّ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ١١١
- ١١٣ - وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ١١١
- ١١٤ - وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ ١١٣
- ١١٥ - كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ١١٤
- ١١٦ - وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿ ١١٥
- ١١٧ - الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ ﴿ ١١٥
- ١١٨ - الَّذِينَ إِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ١١٦
- ١١٩ - فَكَذَّبُوهُ فَجَبَّيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا ١١٦
- ١٢٠ - فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ ١١٧
- ١٢١ - وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ ١١٧
- ١٢٢ - لَعْنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ١١٨
- ١٢٣ - وَادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا ١٢٠
- ١٢٤ - وَادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا ١٢١
- ١٢٥ - إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ (..... ١٢٢
- ١٢٦ - وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً ١٢٣
- ١٢٧ - لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿ ١٢٤

ب: فهرست احاديث

شماره	طرف حديث	صفحه
١-	احرص على ما ينفعك واستعن بالله ولا تعجز، ولا تقل: لو أنى فعلت كذا لكان كذا	٣٥
٢-	إِنَّ اللَّهَ رَفِيقٌ يُجِيبُ الرَّفْقَ وَيُعْطِي عَلَى الرَّفْقِ مَا لَا يُعْطِي عَلَى الْعُنْفِ	٧٠
٣-	إن المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضا ، وشبك أصابعه	١٠٠
٤-	أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ - صلى الله عليه وسلم-: أَوْصِنِي. قَالَ: «لَا تَغْضَبْ» فَرَدَّدَ مِرَارًا. قَالَ: «لَا تَغْضَبْ...»	٤٦
٥-	ان فى الجسد مضغة اذا صلحت صلح الجسد كله و اذا فسدت فسد الجسد كله الا وهى القلب	٥٨
٦-	إن من أحبكم إلى وأقربكم منى مجلسا يوم القيامة أحاسنكم أخلاقا	٢١
٧-	أن ناسا من الأنصار سألوا رسول الله صلى الله عليه وسلم فأعطاهم	٤٦
٨-	آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ	٤٧
٩-	بيننا رجل بطريق اشتد عليه العطش فوجد بئرا فنزل فيها فشرب ثم خرج فإذا كلب يلهث	٣٠
١٠-	التَّائِي مِنَ اللَّهِ، وَالْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ	٦٩
١١-	ترى المؤمنين في تراحمهم وتوادهم وتعاطفهم كمثل الجسد إذا اشتكى عضوا	١٠٠
١٢-	دع ما يريبك إلى ما لا يريبك فإن الصدق طمأنينة، والكذب ريبة	٤٩
١٣-	الطهور شطر الايمان، والحمد لله تملأ الميزان و سبحان الله و الحمد لله تملآن	٤٥
١٤-	العجلة من الشيطان»	٣٦
١٥-	فتنة الرجل في أهله، وماله، ونفسه، وولده، وجاره، يكفرها: الصيام، والصلاة، والصدقة	١١٩
١٦-	كنا جلوسا عند النبي صلى الله عليه وسلم كأن على رؤوسنا الطير	٢٠
١٧-	اللهم اهدنى لأحسن الأخلاق ؛ لا يهدى لأحسنها الا أنت و صرف عنى سيئها	٢٧
١٨-	ما من شيء يوضع في الميزان أثقل من حسن الخلق ، وإن صاحب حسن الخلق	٢١
١٩-	مروا بالمعروف وانها عن المنكر قبل أن تدعوا فلا يستجاب لكم»	١١٩
٢٠-	المسلم أخو المسلم لا يظلمه ولا يسلمه ومن كان في حاجة أخيه كان الله في حاجته	١٢١
٢١-	الناس معادن كمعادن الذهب و الفضة خيارهم فى الجاهلية خيارهم فى الإسلام إذا فقهوا	٢٦

ج: فهرست اعلام

شماره	اعلام	صفحات
۱	ابن تیمیه (رحمه الله).	۵۸
۲	ابن حجر (رحمه الله).	۶۲
۳	ابن حزم (رحمه الله).	۲۳
۴	ابن عاشور (رحمه الله).	۳۸
۵	ابن فارس (رحمه الله).	۷۱
۶	ابن قیم (رحمه الله).	۶۹
۷	ابن کثیر (رحمه الله).	۴۹
۸	ابن مسکویه (رحمه الله).	۱۳
۹	ابن منظور (رحمه الله).	۱۲
۱۰	ابو درداء (رضی الله عنه).	۲۱
۱۱	ابو موسی اشعری (رضی الله عنه).	۸۱
۱۲	ابو نصر فارابی	۲۴
۱۳	ابوبکر صدیق (رضی الله عنه)	۲۵
۱۴	ابوسعید خدری (رضی الله عنه).	۴۶
۱۵	أبی هريرة (رضی الله عنه).	۲۶
۱۶	ارسطو	۲۳

۲۰	اسامه (رضی الله عنه).	۱۷
۱۶	امام جرجانی (رحمه الله).	۱۸
۸۸	امام رازی (رحمه الله).	۱۹
۱۴	امام غزالی (رحمه الله).	۲۰
۶۰	امام قرطبی (رحمه الله).	۲۱
۲۱	جابر (رضی الله عنه).	۲۲
۱۷	راغب اصفهانی	۲۳
۷۱	زمخشری (رحمه الله).	۲۴
۲۳	سقراط	۲۵
۷۰	عایشه (رضی الله عنه).	۲۶
۱۲	فیروز آبادی (رحمه الله).	۲۷
۳۲	قرضاوی (رحمه الله).	۲۸
۱۵	مناوی (رحمه الله).	۲۹

د: فهرست منابع

القرآن الكريم.

١. ابن حجر، فتح الباری أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، دار المعرفة بيروت ، ١٣٧٩.
 ٢. ابن حزم الأندلسي، أبو محمد علي بن أحمد بن سعيد، الأخلاق والسير في مداواة النفوس، دار الآفاق الجديدة، ١٣٩٩هـ ط ٢ ، ١٩٧٩
 ٣. ابن عاشور، محمد الطاهر بن عاشور، التحرير و التنوير، دار سحنون للنشر والتوزيع تونس ١٩٩٧ م
 ٤. ابن فارس، أبو الحسين أحمد بن فارس بن زكريا، معجم مقاييس اللغة، دار إحياء التراث العربي – بيروت ٢٠٠١م.
 ٥. ابن قيم، محمد بن أبي بكر أيوب الزرعي، مدارج السالكين بين منازل إياك نعبد وإياك نستعين، الطبعة الثانية ، ١٣٩٣ - ١٩٧٣ دار الكتاب العربي – بيروت.
 ٦. ابن كثير، ابو الفداء اسماعيل، تفسير قرآن العظيم، انتشارات دار طيبة للنشر و التوزيع، ١٤٢٠هـ ١٩٩٩م.
 ٧. ابن مسكويه، أحمد ابن محمد بن يعقوب، تهذيب الأخلاق وتطهير الأعراق، تحقيق: ابن الخطيب، المطبعة المصرية ط ١ .
 ٨. ابن منظور، محمد بن مكرم؛ لسان العرب ، بيروت: دار صادر، ١٤١٤ ق
 ٩. ابن منظور، محمد بن مكرم؛ لسان العرب ، بيروت: دار صادر، ١٤١٤ ق .
 ١٠. ابوحيان، محمد بن يوسف مشهور به ابي حيان اندلسي، دار الكتب العلمية لبنان/ بيروت ١٤٢٢ هـ ٢٠٠١ م
 ١١. اثر تعاون في حياة الفرد و المجتمع ، الموسوعة نت ، تاريخ نشر: ٢٠١٣ ، www.moso3net
- انصاري، عبدالرحمن محمد، معالم أصول التربية الإسلامية من خلال وصايا لقمان لابنه
١٢. بخارى، ابو عبد الله محمد بن اسماعيل، صحيح البخارى، نسخه طوق النجاة، المكتبة الشاملة، اصدار ٣.٣٢
 ١٣. ترمذى، محمد بن عيسى، أبوى عيسى، (١٤٢٢ هـق) الجامع الصحيح سنن الترمذى، تحقيق: احمد شاکر، ط: ١، دار أحيا التراث العربى، بيروت، لبنان.

- ١٤ . جرجاني، سيد شريف على بن محمد، التعريفات، دار إحياء التراث العربى - بيروت ٢٠٠٣ م .
- ١٥ . جوهرى، اسماعيل بن حماد (ت: ٣٩٣هـ)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، دار العلم الملايين - بيروت ١٩٧٩ م .
- ١٦ . حاكم، أبى عبدالله، المستدرک على الصحيحين، دار المعرفة، بيروت، لبنان.
- ١٧ . حداد، حمد عبدالعزيز قاسم، أخلاق النبى (صلى الله عليه و سلم) فى الكتاب و السنة، رساله دوكتورا، سال: ١٤١٣هـ .
- ١٨ . حميد، محمد بن ابراهيم بن احمد، الأسباب المفيدة فى اكتساب الأخلاق الحميدة ، دار ابن خزيمة ، طبع اول ، ١٤١٨هـ .
- ١٩ . حوفى ، احمد محمد، مترجم : كريمى ، جميل زند ، جلوه هاى از اخلاق پیامبر (صلى عليه وسلم) ، ناشر: آراس ، طبع : اول ، سال طبع : ١٣٨٨ هجرى شمسى .
- ٢٠ . رابرت ال هولمز، مبانى فلسفه اخلاق، ترجمه مسعود عليا تهران، كتابخانه ملى، ١٣٥٤
- ٢١ . رازى، فخرالدين ابو عبدالله محمد بن عمر مفاتيح الغيب يا التفسير الكبير بيروت، دار احياء التراث العربى سال چاپ ١٤٢٠ ق.
- ٢٢ . رازى، محمد بن ابى بكر بن عبدالقادر، مختار الصحاح، چاپ سوم بيروت لبنان سال ١٤١٨هـ ١٩٩٧ م .
- ٢٣ . راغب اصفهانى، حسين بن محمد، تحقيق محمد سيد كيلانى، المفردات فى غريب القرآن، الطبعة الأولى، ١٤١٢، دار المعرفة، بيروت.
- ٢٤ . رشيد رضا، محمد رشيد بن علي رضا،(ت : ١٣٥٤هـ) تفسير القرآن الحسير المنار)، الهيئة المصرية للكتاب، ١٩٩٠ م .
- ٢٥ . زبيدى: محمد مرتضى حسيني، تاج العروس من جواهر القاموس، ، مكتبة الحياة، بيروت- لبنان.
- ٢٦ . زحيلي، دكتور وهبه بن مصطفى، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، دار الفكر المعاصر دمشق، ١٤١٨ هـ .
- ٢٧ . زمخشري، محمود بن عمرو بن أحمد، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت، دار الكتاب العربي، سال چاپ، ١٤٠٧ ق.
- ٢٨ . ژان برن، مكتب اخلاقى سقراط، ترجمه سيدابوالقاسم پورحسينى تهران، علمى و فرهنگى، ١٣٨٣،
- ٢٩ . سباعى، مصطفى سباعى، الاخلاق الاجتماعية .

- ٣٠ . سجستاني، سليمان بن اشعث، سنن أبي داود، تعليق ناصر الدين الباني، دار الكتاب العربي، بيروت، لبنان .
- ٣١ . سيد قطب فى ظلال القرآن مترجم: مصطفى خرم دل، سال چاپ ١٣٨٧ هجرى، نشر احسان، تهران، ايران.
- ٣٢ . سيد قطب، محمد، (متوفى ١٩٦٦ م) فى ظلال القرآن، الطبعة السابع عشر، ١٤١٢ق، دار الشرق، بيروت، قاهره.
- ٣٣ . شافعى، محمد بن ادريس، احكام القرآن، ترجمه، آيت الله علامه سيد ابو الفضل برقى، تهران.
- ٣٤ . شنقيطى، اضواء البيان فى تفسير القرآن بالقرآن سعدى، تيسير الكريم الرحمن .
- ٣٥ . صالح بن عبدالله و عبدالرحمن بن محمد ، موسوعة نضرة نعيم .
- ٣٦ . الطبرانى ، سليمان بن أحمد بن أيوب القاسم ، المعجم الكبير ، تحقيق : حميدى بن عبدالمجيد السلفى ، ناشر: مكتبة العلوم و الحكم ، طبع : دوم سال طبع : ١٩٨٣ م .
- ٣٧ . عسكرى، ابو هلال، الفروق اللغوية، مؤسسة الرسالة، بيروت، لبنان،
- ٣٨ . غزالى، ابو حامد، احياء علوم الدين ، ناشر: دار الكتاب العربى ، ، تاريخ طبع : ٢٠١٣ .
- ٣٩ . فيروز آبادي، محمد بن يعقوب، القاموس المحيط، باب القاف فضل الخاء مؤسسة الرسالة، بيروت، ط الثانية ١٩٨٧ م .
- ٤٠ . فيومى، أحمد بن محمد بن علي الفيومى المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير ، طس: ١٩٧٥، المكتبة العلمية بيروت .
- ٤١ . قرضاوى، دكتور يوسف قرضاوى، التوبة، ترجمه: دكتور احمد نعمتي، المكتبة الشاملة .
- ٤٢ . قرضاوى، دكتور يوسف، مدخل لمعرفة الإسلام، مؤسسة الرسالة، بيروت، لبنان.
- ٤٣ . قرطبي-رحمه الله-، أبي عبدالله محمد بن أحمد القرطبي (١٣٧٢ هـ ١٩٥٢ م) الجامع لأحكام القرآن، ، دار الكتب المصرية القاهرة، الطبعة: الثانية، ١٣٨٤ .
- ٤٤ . كيلانى، عمر عبدالله نجم الدين، مفهوم الاصلاح فى القرآن الكريم، مجله «ديالى» كلية التربية الاصمعي، شماره ٢٨، سال ٢٠٠٨ م .
- ٤٥ . ماوردي، أبو الحسن علي بن محمد بن محمد، تسهيل النظر وتعجيل الظفر فى أخلاق الملك وسياسة الملك، تحقيق: محي السرحان، وحسن الساعاتي بيروت، دار النهضة العربية .
- ٤٦ . مجموعة من الباحثين بإشراف عبد القادر السقاف، موسوعة الأخلاق الإسلامية .
- ٤٧ . مجموعة من العلماء، موسوعة نضرة نعيم فى أخلاق الرسول الكريم (صلى الله عليه و سلم) . ناشر:

- دار الوسيلة للنشر و التوزيع ، سال طبع : ١٩٩٨ م ، طبع اول .
- ٤٨ . محمد النجار ، حامد عبدالقادر ، معجم الوسيط ، طبع : ٤ ، سال طبع : ٢٠٠٤ م .
- ٤٩ . محمد عزت دروزة، التفسير الحديث، دار إحياء الكتب العربية القاهرة ١٣٨٣ ق - دار الغرب الإسلامي - دمشق .
- ٥٠ . مراغى، أحمد مصطفى المراغى، تفسير المراغى، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابى، مصر.
- ٥١ . مقداد يالجن، علم الأخلاق الإسلامية والمناظرة العلمية، ١٤٢٥ هـ / ٢٠٠٤ م، رياض، سعودى .
- ٥٢ . مكارم شيرازى، ناصر، الاخلاق فى القرآن، قم، مدرسه على ابن طالب، چاپ اول، ١٣٧٧ ش.
- ٥٣ . مناوى، محمد عبد الرؤوف المناوي، التوقيف على مهمات التعاريف، دار الفكر المعاصر، الطبعة الأولى، (١٤١٠) بيروت، لبنان.
- ٥٤ . ميدانى، عبد الرحمن حبنكة الميدانى، الأخلاق الإسلامية وأسسها، دار الفكر المعاصر، الطبعة الأولى، (١٤١٠) بيروت، لبنان.
- ٥٥ . نيسابورى ، أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري ، الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم ، دار الجيل بيروت .
- ٥٦ . يونس محمود صادق ياسين، الإصلاح الأسري من منظور قرآني ، جامعة النجاح الوطنية/نابلس فلسطين، ٢٠٠٦ .

خلاصة البحث

يعتبر النقاش حول تأثير الأخلاق في منع الفساد من القضايا الأساسية المهمة ، لذلك فإن هذه الرسالة حول هذا الموضوع قد كتبت في ضوء القرآن في ثلاثة أبواب و عدة مواضيع ، و خلاصة هذه الرسالة على النحو التالي: الأخلاق صفة روحية مستقرة تؤدي إلى تصرفات البشر ، والأخلاق من أهم خصائص الإنسان في حياته الخاصة والعامة ، ويتقدم المجتمع ويتفوق عندما يكون لأفراد ذلك المجتمع أخلاق عالية.

الأخلاق الإسلامية لها مصدر إلهي ورباني وهي مفهومة وتتوافق مع العقل وهي أيضاً متوازنة ، وجميع أجزائها لها توازن لا يوجد فيها إفراط ولا تفريط .

تحترم الأخلاق الإسلامية الحقائق وتتوافق مع الطبيعة البشرية ، ولهذا السبب تلعب الأخلاق الإسلامية دوراً مهماً للغاية في منع الفساد.

تشير الأخلاق الفردية إلى تلك الأخلاق التي تخص الإنسان وعلاقته بالله ، مثل: الصبر ، والصدق ، والمغفرة ، والإخلاص ، والتواضع ، واللطف والوداعة ، والحياء ، والتوبة ، والخوف ، والتي تمت مناقشتها في هذه الرسالة. ولها تأثيرات كثيرة على الوقوع في الفساد في حياة الإنسان.

تعتبر الأخلاق الاجتماعية من القضايا المهمة والحيوية في المجتمع البشري ، وتشكل الأخلاق الاجتماعية أساس المجتمع. وفي هذه الرسالة نتناول بعض الأخلاقيات الاجتماعية مثل: اللطف و بر الوالدين ، واللطف مع الزوج ، والتعاون والتعاقد مع الآخرين، والاهتمام باليتامى، والعدالة، والاستشهاد، والأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، والأخوة والتضحية والتفاني.

ونناقش آثار هذه الأخلاق في منع الفساد ، مما يوضح أن تعزيز الأخلاق الفردية والاجتماعية هو من أفضل البرامج لدرء العديد من الفساد مثل العداوة، وهو النجاة من المهالك.

وإذا تم تعزيز التفاني و التضحية بالنفس يتم حل العديد من المشاكل الكبرى في بلدنا أفغانستان ، على سبيل المثال : الحرب التي تدور حالياً والتي تأخذ الضحايا من كلا الجانبين كل يوم ، والفساد والبؤس يتزايدان يوماً بعد يوم ، إذا كان طرفا الحرب في أفغانستان يتفانيان ويعملان من خلال التضحية بالنفس ، ستكون نتيجة ذلك حل المشاكل الأمنية و إتمام الصلح.

الكلمات المفتاحية: أخلاق، اثر، قرآن، وقايه، مفاسد.

Abstract

Discussion on the effect of morality in preventing corruption is one of the most important and fundamental issues.

Morality is a stable spiritual trait that causes actions to be issued by human beings. Morality is one of the most important characteristics in individual and social life of a human being. Islamic morality has a divine and divine source and is understandable and agrees with reason and is also balanced and all its parts have balance and equilibrium in which there is neither excess nor excess, Islamic morality observes the facts and in agreement with It is human nature, which is why Islamic morality plays a very big role in preventing corruption.

Individual morality refers to those morals that belong to man and his relationship with God, such as: patience, honesty, forgiveness, sincerity, humility, kindness, shame and shame, repentance and fear that are discussed in this treatise. They are located and have many effects on preventing the occurrence of corruption in human life.

Social ethics is one of the most important and vital issues in human society and social ethics is the basis of a society. In this dissertation on some social ethics such as: kindness to parents, kindness to spouse, cooperation and collaboration with others, Attention to orphans, justice, martyrdom, enjoining the good and forbidding the evil, brotherhood and self-sacrifice and the effects of these morals in preventing corruption are discussed, which shows that strengthening individual and social morality is one of the best programs to ward off corruption There is a lot like enmity and enmity and salvation from death And if the morality of self-sacrifice is sacrificed, many of the great problems in our country, Afghanistan, will be solved, for example, the war that is currently going on and is taking victims from both sides every day, and corruption and misery are increasing day by day. The warring parties in Afghanistan should work for self-sacrifice and self-sacrifice, as a result of which security problems will be solved and peace will prevail.

Keywords: Ethics, Effect, Quran, Prevention, Corruption.



Salam University

Faculty of Sharia & Law

Master program in Tafseer & Hadith



Islamic Emirate of Afghanistan

Ministry of Higher Education

DM of Academic Affairs

The effect of Morality in Preventing Corruption in the clarity of the Qur'an

(A master's thesis)

Student: Sayed Afzal Bilal

Supervisor: Dr. Fasihulla Abdulbaqi

Year: 2020



Salam University

Faculty of Sharia & Law

Master program in Tafseer & Hadith



Islamic Emirate of Afghanistan

Ministry of Higher Education

DM of Academic Affairs

**The effect of Morality in
Preventing Corruption in the clarity
of the Qur'an**

(A master's thesis)

Student: Sayed Afzal Bilal

Supervisor: Dr. Fasihulla Abdulbaqi

Year: 1441